کیهان

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۱۲ تا پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۹ خورشیدی | سال سی و هفتم ـ شماره ۱۷۵۹ (شمارهٔ ۲۹۳ از دورهٔ جدید) | ۱۸ صفحه

دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل:

«جمهوری اسلامی ایران» پس از «جمهوری خلق چین» دومین ناقض بزرگ حقوق بشر در سال ۲۰۲۰

ادامه در صفحه ۳

۲۰۲۰ تکرار سال‌های سیاه حقوق بشر در ایران؛

۷۲ درصد اعدام مخفیانه و افزایش ۳۵ درصدی محکومیت‌ها

ادامه در صفحه ۴

اعتراضات سراسری دی ۹۶ علیه نظام جمهوری اسلامی:

مردمی، مستقل، هدفمند و ماندگار...

تفسیر سیاسی هفته را در صفحهٔ ۲ بخوانید

سرمقاله

ایرانسازان

نسل پیش و پس از پرانتز جمهوری اسلامی

یک نسل سنّی به تدریج جای خود را به نسل‌های تازه می‌دهد. نسلی که هفت هشت دهه را پشت سر گذاشته و به حکم طبیعت زندگی را ترک می‌گوید. این اما در میان مقامات پیش و پس از انقلاب اسلامی ۵۷ دارای دو کیفیت متضاد است. ....

ادامه در صفحه ۲

تیتر دو

جمهوری اسلامی بدون سلیمانی قافیه را سریع‌تر می‌بازد

سال ۲۰۲۰ میلادی با کشته شدن قاسم سلیمانی و گروهی از همراهانش از جمله ابومهدی المهندس از فرماندهان ارشد حشدالشعبی آغاز شد. فرمانده نیروی قدس روز سوم ژانویه یکسال پیش (۱۳ دی ۱۳۹۸) در حومه فرودگاه بغداد در جریان حمله پهپادی نیروهای آمریکایی کشته شد. حذف قاسم سلیمانی یکی از مهم‌ترین ضرباتی بود که به سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی وارد آمد. سیاستی که طراح و مجری آن نه دولت و وزارت خارجه بلکه فرمانده نیروی قدس بود. سیاستی که در جمهوری اسلامی از آن با نام‌های «محور مقاومت» و یا «عمق استراتژیک» نام برده می‌شود. سیاستی که محور آن نه فعالیت‌های اقتصادی و یا ترفندهای دیپلماتیک، بلکه ایجاد آشوب و جنگ است. قاسم سلیمانی در یکی از سخنرانی‌هایش که خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تازگی منتشر کرده است، به صراحت اعلام کرده بود: «جنگ پایه اساسی صدور انقلاب ماست. شاید هیچ چیز به اندازه جنگ در تحول داخلی کشور ما در ابعاد فرهنگی، حتا بیش از خود انقلاب، نقش نداشت. تاثیر جنگ در صدور انقلاب اساسی و زیربنایی است».

قهرمان جعلی

جمهوری اسلامی پیش از کشته شدن قاسم سلیمانی و به ویژه پس از آن تلاش دارد برای او قبای «قهرمانی» بدوزد و او را به عنوان نماد نوعی ملی‌گرایی همراه با اسلامگرایی معرفی کند. ....

ادامه در صفحه ۲

کیهان منتشر کرد:

سقوط بهشت

ادامه در صفحه ۶

سازمان ملل: ۸۰ کودک در ایران در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند

ادامه در صفحه ۱۶

«انتخاب» سخت برای علی خامنه‌ای؛ احیای برجام در گرو تعیین تکلیف تهدیدات موشکی!

ادامه در صفحه ۷

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۰۱) - احمد احرار

حاتم‌بخشی «حاج قاسم» از جیب «ایران» برای «هم غزه هم لبنان»!

ادامه در صفحه ۱۲

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHAN LIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

پهلویسم، بناپارتیسم و پاسداریسم

از دیدگاه علوم سیاسی، رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام حکومتی، نظامی است بی‌همتا.

با هیچیک از نظام‌های پیشین جهان و نظام‌های کنونی قابل مقایسه نیست. معجونی است از همه چیز که این همه چیز با سریشم شیعه دوازده امامی و چهارده معصومی بهم چسبانده شده که ولی فقیه سریشم‌دار اعظم آنست.

ادامه در صفحه ۱۵

اعتراضات سراسری دی۹۶ علیه نظام جمهوری اسلامی:

مردمی، مستقل، هدفمند و ماندگار...

● این اعتراضات مهم‌ترین اعتراضات مردم است که مانند اعتراضات سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ نه در حمایت از جریان‌های وابسته به نظام بلکه علیه کلیت حکومت جمهوری اسلامی و خواهان «براندازی» آن بود.

اعتراضات سراسری دی۹۶ بر خلاف دیگر اعتراضاتی که پیش از آن شکل گرفته بود، بر پایه رقابت‌های جناح‌های حکومتی نبود بلکه معترضان بیخ و بُنِ نظام را هدف قرار دادند و همین موضوع این اعتراضات را به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی ماندگار کرد.

امروز سه سال پس از اعتراضات دی۹۶، جمهوری اسلامی خطر فروپاشی را بیشتر درک کرده و بحث «آلترناتیو» نظام چه در میان نظریه‌پردازان و جریان‌های وابسته به نظام و چه در میان اپوزیسیون مدافع دموکراسی و حقوق بشر به یک موضوع محوری تبدیل شده است.

آنچه در اعتراضات پیشین دیده نمی‌شد

اعتراضات سراسری دی۹۶ دارای ویژگی‌هایی بود که آن را از اعتراضات پیشین متمایز می‌کرد. نخست آنکه این اعتراضات به صورت گسترده روز هفتم دی ۱۳۹۶ در شهر مشهد و در اعتراض به گرانی و تورم آغاز شد و به سرعت به سراسر کشور رسید.

هرچند اصلاح‌طلبان و حامیان دولت در ابتدا این اعتراضات را ساماندهی شده توسط ابراهیم رئیسی رقیب حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۹۶ قلمداد می‌کردند اما خیلی زود شعارهای معترضان نشان داد که هیچ پیوندی با هیچیک از جناحین نظام ندارند!

«رضا شاه، روحت شاه»، «جاوید شاه»، «مرگ بر دیکتاتور»، «ای شاه ایران، برگرد به ایران»، «چه اشتباهی کردیم، که انقلاب کردیم» برجسته‌ترین و فراگیرترین شعارهایی بود که در روزهای نخست اعتراضات دی۹۶ ثبت شد. اعتراضاتی که در بیش از ۱۰۰ شهر ایران گسترش یافت و در طول ۱۰ روز دامنه‌ی آن به ۱۶۰ شهر رسید.

ویژگی دیگر اعتراضات دی۹۶ این بود که برخلاف تظاهرات‌های پیشین مانند اعتراض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸(جنبش سبز) و یا اعتراضات دانشجویی در سال ۱۳۷۸(کوی دانشگاه)، از شهرستان‌ها و از مردم عادی و معمولی آغاز شد و سپس تهران و بخشی از قشرهای متوسط جامعه را در بر گرفت. این معترضان عمدتا متولدین دهه ۶۰ و ۷۰ خورشیدی بوده و در دوران همین نظام رشد کرده بودند. با این اعتراضات، نسل تازه‌ای از «زندانیان سیاسی» نیز در ایران شکل گرفت که بیشتر آنها بدون سابقه فعالیت سیاسی، خواهان براندازی نظام و حقوق انسانی خود برای یک زندگی شایسته هستند.

در حالی که بخشی از معترضان «جنبش سبز» به پشتوانه‌ی «خودی»ها از جمله میرحسین موسوی، زهرا رهنور و مهدی کروبی و جریان وابسته به نظام از حاشیه امن برخوردار بودند اما معترضان دی۹۶ نه تنها هیچ حمایتی درون نظام نداشتند بلکه جناحین نظام همصدا خواستار برخورد شدید با معترضان شدند!

شعار تعیین‌کننده: اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا

شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» یکی از مهمترین شعارهای تعیین‌کننده‌ایست که در این اعتراضات سر داده شد. این شعار نخستین‌بار در تجمع دانشجویان دانشگاه تهران شنیده شد؛ این در حالیست که پیش از آن اعتراضات دانشجویی همواره از سوی تشکل‌ها و افرادی زیر سایه جناحین نظام هدایت می‌شد و بزرگترین اعتراضات دانشجویی مربوط به سال ۱۳۷۸ از سوی طرفداران دولت اصلاحات سازماندهی و توسط همان جریان نیز سرکوب و خاموش شد!

این شعار تعیین تکلیف نهایی با نظام به ویژه جریان اصلاح‌طلب بود که همواره تلاش کرده نقاب منتقد نظام را برچهره بزند تا آنطور که محمدرضا خاتمی یکی از رهبران جریان اصلاحات گفته در نقش «سوپاپ اطمینان» به تداوم نظام کمک کند.

بیهوده نبود که این شعار خشم اصلاح‌طلبان را به شدت برانگیخت. ارتش سایبری اصلاح‌طلبان و حامیان دولت روحانی به عنوان دولت وقت که تازه شش ماه کار کار خود را آغاز کرده بود، در کنار برادران اصولگرای خود حملات سازمانیافته و پلیدی را در شبکه‌های اجتماعی علیه معترضان آغاز کردند.

همچنین برجسته‌ترین چهره‌های اصلاح‌طلب به تخریب معترضان پرداخته و خواستار سرکوب آنها شدند. عباس عبدی خواهان «برخورد تند با اغتشاشگران» شد. وی با ادعای وابسته بودن معترضان در ایران به کشورهای عربی منطقه و توضیح در لزوم «جمع کردن بساط» اعتراضات، با نگرانی امنیتی‌های نظام را به هشیاری فراخوانده و گفته بود «هیچ خطری را کوچک فرض نکنیم!»

همزمان حمیدرضا جلایی‌پور نیز معترضان را «کرکس» خواند و جمیله کدیور از افراد اصلاح‌طلب و همسرش عطاءالله مهاجرانی که هر دو از اصلاح‌طلبان خارج از کشور هستند نیز به معترضان تاختند.

اگرچه سرکوب اعتراضات به سرعت سازماندهی شد اما به نظر می‌رسد غافلگیری و دستپاچگی مقامات نظام سبب شد میزان کشته‌شدگان اعتراضات دی۹۶ با وجود گستردگی سراسری کمتر از اعتراضات دو سال بعد یعنی آبان ۹۸ باشد. تعداد بازداشت‌شدگان در اعتراضات دی۹۶ از مرز ۵۰۰۰ نفر گذشت و بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از بازداشت شدگان در هفته‌ها و ماه‌های بعد از اعتراضات شناسایی، بازداشت و محاکمه شدند. تا کنون دست کم شش معترض به اعدام محکوم و دو تن از معترضان نیز اعدام شده‌اند.

سرمنشاء اعتراضات و دلیل تداوم آن

تورم، گرانی و مشکلات اقتصادی انگیزه اولیه جرقه خوردن اعتراضات دی۹۶ بود اما یک علت زیربنایی هم دارد که هر بار با دامنه‌ی بیشتری به ویژه در شعارها به نمایش گذاشته می‌شود: نارضایتی عمومی از کلیت نظام جمهوری اسلامی!

سال‌هاست که نارضایتی عمومی مردم از جمهوری اسلامی از نجوا در خانه و در میان دوستان و در گفتگوهای تاکسی و اتوبوس خارج شده و به ویژه از دی۹۶ با صدای بلند در خیابان‌ها فریاد زده می‌شود. اگرچه شعارهایی مانند مانند «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم» سخن شاخص زنان در تظاهرات ضدحجاب در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ بود. بعدها نیز شعارهایی مانند «مرگ بر دیکتاتور» و همچنین «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» پیش از دی ۹۶ در اعتراضات مختلف شنیده شده بود. اما اعتراضات دی۹۶ از جنس دیگری بود که تمام‌قد در برابر جمهوری اسلامی سینه سپر کرد. بطوری که دو سال بعد رژیم از وحشت به کشتار خیابانی مردم در آبان ۹۸ پرداخت.

مردم ایران به بهایی سنگین دیده‌اند که شعارها و وعده‌های جمهوری اسلامی از خمینی تا خامنه‌ای جز دروغ نیست. در حالی که نظام برای صدور ایدئولوژی فرقه‌ای خود منابع کشور را به باد می‌دهد، فساد اقتصادی تمام ساختارش را فرا گرفته آنهم در حالی که بسیاری از اعضای خانواده و وابستگان آن در کشورهای غربی به زندگی مشغولند!

ناکارآمدی جمهوری اسلامی در همه عرصه‌ها آنهم با تقریبا یکسال شیوع کرونا در کشور چنان بارز است که در چنین شرایطی نمی‌تواند با برگزاری انتخابات استصوابی و دروغین یا وعده‌فروشی، افکار عمومی را به سود خود هدایت کند. مجموعه‌ی این شرایط کافیست تا مردم نه فقط برای خواسته‌های مدنی و صنفی بلکه برای مبارزه با کلیت نظام دست به اعتراض بزنند. به همین دلیل است که مقامات جمهوری اسلامی از دی۹۶ هدف اعتراضات را «براندازی» نظام ارزیابی کرده و «برانداز» و «براندازی» از سوی مقامات جمهوری اسلامی مطرح شده و درباره آن هشدار می‌دهند.

اما اعتراضات دی۹۶ همراه با حرکت نمادین ویدا موحد مادر جوانی که روز ششم دی‌ماه در تهران روسری خود را در مخالفت با حجاب اجباری بر سر چوب کرد، افکار عمومی جهانی را متوجه روی دیگری از جامعه ایران کرد که در قید جناحین نظام نیست و کل جمهوری اسلامی را نمی‌خواهد؛ جنبشی که از اعتراض «دختر خیابان انقلاب» و «مرد میدان ساحل» تا جوانانی چون نوید افکاری و پویا بختیاری در تیر و امرداد ۹۷ و آبان ۹۸ ادامه یافت و کمپین دادخواهی را نیز در خود پروراند.

از سوی دیگر اثرات غیرمستقیم اعتراضات و فشار آن را بر نظام نمی‌توان نادیده گرفت. دو ماه پس از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ صادق آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضاییه در نامه‌ای به علی خامنه‌ای خواستار کسب اجازه برای برخورد شدید با مفسدان اقتصادی شد و پس از آن نمایشی از مبارزه با سلاطین سکه و قیر و طلا و غیره شروع شد بدون آنکه به سردمداران اصلی فساد در نظام آسیبی برسد.

اعتراضات دی۹۶ همچنین امید و شور تازه‌ای برای ایجاد تغییرات ساختاری در مردم ایجاد کرد و اپوزیسیون جمهوری اسلامی را به تلاش‌های تازه واداشت و جمهوری اسلامی را بیش از پیش به مسیر بی‌بازگشت زوال و عدم مشروعیت انداخت. آتش این اعتراضات در حالی همچنان روشن است که عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور کمی بعد در گزارشی بر اساس اطلاعات نهادهای امنیتی رژیم اعلام کرد «عوامل نارضایتی‌ها داخلی و بدون هیچگونه دخالت از خارج کشور» بوده و «یک جرقه کافی است تا اعتراضات بار دیگر شعله‌ور شود.» و شعله‌ور شد و باز هم خواهد شد: در آبان ۹۸ و در...

روشنک آسترکی

سرمقاله

ایرانسازان

نسل پیش و پس از پرانتز جمهوری اسلامی

یک نسل سِنّی به تدریج جای خود را به نسل‌هایِ تازه می‌دهد. نسلی که هفت هشت دهه را پشت سر گذاشته و به حکم طبیعت زندگی را ترک می‌گوید. این اما در میان مقامات پیش و پس از انقلاب اسلامی ۵۷ دارای دو کیفیت متضاد است.

هراندازه از بیشتر پایوران دوران پهلوی و نقش آنها در ساختن ایرانی که جمهوری اسلامی از پس غلبه بر آن بر نیامد به نیکی یاد می‌شود، بهمان اندازه و بسی بیشتر، مرگ مقامات و معماران جمهوری اسلامی با لعن و خشنودی مورد استقبال قرار می‌گیرد.

در یک نمونه بارز، هرچند جمهوری اسلامی تلاش کرد تا از فردی مانند قاسم سلیمانی یک چهره‌ی «ملی» ارائه دهد و حتا برخی مخالفان رژیم حساب وی را در حالی از حکومت جدا خیال می‌کنند که در سرسپردگی وی به نظام و شخص علی خامنه‌ای هیچ تردیدی نیست، اما افکار عمومی وی را عامل صدور انقلاب اسلامی و توسعه‌طلبی شیعه با سوء استفاده از منابع کشور می‌داند. البته چنگ انداختن برخی از مخالفان جمهوری اسلامی به امثال قاسم سلیمانی را شاید بتوان ناشی از خلاء هویت ملی و تاریخی دانست که توسط رژیم لگدمال شده و با سرکوب بی‌امان تمامی راه‌های حضور چهره‌های به راستی ملی و خدمتگزار را در داخل ایران بسته است. به عبارت دیگر، در حالی که به گفته‌ی حافظ، «دور روزگاران» چنانست که از «یاران» و «حق‌شناسان» و «شهریاران» و «سواران» و «عندلیبان» و «میگساران» خبری نیست، روشن است که دشمنان و ناحق‌ها و فرومایگان و دنبال‌دوندگان و وزغ‌ها و خرمهرگانی چون سلیمانی برای برخی به «قهرمان ملی» تبدیل می‌شوند! وگرنه آموزش مزدوران شبه‌نظامی و راه انداختن جنگ و حمله نیابتی و به خاک و خون کشیدن شهروندان خود و کشورهای دیگر هیچ همخوانی با قهرمانی در ملی‌گرایی ندارد! ملی‌گرایی زمانی مفهوم پیدا می‌کند که حاکمیت ملت برقرار بوده و به همین ملی‌گرایی برای همسایگان و دیگر کشورها در مناسبات متقابل احترام گذاشته شود.

سال‌هاست که کشته شدن امثال سلیمانی و فخری‌زاده همانگونه در بخش مهمی از جامعه سبب احساس رضایت و شادی می‌شود که مرگ امثال محمد یزدی و مصباح یزدی و مشابهان آنها و یا دستگیری و محاکمه امثال حمید نوری در سوئد و اسدالله اسدی در بلژیک...

امروز همانگونه که بخشی از جمهوری اسلامی به فنا می‌رود و بخشی دیگر کابوس دادخواهی می‌بینند، مردم که بنا بر سرشت خویش پایدار هستند، به نابودی کل نظام به عنوان مهم‌ترین عامل انحطاط کشور امیدوار می‌شوند تا سرانجام «دور روزگاران» دوباره به ملت و به ایرانسازان برسد.

تیتر دو

جمهوری اسلامی بدون سلیمانی قافیه را سریع تر می‌بازد

از صفحه ۱

تلاشی که شاید در گذشته بسیاری از منتقدین جمهوری اسلامی را نیز به دام انداخت که از قاسم سلیمانی با عنوان‌های چون «سردار ملی» و یا «ستارخان زمانه» یاد کرده و فعالیت‌های ماجراجویانه و تروریستی فرمانده نیروی قدس را «تلاش برای حفظ امنیت و یکپارچگی» کشور خواندند. اما گذشت زمان نشان داد که قاسم سلیمانی و سیاست‌هایش در منطقه بی‌ثباتی برای ایران به ارمغان آورده و اگر فرمانده نیروی قدس زنده مانده بود در روز بعد از پایان نظام کنونی به اتهام «جنایات جنگی» و «جنایت علیه بشریت» از جمله به اتهام اعزام کودکان افغان به جنگ سوریه در صفوف «فاطمیون» می‌بایست در جایگاه متهمین در دادگاه بین‌المللی لاهه بنشیند.

در این روزها که به گفته حسین امیرعبدالهیان سخنگوی «ستاد قاسم سلیمانی» بیش از ۱۶ هزار برنامه با «حرکت‌های خودجوش مردمی» به خاطر وی در حال برگزاری هستند، تلاش‌ها برای قدیس‌سازی فرمانده سابق نیروی قدس ادامه دارد. چنانکه قاسم سلیمانی، به گفته حسین امیرعبدالهیان، مانند افسانه‌سرایی در باب به خواب دیدن «امامان»، شب‌ها به «خواب دوستان و آشنایان می‌آید» و «نقشه راه اجرایی عملیات علیه اسرائیل» را برای آنها تشریح می‌کند! از این اظهارات مسخره و خرافاتی در این روزها در رسانه‌های جمهوری اسلامی در رابطه با فرمانده سابق نیروی قدس زیاد شنیده و خوانده می‌شود.

در این روزها، مانند یکسال پیش، بازار وعده‌های انتقام نیز بسیار گرم است. البته همه این «انتقام‌گیری»ها به «محور مقاومت» واگذار می‌شود. سیدابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه می‌گوید «جبهه مقاومت» در گرفتن انتقام قاسم سلیمانی مصمم است و «دشمن تصور نکند اگر کسی در کسوت رئیس جمهور آمریکا به عنوان آمر و عامل قتل قرار گرفت مصون خواهد ماند». اسماعیل قاآنی جانشین قاسم سلیمانی در فرماندهی نیروی قدس نیز اخیرا اعلام کرد «در سراسر عالم هرکجا یک مردی پیدا شود، آمادگی دارد آن نامردها را که این کار را انجام دادند به سزای اعمال خود برساند!»

هشدار به جمهوری اسلامی

با همه این لاف و گزاف‌ها اما یکسال از کشته شدن قاسم سلیمانی گذشت و خبری از انتقام نشد. در اولین سالگرد کشته شدن فرمانده نیروی قدس هم تا کنون عملیاتی که بتوان از آن با عنوان «انتقام‌گیری» نام برد صورت نگرفته است. بدون شک پرواز سه بمب‌افکن آمریکایی از نوع B-۵۲ برفراز آب‌های خلیج فارس و حضور زیردریایی USS Giorgia در همین آب‌ها و حرکت یک زیردریایی اسرائیلی به سمت تنگه هرمز، از جمله عواملی هستند که جمهوری اسلامی را از دست زدن به هرگونه ماجراجویی نظامی منصرف کرده است.

ژنرال آویو کوخای فرمانده ستاد مشترک ارتش اسرائیل با لحنی که رسانه‌های این کشور آن را «غیرمعمول» می‌خوانند، هشدار داد که «ارتش اسرائیل به هرکس که از نزدیک یا دور و به هر شکل در اقدامی علیه این کشور و منافع‌اش مشارکت کند حمله خواهد کرد.»

ژنرال فرانک مک‌کنزی فرمانده ستاد مرکزی ایالات متحده در منطقه (سنتکام) نیز از «واکنش قاطع» صحبت کرد و افزود «ما آماده هستیم و از توان پاسخگویی به هر گونه حمله یا تجاوز به آمریکایی‌ها و یا منافع خود برخورداریم.»

سخنانی که به نظر می‌رسد تاثیر داشته و تهدیدهای جمهوری اسلامی را نه تنها در سطح رجزخوانی باقی گذاشتند بلکه سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت خارجه حتا اعلام کرده است که «به آمریکا از طرق مختلف پیام دادیم که ما به دنبال تنش نیستیم!»

یکسال پس از کشته شدن قاسم سلیمانی نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه نیز به شدت کاهش یافته است. یکی از دلایل ابن کاهش بدون شک حذف مرد شماره یک معادلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی است. اسماعیل قاآنی جانشین قاسم سلیمانی، نه تنها از «کاریزما»ی فرمانده سابق نیروی قدس برخوردار نیست بلکه نه شناخت لازم از اوضاع منطقه را دارد و نه دارای روابط دیرینه و گسترده با رهبران گروه‌های شبه‌نظامی در خاورمیانه است. اگر مشکلات مالی جمهوری اسلامی ناشی از تحریم‌های آمریکا، و شورش مردم لبنان و عراق علیه دخالت های جمهوری اسلامی را نیز به آن اضافه کنیم، این کاهش نفوذ واضح‌تر دیده می‌شود. بشار الحلبی تحلیلگر لبنانی صحبت از «فصل جدیدی» در اوضاع منطقه می‌کند؛ فصلی که با به خیابان آمدن معترضان در لبنان و عراق در اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد و همچنان ادامه دارد. بشار الحلبی می‌گوید «این اعتراض‌ها اگرچه علیه فساد طبقات حاکم در این کشورهاست، ولی می‌توان آنها را علیه نفوذ جمهوری اسلامی که حامی اصلی احزاب، گروه‌ها و سیاستمداران فاسد است نیز به حساب آورد.»

راه متفاوت لبنان، عراق و سوریه با جمهوری اسلامی

در لبنان که سعد حریری هفته‌ها در تلاش تشکیل دولت جدیدیست، سه رهبر سیاسی خواهان استعفای میشل عون رئیس جمهوری مسیحی این کشور شدند که از حمایت جمهوری اسلامی برخوردار است. سمیر جعجع رهبر گروه مسیحی «القوات اللبانیه» می‌گوید «اگر من جای میشل عون می‌بودم استعفا می‌دادم و انتخابات زودهنگام پارلمانی برگزار می‌کردم». سلیمان فرنجیه یک رهبر مسیحی دیگر و رئیس «المردة» می‌گوید «اگر کسی دوست میشل عون است باید به او توصیه کند از قدرت کنار برود». ولید جنبلاط رهبر دروزهای لبنانی و دبیرکل «حزب سوسیالیست ترقیخواه» نیز معتقد است «میشل عون و حامیان داخلی و خارجی‌اش (منظور حزب‌الله و جمهوری اسلامی است) شکست خورده‌اند و باید کنار بروند.»

در عراق هم وضعیت برای جمهوری اسلامی بهتر از لبنان نیست. اخیرا مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر عراق، محمد ابوهاشمی مدیذ سابق دفتر نخست‌وزیری را با پیامی به تهران فرستاد. در این پیام بر نیاز مبرم برای کنترل نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در عراق تاکید شده است. مصطفی الکاظمی هر رفتار حساب نشده‌ای از سوی تهران و دست‌نشاندگان عراقی آن را آغاز فاجعه جدیدی می‌خواند و از تهران می‌خواهد به دخالت‌های خود در امور داخلی این کشور پایان داده یا به حداقل برساند.

وضعیت جمهوری اسلامی در سوریه، یکی دیگر از اعضای به اصطلاح «محور مقاومت» نیز بسیار بد است. علاوه بر حملات پی در پی جنگنده‌های اسرائیلی به مواضع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی، در عمل حکومت ایران از گفتگوهای سه‌جانبه برای پایان جنگ در سوریه کنار گذاشته شده است. در دو نشست اخیر که در شهر روسی سوچی در این رابطه برگزار شد، تنها وزاری خارجه مسکو و آنکارا حضور داشتند و هیچ نماینده‌ای از تهران دعوت نشده بود.

احمد رأفت

دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل: «جمهوری اسلامی ایران» پس از «جمهوری خلق چین» دومین ناقض بزرگ حقوق بشر در سال ۲۰۲۰

● ولادیمیر پوتین در رتبه دهم، رجب طیب اردوغان در رتبه هشتم و کیم جونگ اون در رتبه نهم ناقضان حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ قرار دارند.

● این سازمان حقوق بشری با انتشار تصویر علی خامنه‌ای در کنار زمامداران ۹ رژیم تمامیت‌خواه و همچنین غیردمکراتیک به مواردی از جنایات صورت گرفته تحت حاکمیت ولی فقیه در سال ۲۰۲۰ اشاره کرده است: اعدام نوید افکاری کشتی‌گیر و از معترضان اعتراضات ۹۷، اعدام روح‌الله زم روزنامه‌نگار به دلیل انتقاد از رژیم، تأمین‌کننده بودجه مالی کشتار مردم سوریه و گروه تروریستی حزب‌الله لبنان، دستگیری زنان به دلیل اعتراض به حجاب اجباری، حمله موشکی به هواپیمای مسافربری اوکراین که منجر به کشته شدن ۱۷۶ مسافر شد و پنهانکاری درباره این جنایت و کشتار معترضان در اعتراضات مسالمت‌آمیز.

دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل متحد جمهوری اسلامی ایران را در رتبه دوم فهرست ۱۰ بدترین رژیم ناقض حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ در دنیا قرار داد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل متحد در آستانه آغاز سال میلادی ۲۰۲۱، فهرست ۱۰ ناقض بزرگ حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ را در رشته توئیتی معرفی کرده است.

دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل متحد در این فهرست جمهوری اسلامی را در رتبه دوم فهرست ناقضان حقوق بشری قرار داده که شی جین‌پینگ رهبر جمهوری خلق چین صدرنشین آن است.

این سازمان حقوق بشری با انتشار تصویر علی خامنه‌ای در کنار زمامداران ۹ رژیم تمامیت‌خواه و همچنین غیردمکراتیک به مواردی از جنایات صورت گرفته تحت حاکمیت ولی فقیه در سال ۲۰۲۰ اشاره کرده است: اعدام نوید افکاری کشتی‌گیر و از معترضان اعتراضات ۹۷، اعدام روح‌الله زم روزنامه‌نگار به دلیل انتقاد از رژیم، تأمین‌کننده بودجه مالی کشتار مردم سوریه و گروه تروریستی حزب‌الله لبنان، دستگیری زنان به دلیل اعتراض به حجاب اجباری، حمله موشکی به هواپیمای مسافربری اوکراین که منجر به کشته شدن ۱۷۶ مسافر شد و پنهانکاری درباره این جنایت و کشتار معترضان در اعتراضات مسالمت‌آمیز.

در این فهرست پس از جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی در ایران، زمامداران کشورهای کامرون، ونزوئلا، عربستان سعودی، زیمبابوه، کوبا، ترکیه، کُره شمالی و روسیه در رتبه‌ی سوم تا دهم به عنوان بدترین ناقضان حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ قرار گرفته‌اند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل متحد در رشته توئیت خود تصاویری از مقامات ارشد این کشورها از جمله نیکلاس مادورو رئیس جمهور چپگرای ونزوئلا، محمدبن سلمان ولیعهد عربستان، رائول کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کوبا، رجب طیب اردوغان رئیس جمهور اسلامگرای ترکیه، کیم جونگ اون رهبر کمونیست کُره شمالی و در آخر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه را به عنوان مسئولان ناقض حقوق بشر در این کشورها منتشر کرده است.

این سازمان به موارد متعددی از کشتار و نگهداری مخالفان این رژیم‌ها در اردوگاه‌ها و زندان‌ها مخوف اشاره دارد که در چین شامل زندانی کردن یک میلیون چینی مسلمان اویغور و فشار بر خبرنگارانی که زنگ خطر ویروس کُرونا را به صدا در آوردند و همچنین سرکوب معترضان در هنگ‌کنگ می‌شود.

دیده‌بان سازمان ملل متحد موارد نقض حقوق بشر در روسیه را از جمله مسموم کردن آلکسی ناوالنی رهبر مخالفان پوتین، ۳۶۲ فعال سیاسی در زندان‌ها، شکنجه زندانیان، آزار و شکنجه ۳۰۰ شاهد یهوه، بمباران مدارس، بیمارستان‌ها و بازارهای سوریه و حمایت از لوکاشنکو دیکتاتور کمونیست بلاروس برشمرده است.

فاجعه‌ی هواپیمای اوکراینی؛ کارشناسان مستقل هوانوردی سقوط بر اثر اصابت را محتمل‌ترین توضیح می‌دانند

نیروهای «هلال احمر» در حال جمع آوری بقایای پیکر کشته‌شدگان که متلاشی شده‌اند

● منابع کانادایی: هیچ نشانه‌ای از اینکه هواپیمای اوکراینی مورد اصابت قرار گرفته پیدا نشده.

● ولادیمیر زلنسکی رئیس جمهوری اوکراین دستور تحقیقات قضایی صادر کرده است.

● سرجنگی یک موشک در نزدیکی محل سقوط هواپیما پیدا شده.

● رئیس سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی: جعبه سیاه هواپیما را به آمریکا تحویل نمی‌دهیم و فعلاً معلوم نیست جعبه سیاه برای بازخوانی به کدام کشور می‌رود!

● از ۱۷۶ سرنشین این هواپیما (۱۶۷ مسافر و ۹ خدمه) ۸۲ ایرانی، ۶۳ کانادایی، ۱۱ اوکراینی، ۱۰ سوئدی، ۴ افغان و سه انگلیسی بودند.

رویترز به نقل از یک منبع کانادایی نوشته سازمان‌های اطلاعاتی غربی هیچ نشانه‌ای از اینکه هواپیمای اوکراینی مورد اصابت قرار گرفته باشد پیدا نمی‌کنند اما کارشناسان مستقل هوانوردی سقوط بر اثر اصابت (shootdown) را محتمل‌ترین توضیح برای سقوط این هواپیما می‌دانند.

رویترز، چهارشنبه ۸ ژانویه (۱۸ دی‌ماه)، به نقل از یک مقام امنیتی که نخواست نامش فاش شود نوشت برآوردهای اولیه نشان می‌دهد بوئینگ اوکراینی که صبح امروز در حوالی تهران سقوط کرد توسط موشک ساقط نشده و دچار نقص فنی بوده است.

از سوی دیگر سازمان هواپیمایی اوکراین (UIA) نقص فنی این هواپیما را رد کرده و بر اساس تصاویر می‌گوید آثار اصابت موشک در بدنه و بال هواپیما مشهود است.

به گزارش ایندیپندنت متخصصان گروه OPS یک گروه کنترل ریسک حمل و نقل هوایی با بررسی تصاویر تایید کردند آنچه روی بدنه بقایای هواپیما پیداست آثار برجا مانده از اصابت ترکش‌های موشک است.

این هواپیمای بویینگ نو بوده و از عمر آن فقط سه سال می‌گذشت و دو روز پیش از سانحه نیز معاینه فنی شده بود.

روز چهارشنبه همزمان با حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه اربیل و عین‌الاسد در عراق یک فروند هواپیمای اوکراینی حدود ساعت ۰۶:۳۰ در جنوب تهران در محلی بین پرند و رباط کریم سقوط کرد و تمام ۱۷۶ سرنشین آن (۱۶۷ مسافر و ۹ خدمه) که ۸۲ نفر از مسافران ایرانی و اغلب دانشجو بودند کشته شدند. همچنین در میان مسافران، ۶۳ کانادایی، ۱۱ اوکراینی، ۱۰ سوئدی، ۴ افغان و سه انگلیسی بودند. به گزارش روزنامه آلمانی بیلد، ۳ تن از ایرانیان کشته شده، دوتابعیتی بوده و شهروند آلمان نیز بوده‌اند.

هواپیما از تهران عازم شهر کی‌یف بود که دقایقی پس از برخاستن از فرودگاه «خمینی» به دلایل نامعلوم در آسمان آتش گرفت و سقوط کرد.

برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که این هواپیما در اثر اصابت اشتباهی موشک‌های سپاه پاسداران منفجر شده و برخی دیگر می‌گویند پدافند یکی از نیروهای مسلح به اشتباه به آن شلیک کرده است.

پراکندگی زیاد قطعات هواپیما بر روی زمین نیز از دیگر شواهدی است که احتمال وقوع انفجار ناگهانی را تقویت می‌کند.

سفارت اوکراین در ایران در فاصله اندکی پس از سقوط بر اساس اطلاعاتی که معلوم نبود نتیجه کدام بررسی‌هاست اعلام کرد سانحه بر اثر نقص فنی بوده است اما ساعاتی بعد این خبر را حذف کرد.

پیدا شدن قطعه‌ای از یک موشک در حوالی منطقه سقوط هواپیما به مشکوک بودن این سانحه دامن زده است.

برخی کاربران در توییتر به بیان دلایل خود برای مشکوک بودن این سانحه پرداخته‌اند از جمله آثار ترکش روی بخش‌هایی از بدنه هواپیما که مقداری سالم‌تر مانده است.

اینهمه در حالیست که منابع اوکراینی می‌گویند هواپیمای سقوط کرده در ایران هیچ مشکل فنی نداشته است.

ولادیمیر زلنسکی رئیس جمهوری اوکراین دستور تحقیقات قضایی را صادر کرده اما رئیس سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی اعلام کرده «جعبه سیاه هواپیما را به آمریکا تحویل نمی‌دهیم و فعلاً معلوم نیست جعبه سیاه برای بازخوانی به کدام کشور می‌رود.»

علی عابدزاده همچنین گفته اطلاعی از نقص فنی احتمالی نداشته‌ایم و خلبان این هواپیما نیز تماسی با برج مراقبت یا اپروچ نداشته است.

وبسایت هوانوردی «Bellingcat» تقاضا کرده هر کسی اطلاعاتی در مورد این سانحه دارد برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارشناسان مرکز قرار دهد.

انتقاد جرمی هانت از دولت بریتانیا به خاطر سلب مسئولیت از خود در آزاد کردن نازنین زاغری

● دفتر وزارت خارجه بریتانیا در پاسخ به درخواست اقدام برای آزادی نازنین زاغری اعلام کرد «شهروندان بریتانیایی که خارج از مرزهای بریتانیا به صورت ناعادلانه دستگیر می‌شوند، حتی اگر شکنجه شوند و یا به عنوان اهرم دیپلماتیک علیه بریتانیا از آنها استفاده شود، حقی برای بر برخورداری از حمایت‌های دولتی ندارند.»

● در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهریور ۱۳۹۸ محمدجواد ظریف گفت بریتانیا پیشنهاد داده در ازای مداخله او برای کمک به آزادی نازنین پول مسدودشده ایران را آزاد کند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت این پیشنهاد ابتدا از سوی فیلیپ هاموند وزیر خارجه پیشین بریتانیا در ژوئیه ۲۰۱۶ مطرح شد. ظریف در ادامه گفت «من حاضر بودم در ازای پرداخت این بدهی در دادگاه برای آزادی نازنین زاغری تلاش و استدلال کنم!» او گفت این پیشنهاد زمانی که بوریس جانسون وزیر خارجه شد هنوز روی میز بود اما بعد جانشین او جرمی هانت آن را رها کرد.

● جرمی هانت در یادداشتی در «تایمز» می‌گوید بریتانیا برای حمایت دیپلماتیک مؤثر از شهروندانش باید مجازاتی علیه جمهوری اسلامی ایران در نظر بگیرد تا به جهان نشان دهد که اگر یک شهروند بریتانیایی را به اتهامات واهی به زندان بیندازید، هزینه سنگینی پرداخت خواهید کرد.

جرمی هانت وزیر خارجه پیشین بریتانیا در یادداشتی که روزنامه «تایمز» سه‌شنبه ۲۹ دسامبر (نهم دی) منتشر کرد به ناتوانی دولت بریتانیا برای آزادی نازنین زاغری شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی که در ایران بازداشت است انتقاد کرد.

در این یادداشت جرمی هانت با اشاره به ناکامی دولت بریتانیا در حمایت از اتباع زندانی خود در ایران نوشت این مسئله می‌تواند بیانگر ضعف وجهه دیپلماتیک بریتانیا باشد.

روزنامه «تایمز» روز دوشنبه ۲۸ دسامبر به نقل از وزارت خارجه بریتانیا اعلام کرد شهروندان بریتانیایی که خارج از مرزهای این کشور دستگیر شوند، حق برخورداری از حمایت‌های دولتی از سوی بریتانیا را ندارند.

هانت اولین عضو سابق دولت محافظه‌کار است که می‌گوید انگلستان باید راهی برای پرداخت بدهی ۴۰۰ میلیون پوندی انگلیس به ایران پیدا کند. وی دولت را متهم به سستی در این کار کرده و می‌نویسد لندن باید راهی اساسی برای پرداخت این مبلغ به رژیم ایران پیدا کند بدون اینکه تحریم‌ها را نقض کرده باشد.

این بدهی مربوط به خرید تانک‌های چیفتن توسط ایران پیش از انقلاب است که پول آن توسط حکومت وقت پرداخت شد اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران تحویل داده نشدند. این قرارداد گرچه بطور رسمی به عنوان یک موضوع جداگانه در نظر گرفته می‌شود، اما بسیاری آن را مانعی برای آزادی انوشه آشوری و نازنین زاغری- رتکلیف می‌دانند. اخیراً نیز سومین شهروند دوتابعیتی انگلیسی- ایرانی حکم هشت سال زندان گرفته اما هنوز به اجرا گذاشته نشده است. در این گزارش به نام این شهروند اشاره نشده است.

هانت در این یادداشت می‌گوید بریتانیا برای حمایت دیپلماتیک مؤثر از شهروندانش باید مجازاتی علیه جمهوری اسلامی ایران در نظر بگیرد تا به جهان نشان دهد که اگر یک شهروند بریتانیایی را به اتهامات واهی به زندان بیندازید، هزینه سنگینی پرداخت خواهید کرد.

او همچنین گفته «بریتانیا یکی از بازیگران اصلی در صحنه جهانی است و مصمم است یکی از آنها باقی بماند.»

تصویر نازنین زاغری در مرخصی/ ۲۷ اسفندماه ۱۳۹۸

جرمی هانت همچنین تاکید کرده بریتانیا پس از برکسیت اگر چنین تحت فشار قرار بگیرد علائم غلطی ارسال کرده است.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی یکسال پیش از این مدعی شده بود که بریتانیا پیشنهاد داده تا در ازای پرداخت بدهی خرید تانک‌های چیفتن، نازنین زاغری آزاد شود. اما جرمی هانت آن را باج‌خواهی دانست.

در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهریور ۱۳۹۸ محمدجواد ظریف در یکی از مصاحبه‌های خود گفت بریتانیا پیشنهاد داده در ازای مداخله او برای کمک به آزادی نازنین پول مسدودشده ایران را آزاد کند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت این پیشنهاد ابتدا از سوی فیلیپ هاموند وزیر خارجه پیشین بریتانیا در ژوئیه ۲۰۱۶ مطرح شد. این مبلغ ۴۰۰ میلیون پوند بدهی بریتانیا به ایران در پرونده خرید تانک‌های چیفتن است. ظریف در ادامه گفت «من حاضر بودم در ازای پرداخت این بدهی در دادگاه برای آزادی نازنین زاغری تلاش و استدلال کنم!» او گفت این پیشنهاد زمانی که بوریس جانسون وزیر خارجه شد هنوز روی میز بود اما بعد جانشین او جرمی هانت آن را رها کرد.

در گزارشی که کیهان لندن سال گذشته منتشر کرده همچنین آمده است، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به گفتگوی خود با هانت در این‌باره گفت: «جرمی هانت گفت این باج‌گیری است و من گفتم که این کار را من شروع نکردم. این کار را فیلیپ شروع کرد!» ظریف با بیان اینکه «آزاد کردن پول ایران به معنای باجگیری نبوده است» گفت: «من به عنوان وزیر امور خارجه موضعی در دادگاه در قبال مسائل شهروندان ایرانی ندارم.»

واقعا هم در بریتانیا شماری از سیاستمداران و فعالان حقوق بشر اصرار دارند دولت انگلیس ۴۰۰ میلیون پوند به جمهوری اسلامی بدهد و نازنین زاغری را آزاد کند. ولی برخی دیگر این کار را باج‌دهی می‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند چرا که پرداخت این پول و گردن نهادن بر باج‌خواهی‌های جمهوری اسلامی باعث می‌شود که رژیم ایران به گروگانگیری ادامه دهد.

یادداشت جرمی هانت در «تایمز» پس از آن منتشر شده که دفتر وزارت خارجه بریتانیا در پاسخ به درخواست اقدام برای آزادی نازنین زاغری اعلام کرد «شهروندان بریتانیایی که خارج از مرزهای بریتانیا به صورت ناعادلانه دستگیر می‌شوند، حتی اگر شکنجه شوند و یا به عنوان اهرم دیپلماتیک علیه بریتانیا از آنها استفاده شود، حقی برای بر برخورداری از حمایت‌های دولتی ندارند.»

سارا براوتون رئیس بخش امور کنسولی وزارت خارجه انگلیس در جواب نامه وکلای نازنین زاغری نوشت: «شهروندان بریتانیایی که در آن سوی مرزهای بریتانیا با اتهامات دروغین مواجه می‌شوند، حق قانونی برای دریافت کمک‌های کنسولی ندارند.»

تیم وکلای زاغری در پاسخ گفت: «اگر این واقعاً موضع دولت بریتانیاست و خود را از هر مسئولیتی در قبال شهروندان، حتی در شرایط اضطراری مانند پرونده زاغری، مبرا می‌کند، پس این پاسخ را می‌توان برای بقیه شهروندان بریتانیایی هشداری جدی محسوب کرد.»

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

۲۰۲۰ تکرار سال‌های سیاه حقوق بشر در ایران؛ ۷۲ درصد اعدام مخفیانه و افزایش ۳۵ درصدی محکومیت‌ها

● در سال ۲۰۲۰ در مجموع بیش از ۲۲هزار و ۲۷۱ ماه حکم زندان برای منتقدان و محکومیت شهروندان در مجموع به ۲۳ هزار و ۹۴۶ ضربه شلاق صادر شده است.

● در رسته حقوق زنان، دست‌کم ۵۷۲ زن مورد خشونت جسمی و جنسی قرار گرفتند، ۱۳ مورد قتل ناموسی، ۶ مورد خودسوزی، ۴ مورد اسیدپاشی و ۱ مورد احضار فعالان این حوزه به مراجع قضایی- امنیتی گزارش شده است.

● استان البرز با دو زندان پرجمعیت و مهم کشور با ۱۹٪ در صدر و استان خراسان رضوی با ۱۲٪ در رده دوم اجرای حکم اعدام قرار دارند.

● در دسته قتل و مجروح شدن شهروندان توسط ارگان‌های نظامی در سال ۲۰۲۰ مجموعا ۲۰۴ شهروند هدف شلیک نیروهای نظامی قرار گرفتند که از میان آنها ۷۴ شهروند جان خود را از دست دادند که این آمار شامل جان باختن ۳۶ کولبر، ۵ سوخت‌بر و ۳۳ شهروند دیگر می‌شود.

براساس گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر، در سال ۲۰۲۰، ۷۲درصدی اعدام‌ها به صورت مخفیانه انجام شده و محکومیت قضایی شهروندان و فعالان افزایش ۳۵درصدی نسبت به سال گذشته داشته است.

وبسایت حقوق‌بشری «هرانا» گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر در ایران ویژه سال ۲۰۲۰ را در ۴۴ صفحه منتشر کرده که حاصل گردآوری، تجزیه و تحلیل و مستندسازی ۴ هزار و ۴۷۲ گزارش است.

این گزارش که وضعیت حقوق بشر از اول ژانویه ۲۰۲۰ تا ۲۰ دسامبر ۲۰۲۰ را که توسط رسانه‌ها منتشر شده در بر می‌گیرد شامل بیش از ۲۲هزار و ۲۷۱ ماه حکم زندان برای منتقدان و محکومیت شهروندان به ۲۳ هزار و ۹۴۶ ضربه شلاق با وجود ماهیت غیرانسانی این مجازات قرون وسطایی است.

همچنین اعدام دست‌کم ۲۳۶ شهروند در پرونده قضائی جمهوری اسلامی ثبت شده آنهم در حالی که ۷۲درصد اعدام‌ها به صورت مخفیانه و اعلام نشده بوده و ۸۰درصد اعدام‌شدگان به اتهام قتل به اعدام محکوم شده‌اند.

بر مبنای این گزارش، گزارشگری سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها تمرکز و یا توانمندی گزارشگران حقوق بشر در سال گذشته ۱۴درصد در تهران و ۸۶درصد در سایر نقاط کشور بوده است.

علاوه بر این، در سال ۲۰۲۰ تعداد ۲۳۴ گزارش در زمینه حقوق قومی شامل بازداشت ۲۸۶ شهروند مستند شده و همچنین برای ۳۹ نفر نیز ۱۷۲۱ ماه حکم حبس صادر شده است. از این میزان ۳۶ نفر در مجموع به ۱۶۹۹ ماه حبس تعزیری و ۳ نفر به ۲۲ ماه حبس تعلیقی محکوم شده‌اند. همچنین ۸۸ نفر به نهادهای امنیتی- قضائی احضار شده‌اند.

گزارش «هرانا» حاکیست، در همین حوزه بازداشت شهروندان با کاهش ۱۶۶ درصدی مواجه بوده و احکام حبس ۳۵درصد کاهش داشته است.

در حوزه بازداشت اقلیت‌های مذهبی نیز بازداشت‌ها به نسبت سال ۹۸، کاهش ۴۲درصدی داشته ولی صدور احکام حبس در این حوزه با افزایش ۲۸.۹درصدی به نسبت سال گذشته میلادی مواجه بوده است.

بازداشت‌ها در حوزه آزادی‌های اندیشه و بیان، کاهش ۸۸.۸درصدی داشته و صدور احکام بر اساس تعداد افراد محاکمه شده افزایش ۴۶.۵درصدی داشته و صدور احکام حبس ۵۲.۹ درصد به نسبت پارسال افزایش داشته است.

در بخش حق حیات یا صدور احکام مرگ نیز در سال ۲۰۲۰، گزارش فعالان حقوق بشر در ایران شامل محکومیت ۹۵ نفر به اعدام و اجرای حکم اعدام ۲۳۶ نفر است.

در این بخش، ۸۰درصد به اتهام قتل، ۵درصد به اتهام جرائم جنسی، ۹درصد به اتهام جرائم مربوط به مواد مخدر، ۴درصد به اتهام محاربه، ۱درصد به اتهام سرقت مسلحانه و ۱درصد به اتهام نوشیدن الکل در طول این مدت اعدام شدند.

در این گزارش اجرای حکم اعدام در استان‌های مختلف کشور حاکیست استان البرز با دو زندان پر جمعیت و مهم کشور با ۱۹٪ در صدر و استان خراسان رضوی با ۱۲٪ در رده دوم قرار دارند.

بر این اساس زندان «رجایی‌شهر» کرج و وکیل‌آباد مشهد در صدر اجرای احکام اعدام قرار دارند.

همچنین ۴۲ درصد اعدام‌ها در ملاء عام و انظار عمومی به اجرا در آمده و ۳ درصد اعدام‌شدگان زن و ۸۷ درصد مرد بودند. بر مبنای گزارش منابع مستقل و حقوق بشری، ۷۲درصد اعدام شدگان به صورت مخفیانه یا بدون اعلام در رسانه‌های رسمی یا داخلی اعدام شده‌اند.

در حوزه اعدام، اجرای حکم شهروندان نسبت به سال ۲۰۱۹، ۴.۸ درصد کاهش داشته است، همچنین صدور احکام اعدام با کاهش ۱۲درصد همراه بوده است. تعداد اعدام ها در ملاء عام نیز ۹۲درصد کاهش داشته است.

در رسته حقوق زنان، دست‌کم ۵۷۲ زن مورد خشونت جسمی و جنسی قرار گرفتند، ۱۳ مورد قتل ناموسی، ۶ مورد خودسوزی، ۴ مورد اسیدپاشی و ۱ مورد احضار فعالان این حوزه به مراجع قضایی- امنیتی گزارش شده است.

همچنین در سال ۲۰۲۰ میلادی، در مجموع ۲۰۴ شهروند هدف شلیک نیروهای نظامی قرار گرفتند که از میان آنها ۷۴ شهروند جان خود را از دست دادند و این آمار شامل جان باختن ۳۶ کولبر، ۵ سوخت‌بر و ۳۳ شهروند می‌شود.

در این مدت محکومیت فعالان و شهروندان ۳۵ درصد افزایش داشته است. همچنین محکومیت فعالان حوزه اقلیت‌های مذهبی افزایش ۲۸.۹درصدی، اقلیت‌های قومی کاهش ۳۵درصدی، اندیشه و بیان افزایش ۵۲.۹درصدی، اصناف افزایش ۸درصدی، فرهنگی افزایش ۳۸درصدی، کارگری کاهش ۷۳درصدی، زنان کاهش ۸۰درصدی و حوزه دانشجویان کاهش ۸۹درصدی گزارش شده است.

در یکسال گذشته نیروهای امنیتی هزار و ۴۲۶ شهروند را به دلیل فعالیت‌های مدنی یا سیاسی بازداشت کردند.

در این رابطه، اصناف ۴۷ مورد بازداشت، اقلیت‌های قومی ۲۸۶ مورد، اقلیت مذهبی ۷۷ مورد، اندیشه و بیان ۹۲۸ مورد، حوزه کودکان ۲۰ مورد، دانشجویان ۶ مورد، حوزه فرهنگی ۲۷ مورد و کارگران ۳۰ مورد را شامل می‌شوند.

از سوی دیگر ۵ شهروند زن به دلیل نوع فعالیت و ترویج سبک زندگی خود مورد پیگرد قضایی قرار گرفتند که از میان آنها ۳ نفر به دلیل فعالیت در زمینه «مدلینگ» و ۲ تن به علت فعالیت ورزشی بازداشت شده‌اند.

در یکسال گذشته بازداشت فعالان و شهروندان کاهش ۸۴ درصدی داشته است. بر این اساس، بازداشت شهروندان در حوزه اقلیت‌های قومی کاهش ۱۶.۶درصدی، فرهنگی افزایش ۵۱درصدی، مذهبی کاهش ۴۲درصدی، صنفی کاهش ۳۱درصدی، دانشجویان کاهش ۹۴درصدی، کارگری افزایش ۵۶درصدی و در حوزه اندیشه و بیان با کاهش ۸۸.۸درصدی مستند شده است.

در دسته قتل و مجروح شدن شهروندان توسط ارگان‌های نظامی در سال ۲۰۲۰ مجموعا ۲۰۴ شهروند هدف شلیک نیروهای نظامی قرار گرفتند که از میان آنها ۷۴ شهروند جان خود را از دست دادند که این آمار شامل جان باختن ۳۶ کولبر، ۵ سوخت‌بر و ۳۳ شهروند دیگر می‌شود.

۱۳۰ شهروند نیز به واسطه شلیک بی‌ضابطه ارگان‌های نظامی مجروح شدند که از این تعداد ۱۰۹ کولبر، ۱۶ شهروند عادی و ۵ نفر سوخت‌بر هستند. ۹ کولبر دیگر نیز به واسطه شرایط اقلیمی و جغرافیایی مانند سرمازدگی و سقوط از ارتفاع دچار حادثه شدند که از این تعداد ۴ کولبر زخمی شدند و ۵ کولبر جان باختند.

در مقایسه ماهانه خشونت نظامی بر اساس تعداد گزارش‌های گردآوری شده، بیشترین تعداد گزارشهای نقض حقوق در این حوزه در ماه اوت ۲۰۲۰ منتشر شده و بیشترین کاهش تعداد گزارش‌ها در ماه آوریل دیده می‌شود.

بر اساس آمار کشته شدن بر اثر انفجار مین‌های بازمانده از دوران جنگ ایران و عراق، در یکسال گذشته دست‌کم ۱۰ شهروند به واسطه انفجار مین‌های مناطق مرزی جان خود را از دست دادند و ۱۴ شهروند دیگر نیز دچار جراحت شدند.

همچنین بر اساس آمار گردآوری شده در سال ۲۰۲۰، دست‌کم حکم ۱۴ متهم که از سوی مراجع قضائی مجموعا به ۸۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بودند، اجرا شد. اجرای حکم سه تن از این افراد که شامل ۲۲۲ ضربه شلاق می‌شود، در ملاء عام صورت گرفته است. دست‌کم ۲۳ هزار و ۹۴۶ ضربه شلاق نیز با حکم دستگاه قضائی صادر شد.

در سال ۲۰۲۰ دست‌کم ۲۰۹ شهروند به دلیل برگزاری و یا شرکت در مهمانی‌های خصوصی بازداشت شدند که این ارقام حاصل جمع‌بندی ۸ گزارش از منابع رسمی است.

همچنین در سال ۲۰۲۰ دست‌کم ۱۸۰ گروه از شهروندان که بیشتر آنها مالباختگان و یا دیگر افرادی هستند که حقوق شهروندی آنها زیر پا گذاشته شده، به دلیل عدم احقاق خواسته‌ها و مطالباتشان در ۲۴ استان تجمعات اعتراضی برگزار کردند که در این میان استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، خوزستان و خراسان رضوی بیشترین آمار اعتراض شهروندی را به خود اختصاص داده‌اند.

جانشین سلیمانی در جلسه «غیرعلنی» مجلس شورای اسلامی:

انتقام «حاج قاسم» را می‌گیریم!

● اسماعیل قاآنی: عوامل دخیل در ترور سلیمانی باید به سبک سلمان رشدی زندگی کنند.

● حسن روحانی: انتقام خون حاج قاسم حق مردم ایران است.

● ابراهیم رئیسی: ترامپ اولین جنایتکار پرونده ترور شهید سلیمانی است.

اسماعیل قاآنی فرمانده «سپاه قدس»، بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در حمله پهپادی آمریکا جانشین وی شد، عوامل دخیل در قتل سلیمانی را تهدید کرد و با اقتدا به روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی گفت «باید سبک زندگی مخفی سلمان رشدی را یاد بگیرند چرا که جمهوری اسلامی انتقام خون به ناحق ریخته شهید سلیمانی را خواهد گرفت.»

پایگاه خبری «جهان نیوز» چهارشنبه ۱۰ دی‌ماه گزارش داد قاآنی که مهمان جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی بود گفته «آمریکایی‌ها تا کنون هم سیلی سخت افزاری خورده‌اند و هم سیلی نرم‌افزاری و هدف اصلی انتقام خون حاج قاسم سلیمانی ازاله امریکا از منطقه است!»

وی با بیان خاطره‌ای از ارسال پیامی از مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در دورانی که رئیس سازمان سیا بود به قاسم سلیمانی، گفت «حاج قاسم این نامه را اصلاً باز نکردند و بدون مطالعه نامه را پس فرستادند.»

حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی نیز در جلسه هیأت دولت در سخنرانی طولانی خود بیش از ۳۵ بار اسم سلیمانی را تکرار کرد گفت «انتقام شهادت حاج قاسم سلیمانی حق مردم ایران است!»

سیدابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه نیز در جلسه پیگیری حقوقی و قضایی پرونده ترور او گفت «هیچ عنصری نمی‌تواند مانع رسیدگی و پاسخگویی مقامات آمریکا در قبال جنایتی شود که در ترور شهید سلیمانی مرتکب شده‌اند.»

او تاکید کرد «ترامپ اولین جنایتکار پرونده ترور شهید سلیمانی است که خودش در مقابل همه مردمان عالم به این جنایت اعتراف کرده و نمی‌توان او را از مجازات این عمل مصون دانست.»

رئیسی افزود: «در پیگیری این پرونده باید افکار عمومی دنیا احساس کند که یک مجرم که مرتکب اقدام تروریستی علیه یک حکومت شده، متناسب با این جنایت به سزای عمل ننگین خودش رسیده و این موضوع هم جنبه بازدارندگی دارد و هم بخشی از انتقام سخت از آمران این جنایت را شکل خواهد داد.»

عباسعلی کدخدایی عضو شورای نگهبان نیز از قافله عقب نماند و در نشست خبری کنفرانس بین‌المللی بررسی ابعاد حقوقی سیاسی ترور سلیمانی، در شرایطی که جمهوری اسلامی چهار دهه است حقوق بشر و کنوانسیون‌های مربوطه را زیر پا می‌گذارد و چندین قطعنامه علیه آن در همین زمینه منتشر شده، گفت گفت «جنایت آمریکا در ترور سردار سلیمانی در حقیقت نقض مصوبات شورای امنیت و کنوانسیون‌های حقوق بشر بود، در حوزه بین‌المللی، اقتضائات خاصی وجود دارد که بعد از اتمام ریاست جمهوری ترامپ محاکم داخلی کشورمان در حال بررسی امکان تحت تعقیب قرار دادن ترامپ هستند.»

این روزها همزمان با سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی توسط آمریکا در حوالی بغداد، برنامه‌های تبلیغاتی زیادی برگزار می‌شود که مقامات جمهوری اسلامی در همه آنها آمریکا را تهدید به «انتقام» می‌کنند.

محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی نیز در یک سخنرانی آنلاین با بیان اینکه «شهادت سردار سلیمانی باعث سقوط نظام سلطه در منطقه خواهد شد» گفت: «انتقام سخت از دل جهاد بیرون می آید و یکی از انواع جهاد، جهاد علمی است که بسیار حائز اهمیت است!»

این در حالیست که هنوز کشته شدن قاسم سلیمانی به یکسال نرسیده، محسن فخری‌زاده از عوامل اتمی- نظامی جمهوری اسلامی در راه تهران کشته شد و همچنین سلسله انفجارهایی در تاسیسات استراتژیک نظام در کمتر از یکسال ضربات امنیتی حیثیتی به جمهوری اسلامی وارد آورد. گذشته از اینکه پایگاه‌های سپاه قدس و شبه‌نظامیان وابسته به آن در عراق و سوریه نیز مرتب مورد حمله قرار می‌گیرند. همه اینها در حالیست که علی خامنه‌ای در اوج درماندگی و ناتوانی در چند سخنرانی خطاب به دشمنان گفته بود «یکی بزنید ده‌تا می‌خورید!» و حتا در این خیال بود که «دوران بزن در رو تمام شده است».

در شرایطی که اندک کسانی که به عنوان حامیان نظام باقی مانده‌اند چشم‌انتظار «انتقام سخت» هستند، خود نظام با نگرانی به امید باز شدن روزنه‌ای برای مذاکره با آمریکا نشسته است. حال آنکه نمی‌توان فراتر از ادعای لفظی «انتقام سخت» داشت و دست به ارتکاب آن زد ولی از طرف دیگر به امید مذاکره بود. هر «انتقام سخت» تمام درهای مذاکره را به روی جمهوری اسلامی خواهد بست آنهم در حالی که نه تنها بدنه‌ی نظامی و غیرنظامی رژیم از مدت‌ها پیش دچار تزلزل و ریزش شده بلکه مقامات نظام به اعضای خانواده‌ی خود نیز نمی‌توانند اعتماد کنند.

دولت روحانی غرامتِ جنایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تصویب کرد:

۱۵۰هزار دلار برای هر یک از جانباختگان «پرواز ۷۵۲»

«پرواز ۷۵۲» تهران- کی‌یف با ۱۷۶مسافر و خدمه سحرگاه چهارشنبه ۱۸ دی ماه ۹۸ دقایقی پس از برخاستن از فرودگاه «خمینی» در تهران با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد اما مقامات ارشد جمهوری اسلامی سه روز با دروغ و پنهانکاری ادعا می‌کردند سانحه بر اثر نقص فنی بوده است

● دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد خسارات ناشی از فوت جانباختگان، بدون هیچگونه تبعیض ناشی از ملیت، تابعیت و جنسیت و بر اساس قوانین متبوع کشورهای جانباختگان، به ویژه ورثه آنها پرداخت شود.»

● دولت پیش از این اعلام کرده بود غرامت به جانباختگان را از «صندوق توسعه‌ملی» پرداخت می‌کند.

در سالگرد سرنگونی هواپیمای مسافری «اوکراین اینترنشنال» با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دولت جمهوری اسلامی اعلام کرد به خانواده‌ها و بازماندگان هر یک از جانباختگان ۱۵۰ هزار دلار غرامت می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری ایرنا معاونت حقوقی نهاد ریاست جمهوری روز چهارشنبه ۱۰ دی‌ماه ۰۰ تصویب کرد که مبلغ ۱۵۰ هزار دلار یا معادل یورویی آن در اسرع وقت فراهم و به خانواده جانباختگان به عنوان غرامت پرداخت شود.

هیأت دولت اعلام کرد «خسارات ناشی از فوت جانباختگان، بدون هیچگونه تبعیض ناشی از ملیت، تابعیت و جنسیت و بر اساس قوانین متبوع کشورهای جانباختگان، به ویژه ورثه آنها پرداخت شود.»

ایرنا می‌نویسد با پیگیری دولت اعتبار لازم برای پرداخت غرامت در نخستین روزهای دی‌ماه تأمین شد. همچنین ادعا می‌شود این مبلغ «با رعایت عرف و رویه بین‌المللی» تعیین شده است.

دولت پیش از این اعلام کرده بود غرامت به جانباختگان را از «صندوق توسعه ملی» پرداخت می‌کند.

شماری از تحلیلگران می‌گویند استفاده از صندوق توسعه ملی به‌عنوان محل تامین اعتبار برای پرداخت غرامت به خانواده‌های داغدار به معنی خرج کردن از جیب مردم برای پرداخت خسارتِ جنایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامیَ است.

شاهین مقدم ساکن کانادا که همسر و فرزند خود را در حمله موشکی سپاه پاسداران به «پرواز۷۵۲» از دست داده است پیشتر گفته بود «اعلام خبر پرداخت غرامت از صندوق توسعه ملی فقط با هدف اختلاف‌افکنی بین مردم و بازماندگان است. برای اینکه مردم بگویند پول توسعه کشور خرج خانواده‌ها می‌شود. کدام حاکمیت تبهکار خرج کثافتکاری خودش را از جیب ملت می‌پردازد؟»

اکنون تقریبا یکسال از این جنایت هولناک می‌گذرد و در آستانه‌ی سالگرد آن، جمهوری اسلامی از انتشار گزارش دقیق و واقعی علت شلیک موشک‌ها به هواپیمای مسافربری خودداری می‌کند.

گفتگو با فرخ آهی، آهنگساز میراثدار و سرنوشت و طنین صلح...

فرخ آهی

«من به بازار موزیک ایرانی بسیار علاقمندم اما در حال حاضر این بازار کمی راکد است و تحول و حرکت چندانی در آن نیست، به همین دلیل بیشتر در کار موزیک فیلم، تبلیغات و فیلم‌های مستند فعالیت دارم.»

«هر روز ده‌ها آهنگ به بازار موسیقی ارائه می‌شود. این مسئله به نوعی باعث شده کیفیت کار در موسیقی دچار اُفت شود، یعنی بجای پیشرفت کمی پسرفت داریم چون زیادی کپی‌برداری می‌شود؛ از طرفی با آمدن کامپیوتر در موزیک ایران به استفاده از کامپیوتر، تکنیک و تکنولوژی تکیه زیادی می‌شود تا هنر تهیه و تنظیم! البته هنر و تکنولوژی می‌توانند با هم کار کنند و باعث بهتر شدن کیفیت کار شوند اما متاسفانه کمی درصد استفاده از تکنولوژی در حوزه آهنگسازی و تولید موزیک بیشتر است.»

خیلی دوست دارم در ایران برای بچه‌هایی که توانایی مالی ندارند تا در رشته موسیقی درس بخوانند یک مدرسه موسیقی باز کنم.

فیروزه رمضان زاده- فرخ (التون) آهی آهنگساز موسیقی فیلم و همچنین تنظیم‌کننده موزیک پاپ ایرانی از مادری تهرانی و پدری اهل آمل در محله صاحبقرانیه تهران به دنیا آمد و رشد کرد. وی که دانش‌آموخته‌ی رشته معماری از دانشگاه USC (کالیفرنیای جنوبی) است، به دلیل علاقه بسیار به آهنگسازی، معماری را رها کرد و به موسیقی روی آورد.

نخستین تلاش او در آهنگسازی پس از دانشگاه در سال ۱۹۷۹ تولید آلبوم «سرنوشت Destination» بود که موفق شد رتبه نخست را در بین آلبوم‌های آن سال به دست آورد.

ساخته‌ها و تنظیم‌های فرخ آهی را می‌توان در بخش‌های مهمی‌از موزیک پاپ دوره جنگ هشت ساله ایران و عراق جستجو کرد. تنظیم آهنگ آثار ماندگاری از خوانندگانی نظیر ابی، ستار، مرتضی، اندی، کوروس، شاهرخ شاهید، فرشید امین و سوزان روشن از دیگر فعالیت‌های این هنرمند در دوره اخیر موزیک پاپ ایرانی محسوب می‌شود.

از آثار درخشان فرخ آهی در حوزه آهنگسازی فیلم می‌توان به تهیه و تنظیم موسیقی متن فیلم سینمایی «میراثدار: افسانه عمر خیام» (The Keeper: The Legend of Omar Khayyam) به کارگردانی کیوان مشایخ اشاره کرد که در سال ۲۰۰۵ ساخته شد.کیهان لندن برای آشنایی بیشتر با زندگی و آثار این هنرمند با وی گفتگو کرده است.

آقای آهی، در مورد اسم «التون» می‌خواستم بدانم؛ چرا این نام را انتخاب کردید؟

-در دوران دانشگاه یواس‌سی در رشته معماری تحصیل کردم و چون آن زمان آهنگ‌های التون جان را می‌خواندم دوستان ایرانی به شوخی به من می‌گفتند «التون جون»! کم کم این اسم روی من ماند؛ از طرفی دوستان آمریکاییم هم حرف «خ» در «فرخ» را نمی‌توانستند تلفظ کنند و «التون» جای «فرخ» را گرفت.

من در سال ۱۹۷۶ فارغ‌التحصیل شدم و اتفاقا اردشیر فرح و فرامرز آصف هم در همان دانشگاه و همان رشته تحصیل کردند.

چطور شد از رشته معماری به سراغ آهنگسازی رفتید؟

-از زمانی که به مدرسه می‌رفتم دوست داشتم رشته موسیقی را ادامه بدهم اما خانواده‌ام با این موضوع موافق نبودند و علاقمند بودند که موزیک را به عنوان سرگرمی و نه یک رشته تحصیلی دنبال کنم به همین دلیل در رشته معماری ادامه تحصیل دادم.

بعد از فارغ‌التحصیلی یک کمپانی معماری بزرگ آمریکایی برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به من وام تحصیلی داد تا پس از پایان تحصیلات با آنها همکاری کنم، مدتی با آنها کار کردم ولی دیدم کار من نیست و نمی‌توانم موزیک را رها کنم و از آن زمان فقط در حوزه موسیقی کار کرده‌ام.

درست در همان روزها بود که با همکاری چند نفر از دوستانم یک پیانو خریدم و شروع کردم به نوشتن آهنگ‌های انگلیسی و یک آلبوم به بازار موسیقی آمریکا ارائه دادم که اتفاقا بسیار موفق شد و رتبه اول را بین آلبوم‌های موسیقی آن سال به دست آورد. اسم آلبوم destination یا سرنوشت است که البته دوست خوب من اردشیر فرح هم در یکی از آهنگ‌های این آلبوم مرا همراهی کرد. از آن به بعد دیگر کارم را در همین حوزه ادامه دادم.

در آن زمان اغلب در آثار غیرایرانی فعالیت می‌کردم تا اینکه اردشیر فرح مرا به شهرام شب‌پره معرفی کرد که تازه از ایران آمده بود. در بخش‌های مختلف بازار موسیقی آمریکایی هم چه آهنگسازی یا تهیه و تنظیم نیز فعالیت زیادی داشتم.

در حال حاضر چه کاری در دست تهیه و تنظیم دارید؟

-من به بازار موزیک ایرانی بسیار علاقمندم اما در حال حاضر این بازار کمی راکد است و تحول و حرکت چندانی در آن نیست، به همین دلیل بیشتر در کار موزیک فیلم، تبلیغات و فیلم‌های مستند فعالیت دارم.

در حوزه موزیک فیلم زیاد کار کردم. تازه‌ترین موسیقی فیلمم «a green story» به کارگردانی Nika Agiashvili کارگردان آمریکایی گرجستانی است. داستانش در مورد زندگی مردی است که با پول بسیار کم از کمپ‌های پناهندگی یونان خارج شده و بعد در زندگی بسیار موفق شده است.

همچنین کار ساخت موزیک متن یک فیلم مستند به نام «From Ashes to Eden» به کارگردانی جهانگیر گلستان را انجام دادم که راجع به یک ایرانی ساکن آمریکا به نام امیر است که قبل از انقلاب در آمریکا زندگی می‌کرد. او در حوزه باغداری فعال بود و پس از آتش‌سوزی معروف در گریفتین پارک کالیفرنیا، به شهرداری می‌رود و اجازه می‌خواهد یکسری از زمین‌ها را بازسازی کند. او با دستان خود هر روز بعد از کار روزانه و آخر هفته‌ها به آنجا می‌رفت و گل و درخت می‌کاشت. در حال حاضر از طرف شهرداری آن منطقه به نام «Amir's garden» ثبت شده است.همچنین چند کار آهنگسازی برای کشور چین انجام داده‌ام؛ چند آهنگ به زبان اسپانیایی تولید کرده‌ام و به هر حال سعی می‌کنم خودم را مشغول نگه دارم. در مجموع برای بیش از ۱۰۰ فیلم کار صدابرداری و موسیقی متن انجام داده‌ام.

وضعیت موزیک پاپ ایرانی در داخل و خارج ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

-یک زمان هنرمندان در ایران اجاره نداشتند مثل زمان حاضر در این سطح وسیع در حوزه ساخت موسیقی فعالیت کنند، اما در حال حاضر تعداد تنظیم‌کننده، تهیه‌کننده و آهنگساز در ایران به مراتب بیشتر از گذشته شده؛ در گذشته همه منتظر بودند آهنگی از آهنگساز محبوب‌شان به بازار عرضه شود اما الان اینطور نیست و هر روز ده‌ها آهنگ به بازار موسیقی ارائه می‌شود. این مسئله به نوعی باعث شده کیفیت کار در موسیقی دچار اُفت شود، یعنی بجای پیشرفت کمی پسرفت داریم چون زیادی کپی‌برداری می‌شود؛ از طرفی با آمدن کامپیوتر در موزیک ایران به استفاده از کامپیوتر، تکنیک و تکنولوژی تکیه زیادی می‌شود تا هنرِ تهیه و تنظیم! البته هنر و تکنولوژیَ می‌توانند با هم کار کنند و باعث بهتر شدن کیفیت کار شوند اما متاسفانه کمی درصد استفاده از تکنولوژی در حوزه آهنگسازی و تولید موزیک بیشتر است. با وجود این هنوز هستند کارهای بسیار زیبایی که از لس‌آنجلس و ایران به بازار موزیک وارد می‌شوند ولی فکر می‌کنم باید به هنر توجه بیشتری کنیم، چون اثری که به مردم تحویل می‌دهیم باید محتوا و کیفیت خوبی داشته باشد، به عنوان کارنامه‌ای که از ما باقی می‌ماند.

این روند از چه زمانی شروع شد؟

-یک نیمچه انقلابی بود که جوانان چندین سال پیش انجام دادند که باعث شد حکومت فعلی ایران دایره فعالیت در حوزه موزیک را کمی بازتر کند، خواننده‌ها بیرون بیایند و موزیک کار کنند و کنسرت برگزار شود. از زمانی که این اتفاق رخ داد بازار برنامه‌های لس‌آنجلس و هم تهیه و تولید کارها عوض شد، چون قیت‌ها بسیار کاهش پیدا کرد. از طرفی در ایران، تعداد هنرمندان زیاد شد، پیش از آن زمان در ایران ۸ تا ۱۰ تنظیم‌کننده داشتیم اما زمانی که بازار موسیقی لس‌آنجلس داغ بود در ایران یکشبه ۳۰۰ تنظیم‌کننده وارد بازار شدند، برای همین بازار پر شد از محصولات خوب و بد و این دنیای موسیقی پاپ ایرانی را عوض کرد.

در حال حاضر وضعیت بازار تهیه و تولید موسیقی پاپ در خارج از ایران چگونه است؟

-مهمترین مشکل تهیه و تولید آهنگ در خارج از ایران مسائل اقتصادی است و گران بودن مواردی نظیر طراحی جلد آلبوم، استودیو و دستمزد. هزینه دستمزد یک آهنگساز در ایران حدود ۵۰ دلار و در آمریکا دست کم ۳۰۰ دلار است، برای همین یک خواننده که آهنگی به بازار ارائه می‌دهد باید همه این مسائل را در نظر بگیرد، مثلاً یک تنظیم‌کننده خوب در آمریکا دوهزار دلار و در ایران ۳۰۰ دلار دستمزد می‌گیرد؛ یک خواننده به فکر جیب خودش هم هست چون درآمد زیادی ندارد بنابراین تا جایی که می‌تواند بودجه تهیه کار خود را کمتر می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۷

تغییر آرم موزه هنرهای معاصر به بهانه نداشتن «هویت بصری»!

معترضان: جایگزینی یک نماد فرهنگی با آرم «فست فود»!

لوگوی جدید با شناسه‌ی TMoCA که در خارج از ایران با آن شناخته می‌شود با رنگ نارنجی، سیاه و طوسی طراحی شده. کاربران فضای مجازی می‌گویند این طرح برای یک رستوران فست‌فود مناسب است نه نماد مدرنیته در ایران!

منتقدان تغییر لوگوی موزه هنرهای معاصر، آن را جزوی از هویت و شناسنامه این موزه می‌دانند که از بدو تولد موزه با آن بوده و چرایی و لزوم تعییر آرم موزه مورد پرسش قرار می‌دهند. آنان از این جایگزینی به عنوان «کودتا علیه لوگوی موزه هنرهای معاصر تهران» یاد می‌کنند که نشانگر تلاش مسئولان موزه هنرهای معاصر برای مخدوش کردن هویت این بنا و گذشته و تاریخ آن است.

رضا عابدینی طراح لوگوی جدید تاکید کرده که پیش‌بینی او و مسئولان موزه این است که دو سال فرصت نیاز دارند تا این هویت بصری جدید مورد پذیرش جامعه قرا ربگیرد و مردم با آن ارتباط برقرار کنند. حال آنکه موضوع بر سر «ارتباط» و «عادت» نیست! بلکه بر سر حذف و جایگزینی یک نشانه و علامت فرهنگی است! مردم با خود جمهوری اسلامی و همچنین این اقداماتش نیز تا حالا «ارتباط» برقرار نکرده و به آن «عادت» نکرده‌اند!

تغییر لوگوی موزه هنرهای معاصر به دلیل آنچه نداشتن «هویت بصری» خوانده شده، اعتراض گسترده‌ای از سوی اهالی هنر و فرهنگ و کاربران فضای مجازی را به دنبال داشته است. مدیر موزه در واکنش به انتقادها گفته است، «قرار نیست با این لوگوی قبلی خداحافظی کنیم!»

موزه هنرهای معاصر پس از دو سال تعطیلی به علت بازسازی و تعمیرات حالا قرار است بازگشایی شود. اما معلوم نیست چرا مسئولان به فکر تغییر آرم آن که ربطی به تعمیرات ساختمانی ندارد نیز افتاده‌اند! تغییر آرم این موزه به عنوان شناسه و نماد این موزه متعلق به دوران پهلوی که در سراسر دنیا مشهور است، جنجال‌برانگیز شده است.

احسان آقایی مدیر موزه هنرهای معاصر و رضا عابدینی گرافیست شناخته‌شده و طراح لوگوی جدید موزه در نشست خبری روز ۸ دی‌ماه ۱۳۹۹ که با هدف اعلام بازگشایی موزه برگزار شده بود، از این لوگوی جدید رونمایی کردند!

اما رونمایی از این لوگوی جدید و اعلام حذف لوگوی اصلی موزه هنرهای معاصر که توسط جواد پویان طراحی شده بود، انتقادهای گسترده‌ای را متوجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها کرده است.

لوگوی جدید با شناسه‌ی TMoCA که در خارج از ایران با آن شناخته می‌شود و با رنگ نارنجی، سیاه و طوسی طراحی شده است. طراحی ناقص این لوگو نیز انتقادها را تشدید کرده است. کاربران فضای مجازی می‌گویند این طرح برای یک رستوران فست‌فود مناسب است نه نماد مدرنیته در ایران!

منتقدان تغییر لوگوی موزه هنرهای معاصر، آن را جزوی از هویت و شناسنامه این موزه دانسته که بیانگر معماری این موزه که خود به عنوان یک اثر هنری شناخته می‌شود، از بدو تولدش با آن بوده است. کاربران چرایی و لزوم تعییر آرم موزه را مورد پرسش قرار می‌دهند. آنان از این جایگزینی به عنوان «کودتا علیه لوگوی موزه هنرهای معاصر تهران» یاد می‌کنند که نشانگر تلاش مسئولان موزه هنرهای معاصر برای مخدوش کردن هویت این بنا و گذشته و تاریخ آن است.

کاربران معترض در فضای مجازی می‌گویند آرم مدرن‌ترین موزه ایران را فقط برای اینکه پول هنگفتی به جیب بزنند، مخدوش می‌کنند و چنان مدیریت هنری و فرهنگی بدسلیقه است که مرزهای ابتذال را حتی با خرج بودجه‌های بزرگ جابجا کرده است.

دوستداران میراث فرهنگی ایران می‌گویند، کیفیت نازل آرم جدید در درجه دوم اهمیت قرار دارد و نوک پیکان انتقادها باید به سمت مسئولان گرفته شود که از نمادهای فرهنگی ایران آشنایی‌زدایی می‌کنند و به تصویری که در ذهن افکار عمومی از موزه با این آرم هک شده، چوب حراج فراموشی می‌زنند.

در واکنش به انتقادهای گسترده کاربران، ساعتی پیش احسان آقایی در صفحه رسمی اینستاگرام موزه هنرهای معاصر در پستی کوتاه از حفظ آرم موزه خبر داده و نوشته است: «نشان موزه تغییر نخواهد کرد و همچنان مورد استفاده قرار خواهد گرفت چنانکه هنوز همان نشان را در شبکه‌های اجتماعی خود به کار گرفته است.»

وی پیشتر نیز گفته بود، «قرار نیست به کلی با لوگوی قبلی خداحافظی کنیم.» همچنین در صفحه اینستاگرام موزه، برای تلطیف جوّ سنگین مخالفت با آرم جدید، نمونه‌هایی از کاربردهای هویت بصری طراحی شده برای موزه هنرهای معاصر تهران به کار گرفته شده است. این در حالیست که یکی از ترفندهای رایج جمهوری اسلامی همواره چنین بوده که در مقابل اعتراضات عقب‌نشینی می‌کند اما پس از آنکه سر و صداها به دلیل مشکلات و ناکارآمدی‌های دیگر، فرو خوابید، همان نقشه خود را پیش می‌برد!

در این میان، رضا عابدینی طراح این آرم در نشست رسانه‌ای از «اصلاح» آرم قبلی صحبت کرده و گفته است: «مهمترین گرفتاری ما این است که هویت بصری را بجای اینکه تبدیل کنیم، تکرار می‌کنیم. هویت بصری در اغلب موزه‌های معاصر و مدرن، متأثر از ساختمان آن است.»

عابدینی همچنین هویت بصری موزه را غیرمتمرکز خوانده و گفته است: «مجموعه کارهای انتشاراتی موزه از جمله پوسترها، بسیار درخشان است اما در کنار هم هویت بصری متمرکزی ندارند. بنابراین هویت بصری موزه نیاز به یکسان‌سازی و گسترش داشت که از آن به «هویت دیداری پویا Dynamic Identity» یاد می‌شود.»

این گرافیست ادامه داد: «در موزه هنرهای معاصر، اولین نشانه همان فونت زر بولد و ساده است. سپس نشانه مشهور موزه بر اساس ساختمان آن طراحی شده که البته طی این سال‌ها فرم ثابتی نداشته است. آن را ریدیزاین (اصلاح) و پرسپکتیوش را اصلاح کردیم.»

رضا عابدینی تاکید کرده که پیش‌بینی او و مسئولان موزه این است که دو سال فرصت نیاز دارند تا این هویت بصری جدید مورد پذیرش جامعه قرا ربگیرد و مردم با آن ارتباط برقرار کنند. حال آنکه موضوع بر سر «ارتباط» و «عادت» نیست!

ادامه در صفحه ۱۷

کیهان لندن منتشر کرد:

کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

تکرار ماجرای هاله نور دور سر احمدی‌نژاد

● جانشین فرمانده سپاه قدس: انتظار کشته شدن سردار سلیمانی را داشتیم چون نور عجیبی از ساعاتی پیش از مرگ در چهره او نقش بسته بود!

● «به تلافی کشته شدن قاسم سلیمانی، جمهوری اسلامی تا حالا دو سیلی به آمریکا زده و قرار است دو سیلی دیگر هم در آینده بزنند!»

سید محمد حسین‌زاده حجازی جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز جمعه ۵ دی‌ماه با اظهار نظری عجیب درباره کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس، ایرانی‌ها را به یاد گفته‌های محمود احمدی‌نژاد در دوران ریاست جمهوری‌اش که در سازمان ملل حضور یافته بود انداخت.

احمدی‌نژاد گفته بود: هنگام صحبت در سازمان ملل، ناگهان احساس کردم هاله‌ای از نور دور سرم ظاهر شده که واقعا حیرت‌انگیز بود!

رئیس جمهوری اسلامی پیشین رژیم با این ادعای مسخره سعی داشت بگوید که نظر کرده خداوند و ائمه اطهار است تا مقابل آیت‌الله‌ها و امامان جمعه که متهم بود در سفرهای خود به استان‌های مختلف کشور به دیدار آنها نمی‌رود از بابت نزدیکی به پروردگار و امامان یک آس رو کرده و درواقع یک پله جلوتر باشد.

حالا سخنان مضحک محمد حجازی جانشین فرمانده سپاه قدس در مورد قاسم سلیمانی نیز کاملا خوددرآوردی و تنها محتوای تبلیغاتی برای افراد ساده‌لوح دارد. با این تفاوت که او گفته: کشته شدن سردار سلیمانی اگرچه تلخ بود، اما چون نور عجیبی از ساعاتی پیش از کشته شدن در چهره سردار نقش بسته بود، انتظار این حادثه را داشتیم!

حجازی اما توضیح نداد اگر چنین چیزی بوده چرا ا از کشته شدن «سردار» جلوگیری نکرده‌اند! و یا اگر از «شهادت» وی خوشحالند و «سردار» باید که «شهید» می‌شد پس چرا آمریکا را به خاطر کشتن سلیمانی در یک حمله پهپادی سرزنش می‌کنند و می‌خواهند از ایالات متحده «انتقام سخت» بگیرند!

حجازی ادامه داده: قبل از کشته شدن قاسم سلیمانی، من و دیگر فرماندهان سپاه پاسداران نگران جانشینی او و ماموریت‌های سپاه قدس بودیم و درواقع بیش از دغدغه اصلی شهادت وی برای رسالت ایشان نگرانی داشتیم که البته با انتصاب سردار قاآنی به عنوان فرمانده سپاه قدس این نگرانی برطرف شد!

او اضافه کرده: به تلافی کشته شدن قاسم سلیمانی، جمهوری اسلامی تا حالا دو سیلی به آمریکا زده و قرار است دو سیلی دیگر هم در آینده بزنند!

سیلی اول به گفته جانشین فرمانده سپاه قدس به ایالات متحده، مراسم خاکسپاری سردار سلیمانی بود و سیلی دوم هم پرتاب موشک به پایگاه نیروهای آمریکا در عراق که البته تلفات جانی نداشت.

در مورد سیلی اول حجازی توضیح نداد که در آن مراسم ده‌ها تن به دلیل بی‌کفایتی برگزارکنندگان زیر دست و پا کشته و زخمی شدند. در مورد سیلی دوم هم به مخاطبان ساده‌لوح خود توضیح نداد که قبلا دولت عراق را مطلع کرده بودند که قصد چنین حمله‌ای را دارند تا پایگاه «عین الاسد» خالی باشد و تلفات جانی به بار نیاید که سبب خشم دولت آمریکا شدو!

محمد حجازی سپس نحوه وارد کردن دو سیلی دیگر به آمریکا را در «آینده» چنین توضیح داد: اولین سیلی، شکست نرم‌افزاری حکومت واشنگتن در منطقه است که این روزها دارد رخ می دهد. دومین سیلی نیز خروج نیروهای آمریکایی از منطقه است که هنوز انجام نشده!

او درباره این «دو سیلی» هم توضیح نداد منظورش کدام «شکست نرم‌افزاری» است و همچنین چطور خروج نیروهای آمریکایی را از منطقه، اگر که صورت بگیرد، می‌توان به حساب «سیلی» جمهوری اسلامی به آن کشور گذاشت؟!

وی در ادامه‌ی حرف‌های بی سر و ته خود یادآور شده که این سیلی‌ها جای «انتقام سخت» را نمی گیرد. به همین دلیل جمهوری اسلامی به دنبال گرفتن انتقامی سخت‌تر از آمران و مجریان کشتن فرمانده سپاه قدس است. او افزود: زمان و نحوه این انتقام بستگی به شرایط دارد!

گفتنی است محمود احمدی‌نژاد در دورانی که رئیس جمهوری رژیم بود، در یکی از سفرهای سالانه خود به نیویورک و حضور در سازمان ملل متحد به مایک اونز خبرنگار آمریکایی جروزالم پست اسرائیل گفته بود: هنگام سخنرانی در سازمان ملل متحد، هاله‌ای از نور سر و صورتم را طوری در خود گرفته بود که به مدت بیست و هشت دقیقه هیچیک از حاضران در سالن حتی پلک نمی زدند!

تاریخ شفاهی ایران

خاطرات عبدالرضا انصاری (۵۱)

بنابراین، قیمت هر ساختمان بر اساس قیمت منطقه‌ای و ضریب مربوط به نوع بنا تعیین می‌گردید و عوارض جدید نوسازی و عمران شهری بر پایهٔ این نوع ارزیابی به‌میزان نیم درصد در سال پیشنهاد شده بود و ساختمانهای کلنگی از پرداخت عوارض معاف شده بودند. راه دیگری نیز از جهت تسهیل کار شهرداریها در این قانون پیش‌بینی شد که جمعاً حدود سی و چند ماده بود و پس از تأیید هیأت دولت، تقدیم مجلس شورای ملی شد. در این مرحله بود که مجدداً مخالفت و موش‌کشی حزب ایران نوین با لایحهٔ تقدیمی وزارت کشور آغاز گردید و در زمانی که تصویب قوانین بسیار پیچیده‌تر در مجلس ظرف یکی دو ماه انجام می‌گرفت تصویب قانون نوسازی و عمران شهری چهارده ماه به‌طول انجامید و با پیگیری من بالاخره به‌تصویب رسید.

بر اساس برآوردهای وزارت کشور، اجرای صحیح این قانون در شهر تهران، درآمدی بین دویست‌وشصت الی سیصدمیلیون تومان حاصل می‌کرد که در آن زمان حدود سه‌برابر کل بودجهٔ شهرداری تهران و سی‌برابر بودجهٔ عمرانی شهر بود ولی متأسفانه موقعی که این قانون به‌تصویب رسید من در همان هفته از وزارت کشور برکنار شدم و فرصت پیدا نکردم که آن را به‌طور صحیح پیاده کنم. ولی خوشوقتم که با تمام مخالفت‌هایی که با این قانون می‌شد چون اصول آن بر پایهٔ صحیحی استوار بود نتوانستند تغییری در آن بدهند و این قانون مبنای کارهای عمرانی بزرگی در شهرهای ایران شد.

در اینجا باید اضافه کنم که از همان ابتدای کار که تهیهٔ قانون نوسازی و عمران شهری مطرح شد، برای این که پس از تصویب آن، دستگاه اجرایی مناسبی در شهرداری تهران آماده به‌کار باشد، با استفاده از مجوزهای قانونی موجود، سازمانی به‌نام «سازمان نوسازی» در شهرداری تهران با کمک وزارت کشور تشکیل گردید و از محل اعتباراتی که در اختیار وزیر کشور بود سرمایه‌ای به‌مبلغ بیست میلیون تومان در اختیار آن سازمان قرار داده شد و مسؤولیت ادارهٔ آن به آقای دکتر شریفی که تحصیلات عالی خود را در رشتهٔ شهرسازی در فرانسه به‌پایان رسانیده بود محول گردید و به‌عنوان اولین طرح نوسازی، محله‌ای به‌نام «محلهٔ عربها» در مرکز شهر تهران انتخاب شد که به‌علت وجود ساختمانهای مخروبه و کوچه‌های باریک، به‌صورت محله‌ای درآمده بود که امکان برقراری هیچ گونه سرویس شهری مناسب در آنجا وجود نداشت و نظر کلیه کارشناسان بر این بود که تنها راه حل این مشکل، خرید کلیه خانه‌های این محله به قیمت عادلانه و تجدید بنای آن بر اساس اصول مدرن شهری است. به این جهت، این طرح به‌عنوان طرح نمونه برگزیده شد و مطالعات دربارهٔ آن آغاز گردید. بدیهی است اجرای چنین طرحی به زمان نسبتاً طولانی نیاز داشت زیرا لازم بود از تمام منطقه نقشه‌برداری دقیقی شده و تمام خانه‌ها به‌دقت از طرف کارشناسان مورد ارزیابی قرار گیرد و در عین حال با توجه به وضع خانوادگی هر یک از مالکین، رضایت یکایک آنها برای فروش و تخلیهٔ ملک مربوطه جلب شده و به‌موازات آن، راه حل‌هایی برای تأمین مسکن آنها پیش‌بینی شود. تمام این کارها به تشکیلات لازم و زمان کافی نیاز داشت و صحیح به‌نظر نمی‌رسید که با داشتن پول و اعتبار کافی، فقط به‌عنوان اصلاحات و زیبایی شهر، مقداری پول به صاحبان منازل داده و با بولدوزر خانه‌های مردم نیازمند و کم‌درآمد را خراب و آنها را سرگردان کرد. به همین جهت، سازمان جدیدالتأسیس نوسازی موظف شد که با تهیهٔ عوامل لازم، در مرحله اول جزئیات برنامه نوسازی را بررسی و با توجه به آن، برنامه اجرایی را تهیه نماید.

● آیا تصور می‌کردید برای اجرای برنامهٔ نوسازی شهرها، فقط تأمین اعتبارات و تهیه برنامه‌های تفصیلی کافی بود و شهرداری‌های کشور می‌توانستند پس از به‌دست آوردن اعتبارات مالی لازم، تغییرات اساسی در جهت بهبود وضع شهرها بدهند؟

ـ به‌هیچ وجه؛ تجربه من در مورد شهرهای خوزستان و بعداً آشنا شدن با وضع شهرداری تهران، برایم ثابت کرده بود که برای بهتر کردن وضع شهرداری‌ها فقط داشتن اعتبارات مالی کافی نیست و چه‌بسا هرگاه سیستم اداری شهرداری‌ها تغییر نکند و افراد صلاحیت‌دار کارها را به‌دست نگیرند، صرف داشتن پول، باعث توسعهٔ فساد در دستگاه شهرداری‌ها شده و عملا نتیجهٔ معکوس گرفته شود. به همین علت بود که به‌موازات اقدام دربارهٔ تأمین اعتبارات جدید، طرح دیگری به‌منظور تجدید نظر در سیستم اداری شهرها و آموزش کادر فنی، مورد توجه قرار گرفت.

خوشبختانه در وزارت کشور و شهرداری تهران، کارشناسانی وجود داشتند که طی سالهای گذشته در این موارد مطالعه کرده و صاحب‌نظر بودند. بنابراین، باید ترتیبی فراهم می‌شد که این افراد بتوانند دانش و تجربیات خود را به تعداد بیشتری از مأمورین شهرداری‌ها انتقال دهند. البته یکی از راههایی که عنوان می‌شد این بود که برنامه‌ای تنظیم شود و هر سال تعداد قابل ملاحظه‌ای از مأمورین شهرداری‌ها به کشورهای پیشرفته اروپایی برای تحصیل و کسب تجربه اعزام گردند. این طرح در سطح کوچکی در سالهای قبل اجرا شده و با مشکلات متعددی برخورد کرده بود. یکی از مشکلات، موضوع یاد گرفتن زبان بود و دیگر این که کسانی که از این برنامه‌ها استفاده کرده بودند پس از مراجعت از کشورهای خارج و داشتن عنوان فرنگ‌رفته، دیگر حاضر نبودند کارهای اجرایی شهرداری‌ها را قبول کنند بلکه خواستار داشتن عناوینی آن هم در سطح مدیریت بودند و رویهمرفته نتیجهٔ مطلوبی از این طرح‌ها به‌دست نیامده بود. به همین جهت، تصمیم گرفته شد که این نوع تعلیمات و تجربه‌اندوزی در داخل کشور، تأمین شود و در این زمینه قرار شد ده شهر کوچک در منطقه گیلان و مازندران که از لحاظ آب و هوا و داشتن فضاهای سبز و نزدیکی به تهران مناسبتر به‌نظر می‌رسید، به‌عنوان شهرداری‌های نمونه انتخاب و در حقیقت مرکز آموزش کادر فنی شهرداری‌های کشور شود و با استفاده از وجود کارشناسانی که در اختیار بودند و اعتبارات موجود، کلیه خدمات شهری در این شهرها به‌نحوی اصلاح شده و تأمین گردد که افرادی که از شهرستان‌ها برای فراگرفتن امور اداری و فنی مربوط به شهرداری‌ها به تهران آورده می‌شدند پس از گذراندن دورهٔ آموزشی به این شهرداری‌های نمونه اعزام شوند و مدتی با کار کردن در این نقاط و در محیطی که از لحاظ زندگی برای آنها ناآشنا نیست، چنان کارآمد شوند که پس از مراجعت به محل خود، بتوانند بلافاصله مسؤولیت اموری را که به آنها محول خواهد شد، عهده‌دار شوند.

سرپرستی این کار به‌عهده آقای دکتر پرویز خبیر که از مدیران سازمان برنامه بود و برای تصدی سمت معاون طرح و بررسی‌های وزارت کشور به این وزارتخانه منتقل شده بود، واگذار گردید و آقای داریوش پیرنیا نیز به‌سمت مسؤول اجرای این طرح انتخاب شد و در ظرف چند ماه ده شهر مورد نظر با موافقت استانداران مربوطه انتخاب گردید و برنامه بهبود و اصلاح وضع آنها با سرعت هرچه تمامتر آغاز شد و کلاسهای آموزش تئوری نیز با همکاری وزارتخانه‌های مختلف و دانشگاه تهران دائر گردید و دستهٔ اول کارآموزان شهرداری در این کلاسها شروع به تحصیل کردند. علاوه بر این، با ادارهٔ املاک پهلوی مذاکره شد که دویست هکتار از اراضی منطقهٔ رامسر را در اختیار شهرداری رامسر بگذارند که به‌عنوان مرکز تهیهٔ نهال گل و درختان زینتی برای سایر شهرها مورد استفاده قرار گیرد. این بود برنامه‌ای که برای تأمین کادر اداری و فنی شهرداری‌ها در پیش گرفته بودیم.

● شنیدم وقتی شما در وزارت کشور بودید، می‌خواستند عمارت هشت‌بهشت را در اصفهان خراب کنند و شما جلو آن را گرفتید. جریان چه بود؟

ـ روزی یکی از دوستان من اظهار داشت که یکی از بستگان او شکایتی دارد که جا دارد حرف او شنیده شود. قرار شد من شخصاً آن شخص را ببینم. خانم محترمی بود که اظهار می‌کرد ملک موروثی در اصفهان دارند که از بناهای تاریخی است و شهرداری اصفهان با پشتیبانی استاندار در صدد هستند برای ادامهٔ یک خیابان عریض شرقی ـ غربی این بنا را که در نوع خود منحصر به‌فرد می‌باشد و جایگزین ندارد، خراب کنند و مسأله آن موضوع قیمت نیست زیرا اصولا نمی‌توان برای چنین اثر تاریخی قیمت‌گذاری کرد. لذا تقاضای ما فقط این است که هیأتی از تهران که تحت تأثیر شهردار و استاندار نباشد، به محل اعزام شده و موضوع را رسیدگی کنند. چون پیشنهاد معقول به‌نظر می‌رسید، من رئیس ادارهٔ فنی امور شهرداری‌ها را که گفته می‌شد مهندس صاحب‌نظر و صلاحیت‌داری است، برای این کار انتخاب کردم و از او خواستم که فوراً به اصفهان عزیمت کرده و گزارش امر را مستقیماً نزد من ارسال دارد.

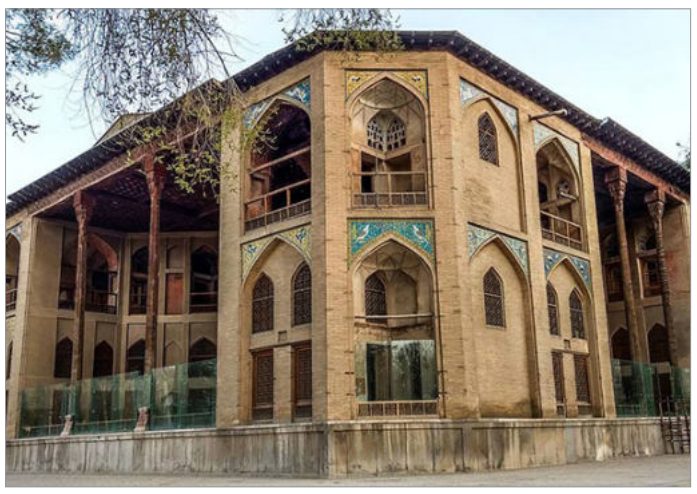

ایشان روز بعد به اصفهان رفت و پس از مراجعت، به دفتر من آمد و گزارش داد که نظر شهرداری و استانداری درست است و این خیابان شرقی ـ غربی که چندین سال است در دست اقدام بوده و اراضی و ساختمانهایی در مسیر آن خریداری شده و تسطیح گردیده برای سبکتر شدن ترافیک در اصفهان ضرورت کامل دارد. بنابراین من هم باید مطلب را تمام‌شده تلقی می‌کردم. ولی اتفاق جالبی افتاد. از تشریفات دربار اطلاع دادند که چون عبدالرحمن عارف رئیس دولت انقلابی عراق که مهمان شاهنشاه می‌باشد قرار است از اصفهان بازدید نماید. بنابراین، طبق اوامر همایونی مقرر شده است که وزیر کشور نیز ایشان را همراهی کند. به‌همین جهت روز بعد به‌همراه ایشان و هیأت مهمانداران، به اصفهان رفتم. پس از بازدید شهر و بناهای تاریخی و صرف ناهار، قرار بود ایشان دو سه ساعتی استراحت کرده و عصر به تهران مراجعت کنیم. در فاصلهٔ این چند ساعت که من کاری نداشتم، فکر کردم بدون اطلاع آقای استاندار و شهردار از این خیابانی که درباره‌اش صحبت شده بود و بنای «هشت‌بهشت» دیدن کنم چون این بنا در فاصلهٔ کمی از هتل شاه‌عباس که محل اقامت ما بود قرار داشت. وقتی به آنجا رسیدم، متوجه شدم که خیابان احداث شده درست تا پای دیوار این عمارت رسیده است و برای ادامهٔ آن، به‌طور مستقیم ناچار به خراب کردن آن می‌باشند. خوشبختانه سرایداری در این ساختمان حضور داشت که بعد از این که من خودم را معرفی کردم، در را باز کرد و راهنمایی کرد که من از این بنای باشکوه بی‌نظیر که باید گفت از شاهکارهای معماری دوران قاجار می‌باشد، دیدن کنم. حیرت کردم که چه موضوعی باعث شده است که استاندار و شهردار و رئیس ادارهٔ فنی وزارت کشور که مهندس آرشیتکت بود، به خراب کردن این میراث فرهنگی با ارزش حکم دهند. بنابراین، در همانجا به استانداری و شهرداری ابلاغ کردم که مجاز نیستند هیچگونه اقدامی در این باره انجام دهند تا این که وزارت فرهنگ و هنر و انجمن آثار باستانی موضوع را مورد بررسی قرار دهند و خوشحالم که دخالت مؤسسات مذکور، این بنا را از نابودی نجات داد و اینک تحت مراقبت و حفاظت می‌باشد. البته پس از مراجعت به تهران، به خدمت آن آقای مهندس در وزارت کشور خاتمه داده شد و پس از مدت کوتاهی، آن آقای استاندار نیز از کار برکنار گردید.

● آیا استانداران دیگری هم بودند که به‌دلایل دیگر برکنار شده و یا تغییر سمت پیدا کنند؟

ـ عده قابل ملاحظه‌ای از استانداران تغییر سمت پیدا کردند ولی علت آن این بود که به‌طور کلی تغییر سیاستی در مورد نحوهٔ انتخاب استانداران پیدا شده بود به این معنا که در گذشته که مسائل امنیتی و ناآرامی در بعضی از استانها وجود داشت برای نشان دادن قدرت دولت مرکزی و برقراری آرامش در منطقه، یکی از امرای ارتش را به‌عنوان استاندار به محل اعزام می‌داشتند تا آنها به‌علت داشتن تجربیات ارتشی و شخصیت نظامی خود، کلیه نیروهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی را هماهنگ کرده و در خواباندن غائله و سرکوب یاغیان اقدام نمایند و به‌تدریج موضوع انتصاب امرای ارتش به مقامات استانداری حتی با نبودن مسائل امنیتی مرسوم شده بود و امرایی که به سن بازنشستگی می‌رسیدند برای داشتن سمت و مقام در صدد تصدی سمت‌های استانداری و فرمانداری کل بودند و عده‌ای از آنان نیز موفق می‌شدند به‌طوری که در زمانی که من به‌وزارت کشور رفتم، تعداد هشت امیر پیشین ارتش در پست‌های استانداری و فرمانداری کل اشتغال داشتند و اغلب آنها با رؤسای سازمانهای کشوری درگیر بودند. زیرا ارتشیان برحسب خوی نظامیگری و تعلیماتی که دیده‌اند دارای دیسیپلین قوی بوده و عادت به گرفتن دستور از مقام بالاتر و دستور دادن به مقام زیر دست دارند و این روش کار در دستگاههای دولتی به آن شدت قابل اجرا نیست و در عمل مشکلاتی ایجاد می‌کند.

در دورانی که مأمورین عالیرتبهٔ دولت فقط مسؤول برقراری نظم و آرامش در منطقه بودند و دولت برنامه‌های عمرانی متعدد نداشت، مأمورین سازمانهای اداری در استانها و شهرستانها اغلب کارمندان سطح پائین وزارتخانه‌ها بودند و وظایف محدودی از نظر جمع‌آوری مالیات و یا کارهای پست و تلگراف و پرداخت حقوق کارکنان و امثال آن داشتند و به استاندار و مقامات ارتشی به‌عنوان پشتیبان و نگهدارندهٔ امنیت و آرامش نگاه می‌کردند و دستورات آنها را بدون چون و چرا قبول می‌کردند. ولی در سالهای ۱۳۴۰ وضع به‌کلی تغییر پیدا کرده بود. کشور از آرامش و امنیت کامل برخوردار بود و در هر گوشهٔ مملکت، کارهای عظیم عمرانی جریان داشت که توسط افراد تحصیلکرده و مجرب اداره می‌شد و کلیه برنامه‌ها باید در چارچوب قوانین و مقررات و با رعایت اعتبارات تصویب‌شده به‌مرحله اجرا درمی‌آمد و دیگر امکان نداشت که یک روز صبح، مثلا آقای استاندار رئیس اداره را احضار کند و به او دستور دهد که تمام بولدوزرهای راهسازی را به فلان شهر برای تسطیح خیابان بفرستد. در سابق هرگاه این گونه امور پیش می‌آمد، رؤسای ادارهٔ مربوطه دستور استاندار را اجرا می‌کردند زیرا چاره‌ای نداشتند و قانون و مقررات در محل، دستور استاندار یا والی بود. ولی در زمانی که داریم دربارهٔ آن صحبت می‌کنیم، رؤسای ادارات، مأمورین عالیرتبه‌ای بودند که زیر بار چنین نوع دستوراتی نمی‌رفتند و به‌ناچار درگیری با استانداری شروع می‌شد و موضوع به تهران منعکس می‌گردید و در حقیقت هیچ یک از طرفین درگیری مقصر نبودند و هرکدام بر اساس شیوه و روش کاری که با آن آشنایی داشتند، انجام وظیفه می‌کردند.

ادامه دارد

«انتخاب» سخت برای علی خامنه‌ای؛ احیای برجام در گرو تعیین تکلیف تهدیدات موشکی!

شعار حامیان ولایت فقیه علیه هرگونه مذاکره بر سر برجام در راهپیمایی حکومتی ۲۲ بهمن ۱۳۹۶

● محسن توکل کارشناس مسائل تحریم در اندیشکده «شورای آتلانتیک» آمریکا به «وال‌استریت ژورنال» می‌گوید: «حتی اگر تحریم‌ها کل صادرات نفت ایران را قطع کند، اقتصاد این کشور می‌تواند به حیات خود ادامه دهد».

● دنیس راس مشاور «انستیتو واشنگتن برای سیاست خاورنزدیک» در بلومبرگ نوشته: روابط ایالات متحده با ایران هرگز آسان نخواهد بود. حتی آمادگی بایدن برای پیوستن مجدد به برجام کمک چندانی نخواهد کرد.

● محسن رضایی: باید آمریکایی‌ها را وادار کرد که تحریم‌ها را بردارند.

● محمدحسن آصفری: اینکه ظریف و امثالهم بخواهند بر بیانیه‌های مشترک اتکا کنند قطعاً هیچ خروجی به دنبال نخواهد داشت و باید به دنبال اقدام عملیاتی و اجرایی شدن برداشتن تحریم‌ها باشند.

● حسین موسویان: اگر مصوبه مجلس اجرا شود «فاتحه برجام خوانده می‌شود»!

● حسین الله‌کرم: اگر بایدن بتواند ایران را مجبور به مذاکره در دو موضوع موشکی و قدرت منطقه‌ای نماید حتماً به برجام باز می‌گردد.

حامیان داخلی و خارجی رژیم ایران خود را آماده می‌کنند تا ۲۰ ژانویه دولت جو بایدن کارش را در کاخ سفید آغاز کند به این امید که با احیای برجام از تحریم‌ها کاسته شود و جمهوری اسلامی بتواند از زیر فشارها حتی اگر شده، اندکی، کمر راست کند.

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» ۲۶ دسامبر در گزارشی می‌نویسد مجموعه اقتصادی ایران در طول بیش از دو سال تحریم راه نجات پیدا کرد و در حال بازسازی خود است.

در این گزارش ادعا شده شرکت‌های ایرانی بطور فزاینده در حال تولید انواع کالاهایی هستند که ایران مدت‌ها واردکننده آنهاست و حتی شرکت‌های کوچک و در حال رشد نیز استخدام‌های خود را افزایش داده‌اند!

در این گزارش به آمار دولت جمهوری اسلامی در مورد درآمد ناخالص بخش غیرنفتی استناد شده که گفته شد در سال‌های اخیر ۸۳درصد رشد کرده و رشد آن از بخش انرژی که از تحریم به شدت آسیب دیده پیش افتاده است.

رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی در ماه دسامبر اعلام کرد که اقتصاد ایران از ماه مارس تا اواسط ماه سپتامبر ۲۰۲۰ بیش از ۱.۳ درصد رشد کرده که بیشتر ناشی از افزایش تولید داخلی بوده است.

محسن توکل کارشناس مسائل تحریم در اندیشکده «شورای آتلانتیک» آمریکا می‌گوید: «حتی اگر تحریم‌ها کل صادرات نفت ایران را قطع کند، اقتصاد این کشور می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.»

به نوشته وال‌استریت ژورنال تقویت اقتصاد داخلی قبل از آغاز به کار دولت بایدن به ایران آزادی عمل می‌دهد. جو بایدن گفته اگر ایالات متحده به برجام برگردد و جمهوری اسلامی نقض مفاد آن را متوقف کند، برخی تحریم‌ها را لغو می‌کند.

نویسنده این گزارش از «تهران» همان خطی را وال استریت ژورنال تبلیغ می‌کند که منطبق بر سیاست‌های جمهوری اسلامی است و به غربی‌ها می‌گوید چون فشار و تحریم برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی بی‌نتیجه است پس باید به برجام برگشت و با تهران مذاکره کرد. سیاستی که غربی‌ها پس از لو رفتن برنامه‌های اتمی مخفی رژیم ایران تقریبا بیست سال است که پیش می‌برند. اتفاقاً با اعلام پیروزی جو بایدن لابیگران جمهوری اسلامی در اروپا و آمریکا از جمله «شورای ملی ایرانیان آمریکا» (نایاک) این جریان را تقویت می‌کنند.

با اینهمه فقط بخشی از موافقان مذاکره با جمهوری اسلامی نسبت به تحولات آینده خوش‌بین هستند. گروهی دیگر از تحلیلگران که موافق احیای برجام‌اند می‌گویند هرچند جمهوری اسلامی ایران زیر فشار سخت تحریم قرار دارد اما کاهش تحریم‌ها نباید بدون گرفتن امتیاز در توافق اتمی انجام شود.

بازگشت به برجام سخت است

دنیس راس مشاور «انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» و از اعضای ارشد امنیتی در دولت‌های بیل کلینتون، جرج و باراک اوباما در «بلومبرگ» نوشته است: «روابط ایالات متحده با ایران هرگز آسان نخواهد بود. حتی آمادگی بایدن برای پیوستن مجدد به برجام کمک چندانی نخواهد کرد.»

این دیپلمات می‌پرسد: «آیا عصبانیت جمهوری اسلامی از کشته شدن محسن فخری‌زاده دانشمند اتمی و فرصت بسیار کم تا انتخابات ریاست جمهوری در ایران در کوتاه‌مدت دیپلماسی را منتفی خواهد کرد؟ احتمالاً نه، زیرا علی خامنه‌ای می‌داند که ایران به کاهش تحریم‌ها احتیاج دارد، اما او قبل از اقدام ایران فشار خواهد آورد تا آمریکا تحریم‌ها را کاهش دهد.»

دنیس راس پیشنهاد داده «ایرانی‌ها می‌توانند با رعایت محدودیت‌های اعمال شده در تعداد سانتریفیوژها، سطح مجاز برای غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم را کاهش دهند و نصب سانتریفیوژهای بیشتر را متوقف کنند و آمریکا نیز می‌تواند دوباره تحریم‌ها را به حالت تعلیق درآورد.»

او می‌نویسد جمهوری اسلامی نه تنها این اقدامات را انجام نداد بلکه خواستار جبران هزینه تحریم‌هایی است که دولت دونالد ترامپ علیه آن وضع کرده است. رژیم ایران همچنین به اقدامات بی‌ثبات‌کننده خود در خاورمیانه ادامه می‌دهد. این وضعیت باعث می‌شود جمهوریخواهان در کنگره هر اقدامی که موجب کاهش اهرم فشار آمریکا علیه ایران شود اشتباه بدانند و کار برای بایدن نیز مشکل می‌شود.

این سیاستمدار یادآوری می‌کند که موشک‌های بالستیک یکی از تهدیدات اصلی جمهوری اسلامی در خاورمیانه است و اسرائیل، عربستان و امارات به برجام مشکوک‌اند و نگران‌اند آمریکا اهرم فشار خود علیه تهران را زود تسلیم کند. آنها همچنین نگران‌اند منافع دولت بایدن در روند مذاکرات باعث شود چشم خود را به تهدیدات جمهوری اسلامی ایران علیه همسایگان ببندند.

دنیس رایس و شماری از سیاستمداران می‌گویند بایدن حتی اگر نمی‌خواهد فعلاً در مسائل اتمی و موشکی با ایران معامله کند باید فوری اقداماتی را برای محدود کردن آنها انجام دهد و اهرم فشار خود بر رژیم ایران را حفظ کند.

یکی از اصلی‌ترین ضرورت‌ها برای جامعه بین‌الملل تمرکز بر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های مشکوک رژیم ایران در تاسیسات اتمی نطنز و فردو است. در مقابل، شماری از مقامات ارشد جمهوری اسلامی دست پیش را گرفته‌اند تا پس نیفتند و به غربی‌ها پیام می‌دهند که برای هرگونه مذاکره ابتدا باید تحریم‌ها برداشته شود.

هرچند به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی خود را برای مذاکره آماده کرده اما مشخص نیست با تثبیت ریاست جمهوری بایدن، او و تیم‌اش برای مذاکره با جمهوری اسلامی چه پیش‌شرط‌هایی دارند. از سوی دیگر در تهران هنوز مخالفت شدیدی بر سر مذاکره موشکی و منطقه‌ای وجود دارد. در عین حال پیداست جریان نزدیک به خامنه‌ای توقع دارد ابتدا تحریم‌ها برداشته شود یا دست‌کم کاهش پیدا کند و سپس پای میز مذاکره بنشینند.

مجلس شورای اسلامی اخیراً مصوبه‌ای با عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» را به دولت ابلاغ کرده که در عمل افزایش تهدیدات اتمی است. در این مصوبه به آمریکا دو ماه فرصت داده شده که اگر امریکا به برجام برگردد و تحریم‌ها را کامل بردارد، ایران هم در مقابل به تعهداتش عمل کند اما اگر آمریکا در این مهلت به برجام برنگشت یا اروپایی‌ها به تعهداتشان عمل نکردند ایران از پروتکل الحاقی خارج و غنی‌سازی ۲۰ درصدی را آغاز می‌کند.

فاتحه برجام خوانده است

در این میان، حسین موسویان دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی که در زمان ترور فجیع میکونوس در برلین سفیر حکومت ایران در آلمان بود گفته اگر این مصوبه اجرا شود «فاتحه برجام خوانده شده و هیچ برجامی باقی نمی‌ماند.» او تشریح کرده «این مصوبه به تاریخ میلادی، هفته اول دسامبر انجام شده و ...

ادامه در صفحه ۱۷

فضای ملتهب در بغداد؛ تقویت پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حفاظت از تاسیسات اتمی فردو و نطنز

مصطفی الکاظمی نخست وزیر عراق جمعه‌شب ۲۵ دسامبر در جمع نیروهای ارتش عراق از وضعیت خیابان‌های عراق بازدید کرد

● بعد از بازداشت یکی از فرماندهان «عصائب اهل حق» در عراق وضعیت بغداد ملتهب شده است. او متهم به دست داشتن در حملات موشکی اخیر به سفارت آمریکا در بغداد است.

● شبکه خبری «العربیه» گزارش داد تعداد بازداشتی‌ها شش نفر است.

● شبه‌نظامیان وفادار به رژیم ایران در چند منطقه بغداد تجمع کردند و به الکاظمی نخست وزیر این کشور اخطار دادند تا بازداشتی‌ها را آزاد کند.

● الکاظمی به پشتوانه ارتش و نیروهای دولتی و همچنین نیروهای آمریکایی شبه‌نظامیان را تهدید به رویارویی سخت و سرنوشت ساز کرد.

● در پی تشدید تنش‌ها در عراق هواپیماهای آمریکایی بر فراز آسمان این کشور و خلیج فارس به پرواز درآمدند.

● سید محمد حجازی معاون فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی تهدید کرد «آمریکا ۲ سیلی دیگر خواهد خورد؛ انتقام سخت سرجای خود باقی است اما زمان و نحوه انتقام به شرایط بستگی دارد!»

● روزنامه کویتی «القبس»: با افزایش احتمال حمله ناگهانی آمریکا به تاسیسات اتمی ایران سپاه پاسداران سیستم‌های دفاعی سایت فردو و نطنز را تقویت کرده است.

درپی بازداشت شماری از اعضای «عصائب اهل حق» از گروه‌های مسلّح مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق توسط نیروهای دولتی این کشور جمعه‌شب ۵ دی‌ماه تا بامداد شنبه وضعیت در شهر بغداد ملتهب بود. تعدادی از اعضای «عصائب اهل حق» اسلحه به دست در بعضی مناطق عراق تجمع کرده و خواستار آزادی عضو بازداشتی این گروه شدند و حتی تهدید کردند که برای آزادی او دست به اقدام خواهند زد و فقط منتظر اشاره قیس الخزعلی رهبر خود هستند.

فردی که توسط نیروهای امنیتی عراق بازداشت شده متهم به دست داشتن در حملات راکتی به سفارت آمریکا در منطقه سبز بغداد است اما جواد الطلیباوی یکی از رهبران «عصائب اهل حق» مدعی شده که «یک دستگاه امنیتی عراق آن فرد را تحت فشار قرار داده تا اعتراف کند که در حمله موشکی به منطقه سبز بغداد دست داشته است.» شبکه خبری «العربیه» گزارش داده است که تعداد بازداشتی‌ها شش نفر است.

در این میان، شبه‌نظامیان شیعه در منطقه «العرصات» و پل «المثنی» و خیابان «فلسطین» تجمع کرده و علیه الکاظمی شعار داده و او را تهدید می‌کردند.

در پی این تهدیدات مصطفی الکاظمی نخست وزیر عراق اعلام کرد «امنیت عراق امانتی بر گردن ماست و ما با آرامش به دنبال بازگرداندن اعتماد به دستگاه امنیتی و نظامی هستیم. ما خواستار آرامش شدیم تا کشور به یک توطئه و ماجراجویی دیگر کشیده نشود، اما در صورت لزوم آماده رویارویی قاطع و سرنوشت‌ساز هستیم.»

شبه‌نظامیان «عصائب اهل حق» به نخست‌وزیر عراق تا ساعت پنج صبح امروز شنبه ۶ دی‌ماه مهلت داده بودند تا این فرمانده بازداشت شده را آزاد کند اما پس از حضور نیروهای امنیتی عراق در خیابان‌های بغداد و پرواز چند هواپیمای آمریکایی بر فراز عراق مجبور شدند دست از پا درازتر به پایگاه‌های خود بازگردند.

تنش در عراق با پرواز طولانی چندین هواپیمای نظامی آمریکا فر فراز آسمان این کشور و خلیج فارس همراه بود. همزمانی این رویدادها با سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی (۱۳ دی ۹۸ برابر با ۳ ژانویه ۲۰۲۰) در حوالی فرودگاه بغداد توسط حمله پهپادی ایالات متحده و همچنین تهدید تلویحی دولت آمریکا درباره اقدام علیه تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی احتمال افزایش یک درگیری را افزایش داده است.

روزنامه کویتی «القبس» به نقل از منابع آگاه گزارش داده است که با افزایش احتمال حمله ناگهانی آمریکا به تاسیسات اتمی ایران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستم‌های دفاعی سایت فردو و نطنز را با سامانه «باور ۳۷۳» و سیستم‌های دفاع موشکی روسی «سام» تقویت کرده است.

سیدمحمد حجازی جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در سخنرانی خود که روز جمعه ایراد شد تهدید کرد «آمریکا ۲ سیلی دیگر خواهد خورد؛ انتقام سخت سرجای خود باقی است اما زمان و نحوه انتقام به شرایط بستگی دارد!»

پیش از او نیز علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی تهدید کرده بود که ایران مصمم به گرفتن انتقام سخت از آمریکاست.

جمهوری اسلامی ایران در مورد حملات راکتی به سفارت آمریکا در بغداد مواضع متناقضی دارد. از یکسو فرماندهان سپاه پاسداران دائم آمریکا را تهدید می‌کنند که «نیروهای جبهه مقاومت انتقام سلیمانی و فخری‌زاده را خواهند گرفت» و از سوی دیگر هربار که حمله راکتی علیه منافع آمریکا در عراق انجام می‌شود، وزارت خارجه رژیم ایران هرگونه دخالت در این حملات را رد کرده و با محکوم کردن آن از جمهوری اسلامی سلب مسئولیت می‌کند!

فشار علیه رژیم ایران با هدف مذاکره

روزنامه «سیاست روز» نزدیک به قوه قضائیه در سرمقاله خود چاپ شنبه ششم دی‌ماه نوشت ادعاها در مورد پشتیبانی ایران از حمله به منطقه سبز بغداد «ادامه جوّسازی‌های نظامی آمریکا» است و آمریکا با این رفتاها در حالی به دنبال قدرت نمایی ظاهریست که سعی دارد تا پازل جو بایدن رئیس جمهور بعدی را کامل نماید.

در این مقاله پیش‌بینی شده طرح این ادعاها از سوی غربی‌ها در کنار مسائل حقوق بشری، هسته‌ای و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران شدت گرفته و هدف از آنها «اجماع‌سازی» و توجیه سیاست فشار هوشمندانه بر ایران است تا در نهایت تهران را گرفتار اشتباه محاسباتی ورود به مذاکره نمایند.

پس از حمله راکتی به سوی سفارت آمریکا در بغداد همچنین گزارش شد که اسماعیل قاآنی فرمانده سپاه قدس دوباره به عراق رفته است. شماری از تحلیلگران رژیم ایران را حامی و محرک این حملات می‌دانند اما برخی دیگر از تحلیلگران می‌گویند شبه‌نظامیان به تدریج از کنترل تهران خارج می‌شوند و آتش به اختیار عمل می‌کنند.

این در حالیست که اسماعیل قاآنی اصلا به اندازه قاسم سلیمانی در بین شبه‌نظامیان شیعه منطقه نفوذ ندارد. او کمتر از یک ماه قبل نیز به عراق سفر کرد و از گروه‌های مسلح عراقی خواست در واپسین هفته‌های حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید از اقدامات تحریک‌آمیز علیه آمریکا خودداری کنند اما به نظر می‌رسد از درخواست وی تبعیت نشده و او مجبور شده دوباره به عراق سفر کند.

از سوی دیگر، همزمان با اولین سالگرد کشته شدن سلیمانی، به نظر می‌رسد هسته‌های جهادی در مراکز دینی و انقلابی خاورمیانه برای برگزاری مراسم یادبود او فعال‌تر شده‌اند. در همین ارتباط در لبنان سمینار «چالش‌های محور مقاومت پس از شهادت سردار سلیمانی» برگزار شده است.

صورتحساب غرامت کشته‌شدگان پرواز PS752

به زودی، ۱۸ دی‌ماه، یکسال از شلیک موشک توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای مسافری «اوکراین اینترنشنال» و کشتن ۱۷۶ سرنشین آن می‌گذرد. به تازگی دولت جمهوری اسلامی اعلام کرده است که به خانواده‌ها و بازماندگان هر یک از جانباختگان ۱۵۰ هزار دلار غرامت می‌دهد!

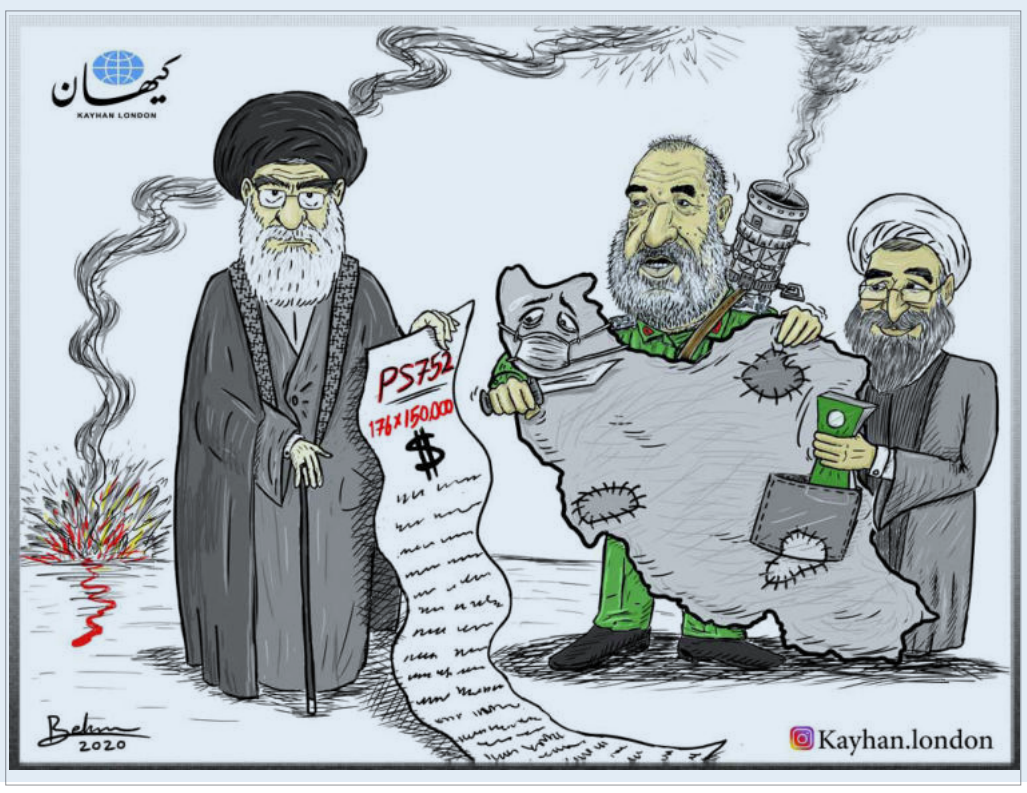

زنان شاخص

سارا حمیدی

(۱۳۶۶ - اصفهان)

سارا حمیدی خواننده ایرانی ساکن فرانسه است. سارا حمیدی ردیف‌های آوازی موسیقی ایرانی را نزد مائده طباطبائی از شاگردان محمدرضا شجریان از سال ۱۳۸۵ به مدت ۶ سال فرا گرفت.او با کنسرواتوار پاریس همکاری می‌کند.

و با گروه‌هایی همچون، گروه کر اصفهان و گروه کر موسیقی کودک حوزه هنری اصفهان همراهی کرد و نیز اجراهای متعددی در انجمن موسیقی بانوان و دانشگاه هنر اصفهان داشت. او پس از انتشار ویدئویی که او را در حال آواز خواندن نشان می‌داد، شهرت یافت. در آن زمان، بسیاری صدای او را با قمرالملوک وزیری مقایسه کردند.

سارا حمیدی لیسانس مترجمی زبان انگلیسی و فارغ‌التحصیل سال ۱۳۸۸ دانشگاه غیردولتی شیخ بهایی اصفهان است.

هنگامی که سارا حمیدی در اصفهان اقامت داشت اجرای زنده لباس خوانی در دانشگاه هنر اصفهان، کاری نو و خارق‌العاده بود که سارا حمیدی همراه با تعدادی از هنرمندان نوآور در موسیقی ایرانی به روی صحنه آورد.

سارا حمیدی به علت محدودیت‌های موجودبرای فعالیت زنان در عرصه موسیقی در ایران و به دلیل علاقه اش به فراگیری آواز اپرا در سال ۲۰۱۲ به فرانسه مهاجرت کرد و در کنار تدریس موسیقی سنتی ایرانی و اجرا در کنسرتها و جشنواره‌های بین‌المللیِ و ایرانی، در کنسرواتوار ناسیونال سن مور پاریس مشغول به تحصیل شد.

ترفندهایی برای تقویت ایمنی بدن در ۱۰ ثانیه:

یکی از روش های پیشگیری از ابتلا به بیماری های مختلف تقویت سیستم ایمنی بدن است ود همچنین سیستم ایمنی قوی در بدن راز سلامتی و شادی زندگی است پس با دقت به این نکات و توصیه ها توجه و از آنها استفاده کنید.

برای آنکه سیستم ایمنی بدن خود را تقویت کنید یک لگن پلاستیکی یا استیل در سایزی که پاهای شما داخل آن جای بگیرد انتخاب کنید.

۱۰ الی ۱۵ عدد یخ قالبی ریز داخلی آن بریزید ، یک لیوان آب سرد به آن اضافه کنید ، حالا نوبت آن است که پاهیتان را داخل ظرف قرار دهید.۱۰ ثانیه پاها را در حالت ثابت داخل این ظرف نگهدارید تا اثر آن به خوبی به بدن شما منتقل شود.برای نتیجه ی بهتر و اجرای روش درست شما بایستی هر روز یکبار این روش را انجام دهید. بهترین زمان برای اجرای این ترفند تقویت کننده سیستم ایمنی بدن ساعات عصر یعنی همان زمانی که از محل کار و یا بیرون از خانه به منزل باز می گردید و قبل از خواب شبانه است.قرار گرفتن پاهای خسته شما در ظرف پر از یخ و آب مثل شوکی است که به بدن شما وارد و به این روش سیستم ایمنی آن تقویت می شود.چرا این روش توصیه می شود؟ پروفسورهای روسیه برای توضیح این مطلب می گویند که این روش بدن را در حالتی قرار می دهد که آمادگی مبارزه با بیماری ها را دارند. علاوه بر نکاتی که به آن اشاره شد مطالعات ثابت کرده است که دوش آب سرد تعداد گلبول های سفید بدن را افزایش داده و بدن را برای مبارزه با بیماری ها تقویت می کند.همچنین برای تقویت سیستم ایمنی بدن متخصصان توصیه می‌کنند تا ماهی یک بار شنا در آب سرد را امتحان کنیم

سیمین بهبهانی

قفس ، همه دنیا قفس ، قفس
هوای گریزم به سر زند
دوباره قبا را به تن کشم
دوباره لچک را به سر کنم
کجا ؟ به خیابان نکجا
میان فساد و جمود و دود
که در غم هر بود یا نبود
ز دست ستم شکوه سر کنم
اگر چه مرا خوانده اید باز
ولی همه یاران به محنتند
گذارمشان در بلای سخت
که چی ؟ که نشاطی دگر کنم
خطر کنم و جامه دان به دست
دوباره هوای سفر کنم

روش ایجاد عادات سالم در نوجوان

سال‌های نوجوانی برای هرکس زمانی سرگرم کننده و هیجان انگیز است، اما اغلب اوقات ممکن است به دلایلی با والدین رفتاری نامناسب داشته باشند. شما به نوجوانان استقلال و مسئولیت بیشتری می‌دهید.

اگرچه این دو می‌تواند مفید واقع شود اما مسئله‌ای که بیشتر حائز اهمیت است، ایجاد عادت‌های سالم در آنهاست با کمک به ایجاد این عادات موجب خواهد شد تا در بزرگسالی موانع مختلف را پشت سر بگذارند.

بهترین راههای ایجاد عادات سالم در نوجوان

رژیم غذایی سالم

تغذیه مناسب برای همه ما حائز اهمیت است اما برای نوجوانان از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است. آنها هنوز در سن رشد هستند، اما بیش از آنکه وقت خود را با شما سپری کنند در مدرسه و با دوستانشان هستند بنابراین فهم آنکه از میوه ،سبزیجات، غلات سبوس دار، پروتئین و لبنیات مناسب مصرف می کنند دشوارتر است. روش هایی وجود دارد که می‌توانید همچنان بر رژیم غذایی آنها تأثیر بگذارید.

اینکه همیشه برای فرزند خود در خانه میان وعده‌های سالمی تهیه کنید و سعی کنید حداقل دو بار در هفته یک وعده غذایی خانوادگی مقوی داشته باشید.درگیر کردن نوجوانان در خرید و پخت و پز غذا همچنین به او کمک می‌کند تا بداند چگونه وعده‌های غذایی مغذی خود را به تنهایی آماده کند.

رعایت بهداشت

احتمالاً نوجوان شما آخر هفته‌ها و در طول تابستان تا ظهر می‌خوابد و سپس تمام روز در خانه به بازی مشغول است. دوش نمی‌گیرد یا حتی در شستن صورت و مسواک زدن کاهلی می‌کند. عدم رعایت بهداشت می‌تواند منجر به شیوع بیشتر آکنه در صورت و ایجاد منافذ باز پوست و نیز سایر مشکلات دندانی و دهانی شود. بنابراین مطمئن شوید هر روز بهداشت را رعایت می‌کند. اگرچه به آنها آموخته‌اید که چگونه به درستی مسواک بزنند و سالهاست که این کار را به طور مستقل انجام می‌دهند اما یادآوری این قبیل کارها در روزهایی که تنبلی می‌کنند الزامی است.

انجام ورزش روزانه

اگر نوجوان شما ورزشی را به صورت جدی دنبال نمی‌کند به احتمال زیاد تمام روز خود را صرف بازی با موبایل و تبلت می‌کند و وقت کافی برای فعالیت‌های بدنی نداشته باشد. سعی کنید زمانی را به باهم ورزش کردن اختصاص دهید. داشتن همراه در ورزش فرد را به انجام آن ترغیب می‌کند.

۹ تا ۱۰ ساعت خواب

اگرچه نوجوانان تا ظهر می‌خوابند اما این بدان معنا نیست که الزاماً آن ها خواب کافی دارند.

با شروع مدرسه و بار سنگین مطالعه و زمانی که نوجوانان به تماشای فیلم می‌پردازند موجب شده تا بیشتر آنها کم خوابی را تجربه کنند.

بزرگسالان معمولاً به حدود ۷ تا ۸ ساعت خواب شبانه نیاز دارند، اما برای یک نوجوان این زمان به ۹ تا ۱۰ ساعت تغییر کرده است.

اگر فرزندتان نمی‌تواند بخوابد به آنها در تغییر برنامه‌شان کمک کنید و اشکال مربوطه را رفع کنید تا خواب کافی و مناسبی داشته باشند.

پیدا کردن علایق

در حالی که سلامت جسمی مهم است، سلامت روان نیز حائز اهمیت است. فرزند خود را تشویق کنید تا به سمت علایق خود برود و آن را بیاموزد. این علایق می‌تواند نقاشی، نویسندگی، فوتبال یا ... باشد.

انجام کاری که به آن علاقه دارند ، ضمن کمک به کنترل اضطراب موجب می شود تا با دید مثبت به زندگی نگاه کنند. مطمئناً گفتن این حرف‌ها آسان است اما هنگامی که پای عمل کردن در میان باشد موانعی همچون ناامیدی بر سر این راه وجود دارد . با به کار بردن مواردی می‌توانید فرزند خود را به انجام این عادات تشویق کنید.

آموزش آشپزی

بهترین روش برای تشویق به عادات غذایی خوب در نوجوانان، آموزش نحوه خرید و تهیه وعده‌های غذایی سالم است. اگر آشپزخانه فضای امن و راحتی برای آنان نباشد، در بزرگسالی تمایل بیشتری به تهیه غذا از بیرون خانه خواهند داشت.

برقراری ارتباط

گاهی اوقات نوجوانان رفتاری نامناسب با شما دارند اما همچنان خواهان برقراری یک ارتباط صمیمانه با شما هستند. هرچه رابطه شما صمیمانه‌تر باشد، امکان ارائه راهنمایی و پشتیبانی راحت‌تر خواهد بود.

روابط مثبت

رابطه قوی با یک مربی، خواه معلم مدرسه یا یک مربی باشگاه، و نیز دوستی های سالم می‌توانند به ترغیب عادت‌های سالم کمک کنند. افرادی که در زندگی نوجوان شما واقعاً به او اهمیت می‌دهند دوست دارند که آنها نیز عادت‌های سالمی داشته باشند و به شما در این کار کمک می‌کنند. همچنین دوست داشتن و حمایت از روابط به نوجوان شما کمک می‌کند تا تشخیص دهد رابطه سالم به چه معناست.

الگوی آنها باشید

مهمترین عامل در رشد عادات سالم داشتن یک الگوی مناسب است. قاعدتاً هنگامی که اصرار به یک ویژگی دارید در حالی که خود آن را انجام نمی‌دهید مثمر ثمر نخواهد بود. فرزندان با مشاهده اهمیت سلامت جسمی و روانی برای شما خود به انجام حرکات الگو وار از شما ترغیب می‌شوند.

در پایان، به یاد داشته باشید که فرزند شما همانند سایر انسان‌ها به همان اندازه که بالا می رود و پیشرفت می‌کند؛ گاهی ممکن است زمین هم بخورد. همه اینها بخشی از روند رشد است. برخی اوقات انتخابی اشتباه خواهند داشت اما جای نگرانی نیست چرا که شما به آنها کمک خواهید کرد تا مسیر درست را انتخاب کنند.

چشم جنین شما چگونه می تواند رنگی شود؟

می‌شود.

در صورتی رنگ چشم کودک آبی می‌شود که پدر و مادر هر دو دارای چشم آبی باشند و کودک ژن رنگ چشم آبی را از هر دو والد دریافت کند. رنگ چشم کودک سبز خواهد بود اگر کودک ژن رنگ چشم سبز را از هر دو والد بگیرد یا یک ژن آبی و یک ژن سبز دریافت کند.

رنگ چشم از کجا می آید؟

در چشم بافت پوششی به نام عنبیه وجود دارد که دارای رنگدانه های مشکی و کوچکی به نام ملانین است. رنگ چشم به وجود و پراکندگی ملانین بستگی دارد به صورتی که اگر این رنگدانه‌ها پراکنده باشند رنگ چشم تیره و اگر پراکندگی رنگدانه‌ها کم باشد چشم روشن می‌شود.

چند ژن تعیین‌کننده رنگ چشم هستند که برخی از آنها تاثیر گذارتر از بقیه می‌باشند . یکی از ژن‌های اصلی تعیین کننده رنگ چشم ژن OCAZ است که با رمزگذاری پروتئینی با عنوان P ملانین تولید می کند و موجب رنگی شدن چشم می‌شود. تاثیر گذاری این ژن بر رنگ چشم ۷۴ درصد است.

تحقیقات جدید نشان داده جهشی کوچک در OCAZ تولید ملانین عنبیه را محدود می کند وسبب می شود رنگ چشم آبی شود اما اگر فعالیت این ژن کاملا محدود گردد رنگ چشم فرد قرمز می شود و فرد دچاربیماری زالی می گردد.

از ژن‌های فرعی دیگری که تاثیر کمتری در تعیین رنگ چشم دارند ژن های Eycl۱، Eycl۲ و Eycl۳ هستند که موجب بروزرنگ های مخلوطی مثل سبز مایل به آبی، طوسی مایل به آبی، قهوه‌ای، بلوطی و ... در افراد می شوند.

دو چشم با دو رنگ متفاوت

شاید شما نیز افرادی را دیده باشید که رنگ چشمهایشان با یکدیگر متفاوت است ، برخی از این افراد خاص بودن رنگ چشمهایشان را دوست دارند ولی برخی دیگر این حالت را نمی پسندند و به همین علت از لنز استفاده می‌کنند.

این اختلال در انسان ها نادر است و به علت جهش ژن و متفاوت بودن میزان ملانین موجود در هر یک از عنبیه‌ها است . این اختلال می‌تواند ارثی و یا به علت مصرف برخی داروهای خاص که مقدار رنگدانه در هر یک از چشم ها افزایش یا کاهش می‌دهند ؛ باشد.این اختلال متفاوت بودن رنگ چشم‌ها با یکدیگر ،در حیوانات رواج بسیاری دارد.

آیا رنگ چشم جنین تغییر می کند؟

اکثر نوزادان با چشم‌های آبی متولد می‌شوند به این دلیل که کمی زمان برای تولید ملانین رنگدانه لازم است و شما نمی‌توانید دقیق رنگ چشم‌های کودک را تا شش ماهگی تعیین کنید زیرا در این مدت مقدار ملانین کاهش یا افزایش می‌یابد.

درجهان رنگ چشم‌های متفاوتی وجود دارد اما در برخی نقاط جهان برخی رنگ چشم‌ها نسبت به بقیه بیشترند مثلا در اروپا رنگ بلوطی یا خرمایی بیشتر است و در کشورهای آمریکایی ، هند و ترکیه رنگ‌های چشم روشن مانند سبز، آبی و طوسی فراوانی بیشتری دارند اما رنگ غالب در سراسر جهان رنگ قهوه‌ای مایل به مشکی است.

به طور کلی در مورد رنگ چشم جنین

اگروالدین هر دو دارای چشم قهوه‌ای باشند، ٪۷۵ احتمال دارد که کودکشان چشم قهوه‌ای شود.

اگروالدین هر دو دارای چشم آبی باشند، ٪۹۹ احتمال دارد که کودکشان چشم آبی شود.

اگروالدین هر دو دارای چشم سبز باشند، ٪۹۹احتمال دارد که کودکشان چشم سبز شود.

شما را تعیین می کند

رنگ چشم در کودکان مختلف متفاوت است برخی از کودکان دارای رنگ چشم آبی یا سبز و برخی دیگر دارای رنگ چشم قهوه‌ای هستند . عامل اصلی تعیین رنگ چشم در نوزادان ژنتیک و وراثت می‌باشد و رنگ چشم نوزاد ، به رنگ چشم هر دو والدین بستگی دارد. رنگ چشم یک ویژگی فیزیکی است که توسط جفت شدن ژن‌های پدر و مادر مشخص می‌شود و هر کودک از هر یک از والدین‌اش ۵۰ درصد مواد ژنتیکی رنگ چشم را به ارث می‌برد. دو ژن گرفته شده از پدر و مادر می توانند به هم شبیه یا از هم متفاوت باشند.

ژن رنگ تیره بر رنگ روشن همیشه غالب است ژن قهوه ای بر ژن سبز و آبی غالب است؛ سبز بر آبی غالب است و آبی نهفته است.

به دلیل غالب بودن رنگ چشم قهوه‌ای ، اگر فردی دارای دو ژن قهو ه‌ای و یا یک ژن قهوه‌ای ، یک ژن آبی باشد ، رنگ چشم او قهوه‌ای رنگ چشم یک ویژگی فیزیکی است که توسط جفت شدن ژن‌های پدر و مادر مشخص می‌شود و جنین از هر یک از والدین اش ۵۰ درصد مواد ژنتیکی رنگ چشم را به ارث می‌برد.

نحوه بروز تغییرات در رنگ چشم جنین در دوران بارداری

بسیاری از مادران در زمان بارداری به این می‌اندیشند که رنگ چشم کودکشان چه رنگی خواهد شد و آیا کودکشان رنگ چشم خودشان را به ارث می‌برد .

چه عواملی رنگ چشم جنین

مرد روز

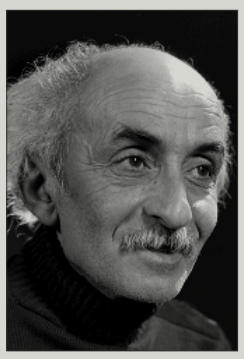

نیما یوشیج

پای‌آبله ز راه ِ بیابان رسیده‌ام
بشمرده دانه دانه کلوخ ِ خراب ِ او
برده به‌سر به بیخ ِ گیاهان و آب ِ تلخ
در بر رخ‌ام مبند ، که غم بسته بر ِ درم
دل‌خسته‌ام به زحمت ِ شب‌زنده‌داری‌ام
ویرانه‌ام ز هیبت آباد ِ خواب ِ تلخ
عیب‌ام مبین ، که زشت و نکو دیده‌ام بسی
دیده گناه‌کردن ِ شیرین ِ دیگران
وز بی‌گناه دل‌شدگانی ثواب ِ تلخ
در موسمی که خستگی‌ام می برد ز جای
با من بدار حوصله ، بگشای در ز حرف
امّا در آن نه ذرّه عتاب و خطاب ِ تلخ
چون این شنید ، بر سر ِ بالین ِ من گریست
گفتا : کنون چه چاره ؟ بگفتم : اگر رسد
با روزگار ِ هجر و صبوری ، شراب ِ تلخ !

Pexels

مزایای ترک نوشابه

۱.علاقه‌به‌شیرینی‌جات‌کاهش‌پیدامی‌کند: مصرف و میل به شیرینی‌جاتی مثل نوشابه دست افراد نیست و در ناخودآگاه آنها می باشد . نوشابه نیز جزء آن دسته از شیرین هایی است که شما را معتاد می کند و می تواند روی احساس رضایت تان تاثیرگزار باشد.علت آن هم این است که بدن و معده احساس آرامش کاذبی با شیرینی جات می‌کند و هورمون هایی را آزاد می کند . حال زمانی که این نوشیدنی را کنار بگذارید، میل به تمام انواع مواد غذایی که دارای شیرین کننده‌های مصنوعی هستند، کاهش پیدا می کند زیرا مهم ترین آن را ترک کرده اید .**۲. وزن کاهش پیدا می‌کند** :نوشابه ها حتی در انواع رژیمی حاوی انسولین هستند و باز هم حاوی شیرین کننده های مصنوعی می‌باشند و از کاهش وزن جلوگیری می کنند . **۳. سیستم ایمنی بهبود پیدا می کند** :اسید موجود در نوشابه برای سیستم گوارش ، ریشه دندان‌ها و بدتر شدن وضعیت رفلاکس معده مضر است . ترک کردن آن باعث می شود که باکتری های مضر و آسیب زننده به این قسمت‌ها و سیستم ایمنی شما از بین بروند و در نتیجه سیستم ایمنی سالمی خواهید داشت . **۴. استخوان‌های محکمی خواهید داشت** :رنگ کاراملی موجود در نوشابه دارای مواد مصنوعی است که فسفرهایی را به وجود می‌آورد که در طولانی مدت برای استخوان‌ها مضر هستند و همچنین باعث ایجاد مشکلات کلیوی نیز می شود .**۵. انرژی بیشتری خواهید داشت**:کافئین موجود در نوشابه دوست و انرژی بخش شما نیست مصرف بیش از حد کافئین باعث از بین بردن آب بدنتان می‌شود و سیستم ایمنی بدن را بیش از حد تحریک می‌کند و در نتیجه احساس خستگی زیادی می‌کنید .

مردان شاخص

فریدون فرهی

(۱۳۱۴ - سبزوار)

فریدون فرهی خواننده ایرانی است. پدر و مادرش از تبار آذری‌ها بودند به شهر سبزوار کوچ کردند. برادرش نزد استادی نواختن تار را فرا گرفته بود، پدرش در جوانی کارگاه نقاشی داشت و مادرش با صدایی دلنشین و دف باشکوه‌ترین ترانه‌های آذری را می‌خواند.

تا دوازده سالگی در سبزوار بود و بعد به مدت شش سال در خرمشهر زندگی کرد و سپس همراه خانواده به تهران رفت و آرام آرام به محافل ادبی و هنری راه یافت؛ تا جایی که به جشن ملی در سفارت هند دعوت شد و در سفارت موقعیتی پیش آمد تا با روح‌الله خالقی آشنا شود. خالقی او را به هنرستان موسیقی ملی فرا خواند و پس از شنیدن صدایش وی را نزد فاخره صبا در هنرستان عالی موسیقی فرستاد. سپس کار آواز را نزد اولین باغچه‌بان ادامه داد. چند سالی در کر ملی تهران فعال بود و به عنوان سولیست در بسیاری از شهرها و مراکز استان‌ها به همراه گروه کر کنسرت‌هایی اجرا کرد؛ و سپس با نظر تجویدی به رادیو راه یافت.

«بادبادک» و «گل کو، گلاب کو» از جمله آثار شناخته شده‌ای هستند که فرهی اجرا کرده‌است.

بعد از انقلاب خانه‌نشین شد و در این زمان به انجمن خوشنویسان رفته و زیر نظر غلامحسین امیرخانی به فراگیری خط ادامه داد و خط نستعلیق، نسخ و کتابت را در ردیف مرحله ممتاز آموخت و دوره‌های فشرده تذهیب و نقاشی و طراحی را گذراند. او هم‌اکنون مقیم کانادا است.

تقویت متابولیسم بدن به روش چشم بادامی

افزایش و تقویت متابولیسم بدن برای افزایش انرژی و سلامت بدن ضروریست. شما می‌توانید با انجام چند حرکت ورزشی ساده، متابولیسم بدن تان را بالا ببرید.

آشنایی با متابولیسم بدن و تکنیک تقویت آن با یوگا

متابولیسم مجموعه ای از واکنش‌های شیمیایی است که در آن بدن، آنچه که می‌خورید و می نوشید را به انرژی تبدیل کرده و مواد زائد را دفع می کند و شامل دو بخش می‌شود:

آنابولیسم: مرحله سازنده متابولیسم است که شامل جمع شدن مولکول‌های ساده برای تشکیل مولکول‌های پیچیده ای می شود. در واقع شامل مجموعه ای از فرآیند هایی است که همه موجودات زنده برای حفظ بدن خود از آن استفاده می‌کنند.

کا تا بو لیسم: مرحله تخریبی متابولیسم است که در آن مولکول‌های زیستی پیچیده مانند کربوهیدرات‌ها، پروتئین‌ها و اسیدهای چرب به مولکول‌های ساده تر تجزیه می شوند، این فرآیند باعث آزاد شدن انرژی خواهد شد.بسیاری از موارد می‌توانند میزان متابولیسم شما را تغییر دهند اما مهم ترین آن این است که از لحاظ جسمی چقدر فعالیت دارید.

مزایای یوگا:ورزش محبوب شرقی‌ها

یوگا به عنوان یک تمرین بدنی برای همه ما آشنا است و همچنین تمرینات یوگا فواید بیشماری دارند که محدود به بدن نمی شود و می تواند بر سلامت جسمی، عاطفی و ذهنی نیز تاثیر بگذارند. از مزایای یوگا می توان به موارد زیر اشاره کرد، البته توجه داشته باشید که تنها محدود به آنها نمی‌شود: افزایش انعطاف پذیری ، افزایش قدرت عضلانی و ماهیچه‌ها ، بهبود تنفس، افزایش انرژی ، بهبود متابولیسم ، کاهش وزن ، بهبود گردش خون و سلامت قلب و عروق ، پیشگیری از بیماری و آسیب دیدگی ، بهبود خلق و خو و احساسات ، کاهش استرس، رفع اضطراب ، کاهش التهاب ، تخلیه لنفاوی برای تقویت سیستم ایمنی.

بهترین حرکات یوگا برای بهبود و تقویت متابولیسم بدن:

۱- پوزیشن کمان (دانورآسانا) : پوزیشن کمان باعث افزایش انرژی، کاهش استرس، تقویت بازوها و پاها و کشش ستون فقرات و شکم می‌شود.

نحوه انجام: ابتدا روی شکم خود دراز بکشید و دستان تان را کنار بدن قرار دهید، زانوهایتان را خم کرده و پاشنه پا را به باسن نزدیک کنید، دست هایتان را عقب برده و مچ پاها را بگیرید به طوری که بدن‌تان شبیه کمان، منحنی شود و تا جایی که می‌توانید زانوهایتان را بالا ببرید، نفس عمیقی بکشید و این حالت را برای چند ثانیه حفظ کنید و هنگام بازدم، به آرامی پاها و قفسه سینه‌تان را به حالت اولیه برگردانید.

نکته: زنان باردارو کسانی که از دیسک کمر یا فشار خون بالا رنج می برند، از انجام این پوزیشن خودداری کنند.

۲- پوزیشن گاوآهن (هالاسانا) : هالاسانا یک پوزیشن وارونه است که باعث افزایش جریان خون در غده‌های تیروئید، غده فوق کلیه و هیپوفیز می‌شود. افزایش جریان خون در این غدد باعث ترشح اندروفین شده و باعث می شود تا احساس خوبی داشته باشید و متابولیسم بدن‌تان افزایش یابد.

نحوه انجام: در حالی که پاها را به یکدیگر نزدیک نگه داشته‌اید صاف به پشت دراز بکشید، نفس عمیقی بکشید و پاهایتان را بلند کنید تا جایی که به طور مستقیم رو به بالا قرار بگیرند، دستانتان را زیر باسن قرار داده و کف دست‌های خود را به سمت بالا بگیرید، نیم تنه را به آرامی بلند کنید و پاها را فراتر ازشانه و سرخود ببرید، بازوهایتان را روی زمین قرار داده و برای کنترل بهتر، دستهایتان را سمت پایین کمرتان ببرید.

در این مرحله پاهایتان باید بالای سر باشد، کم کم کمر خود را صاف کنید ، زانوهایتان را محکم نگه داشته و عضلات ساق پا را شل کنید، این پوزیشن را که به ساروانگ آسانا معروف است نگه دارید، پس از چند ثانیه پاهایتان را به سمت جلو پایین بیاورید تا جایی که کف پاها بالای سر را لمس کند، بازوها را صاف روی زمین بیاورید، نفس بکشید و این حالت را برای حدود ۳۰ ثانیه نگه دارید.

۳- ایستادن روی شانه (سالامبا ساروانگ آسانا) : این پوزیشن بدن را تقویت کرده، گردش خون را بهبود می‌بخشد و برای سیستم عصبی و غدد درون ریز مفید است.

نحوه انجام: دستان خود را کنار رانهایتان قرار دهید و کف دست‌ها را به سمت پایین وپاها را به هم متصل کنید، با فشار دادن کف دستهایتان به زمین هر دو پاها را در حالتی که نزدیک یکدیگر هستند به آرامی بالا ببرید و زانوها را خم نکنید، سعی کنید پاها را عمود برزمین و در حدی که احساس راحتی داشته باشید قرار دهید. بالا بردن بیش از حد پاها باعث پیچ خوردگی و آسیب دیدگی می‌شود.

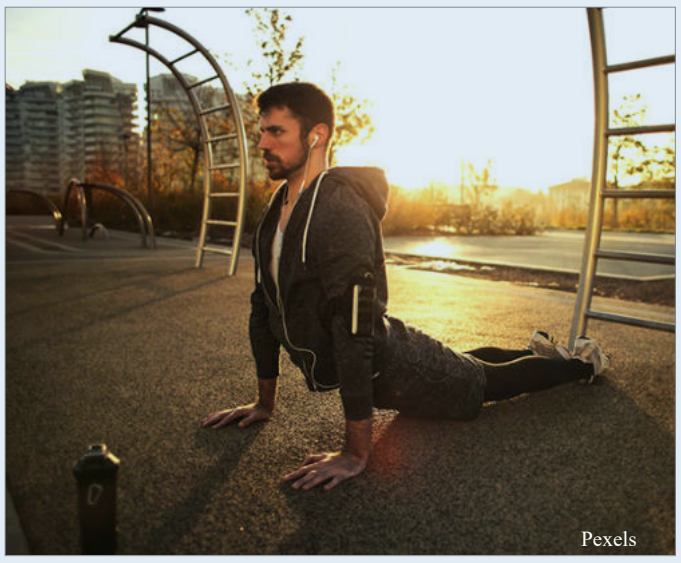

Pexels

نحوه انجام: به پشت دراز بکشید و پاها را کناریکدیگر و دست هایتان را کنار بدن تان قرار دهید، هنگام بازدم پاها را از زمین بلند کرده و بازوها را به سمت پاها دراز کنید، با انقباض عضلات شکم ممکن است کمی احساس فشار در شکم خود داشته باشید، درحالی که نفس عمیق می‌کشید این حالت را برای چند ثانیه حفظ کنید و هنگام بازدم به آرامی به موقعیت اولیه برگردید.

۵- پوزیشن ملخ (سالاب هاسانا): پوزیشن ملخ باعث تقویت کمر، سلامت سیستم گردش خون و تحریک اندام های شکمی، کلیه ها و غدد فوق کلیوی می شود.

نحوه انجام: به پشت دراز بکشید و کف دست خود را زیر ران هایتان قرار دهید، کف دست هایتان روی زمین و کف پاها رو به آسمان قرار گیرد، حال پاهایتان را بدون اینکه خم شوند بطرف سقف بلند کنید، به سمت بالا نگاه کنید و ۵ بار نفس عمیق بکشید، هنگام بازدم به آرامی پاهایتان را پایین آورده و دستان خود را رها کنید.

راه‌کارهایی برای افزایش قد پس از ۱۸ سالگی

ابتدا باسن و سپس شکم و قفسه سینه را بلند کرده تا یک خط مستقیم ایجاد کند، قفسه سینه را نزدیک چانه برده و برای پشیبانی و کنترل بهتر و بیشتر می‌توانید کمر خود را با دستان تان بگیرید، درحالی که نفس عمیقی می کشید این وضعیت را برای چند ثانیه حفظ کنید و با بازدم بدن خود را به آرامی به حالت اولیه برگردانید.

۴- پوزیشن قایق (ناواسانا) : در صورتی که پوزیشن قایق به درستی انجام شود، باعث کشش ستون فقرات، تقویت عضلات مرکزی بدن، بهبود هضم و پشتیبانی از سیستم تولید مثل می شود.

برخی از مردم به طور طبیعی از ژن‌های سالم بهره مند هستند اما با این حال افرادی هستند که بلند قد نیستند و آرزو دارند چند سانت بلندتر باشند. برای کسانی که مشتاق دانستن چگونگی افزایش قد بعد از ۱۸ هستند، برخی روش‌های ساده و تست شده وجود دارد که قطعا کارساز هستند و به افزایش قابل توجه قد شما کمک می‌کنند.

بخش اول :حرکات و ورزش ها

جهش و پرش انجام دهید : بند کفش خود را ببندید و آماده شوید که قد خود را بلند کنید تمرینات ورزشی مانند پریدن و جهش بر افزایش پمپاژ قلب تاثیر دارد هنگام پریدن و جهش تمام ماهیچه ها و رباط‌ها دربدن با تماس و کشش راست می‌شود که منجر به افزایش خون می‌شود و بر توده استخوان فشار وارد می کند و باعث می‌شود که فرد بلندترشوند می‌توانید تنوع بیشتری را به تمرین اضافه کنید ۴ هفته هر روز ۲۵ بار این کار را انجام دهید.

آویزان شوید و در همان وضعیت بمانید: سطحی نهایی کشش آویزان شدن و ماندن چند ثانیه‌ای در همان وضعیت است علم پایه در ورای این موضوع این است که وزن نیم تنه پایین ستون فقرات را کشش می‌دهد و کشش ، شکاف بین مهره‌ها را کاهش می‌دهد که در نهایت به نخاع اجازه نگهداری مایعات بیشتری را می‌دهد در نتیجه آن با افزایش ترشح هورمون رشد ، قد را بلند می‌کند.

شنا کنید: این یک تمرین آرامش بخش است که می‌تواند چند سانت به قد نیز اضافه کند شنا کردن یک ورزش بدنی کامل است که از هر طرف رباط‌ها، تاندون‌ها را بسط می‌دهد و ستون فقرات را بلند می‌کند.

تمرینات کششی انجام دهید: در یک جلسه روزانه ۱۵ دقیقه و یا بیشتر شرکت کنید. این یک روش عالی برای کاهش استرس بر قسمت پایین کمر است بگذارید ستون فقرات به طور کامل کشیده شود.

یوگا انجام دهید: کشش همیشه کمک می‌کند اما یوگا در صدر جدول قرار دارد این کار باعث می‌شود که شما بلندتر و خوش اندام شوید و و با انرژی بیشتری فعالیت انجام دهید. انجام ورزش‌های خاص که نه تنها شما را از ترشح هورمون‌های بدن تسهیل می‌کند بلکه شما را برای زندگی بهتر آماده می‌کند.

مدیتیشن انجام دهید: غده هیپوفیز، هورمون رشد انسانی را آزاد می‌کند که مسئول افزایش قد است. پس، ۵ دقیقه وقت بگذارید و مدیتیشن انجام دهید آن غده هیپوفیز را تحریک می‌کند که به انتشار هورمون رشد کمک می‌کند.

Pexels

بخش دوم :تغذیه

مصرف مواد مغذی: چیزی که باید انجام دهید اگر چه بدن مقادیر کمتری از هورمون‌های رشد را تولید می‌کند اما هنوز هم امکان افزایش تولید آن‌ها با تغذیه درست وجود دارد. یک رژیم غذایی سالم باید غنی از پروتئین‌ها، چربی‌های ضروری، کربو هیدرات‌ها پیچیده و همه مواد مغذی و ویتامین‌های ممکن باشد.

تامین سوخت مناسب بدن باعث بهبود عملکرد تمام سیستم‌های شما خواهد شد. افزایش گردش خون، بالا بودن متابولیک ، استخوان‌های قوی‌تر و بلندتر را ایجاد می‌کند اینها همه محصولات غذایی درست هستند. ویتامین د ضروری است چون به استخوان‌ها کمک می‌کند تا کلسیم جذب کنند که مستقیما مسئول رشد و استحکام استخوان است.

اسفناج: اسفناج به خاطر مزایایی که دارد مشهور است همه ما می‌دانیم چگونه اسفناج را بخوریم چیزی که بیشتر ما نمی‌دانستیم این است که قد را نیز افزایش می‌دهد آن یک مجموعه غذایی با مقدار زیادی از ویتامین ها، کلسیم، آهن و فیبر است که رشد مناسب بدن را تضمین می‌کند.

تخم مرغ: وقتی نوبت به تناسب اندام و بدن خوب و نیازهای سلامتی می‌رسد، نخوردن تخم مرغ کاری دشوار است. آن حاوی پروتئین زیادی است که به استخوان‌های قوی و افزایش رشد قد کمک می‌کند.

مرغ: مرغ فواید شگفت‌انگیزی برای بدن و سلامتی یک انسان دارد. مرغ پروتئین فراوانی دارد که بافت و ماهیچه‌ها را به طور موثر می‌سازد بنابراین آنهایی که در شرایط بد زندگی می‌کنند قد آنها پس از ۱۸ سال رشد نمی‌کند باید روزانه ۵۰ گرم پروتئین مصرف کنید.

ماهی: ماهی یکی از غذاهای لذیذاست و گوشت ماهی اساسا به کشش ماهیچه‌ها کمک می‌کند و شما را قد بلند می‌کند.

سویا: برای همه گیاه‌خواران، این یکی درمان تغذیه‌ای است که بیشترین و بالاترین پروتئین با کیفیت را دارد. این محتوای خالص بافت و استخوان را بهبود می‌دهد. به منظور بلند شدن قد ۵۰ گرم در روز، یک روز برای شما عالی خواهد بود.

آشواگاندا: جینسنگ هندی غذای عالی است که می‌توانید برای رسیدن به یک قد عالی از آن استفاده کنید. می‌توانید به راحتی آن را از فروشگاه گیاهی بخرید و چندین راه برای تهیه کردن آن وجود دارد. می‌توانید به سادگی آن را با مقداری شکر به شیر اضافه کنید و در هر زمان از روز آن را بخورید این برنامه به طور حتم قد را افزایش می‌دهد.

پنیر: در تمام این مدت ما شنیده‌ایم که فقط گوشت می‌تواند برای افزایش قد مفید باشد اما این تنها چیزی نیست که ما می‌توانیم بخوریم کلسیم موجود در پنیر به شما در ساخت استخوان‌ها و بلند شدن قد به طور عمده کمک می‌کند.

شیر: شیر منبع اولیه کلسیم است که منبع استخوان سازی برای بدن شما و دارای پروتئین‌های ویژه‌ای است که استخوان‌های شما را قوی‌تر از همیشه می‌سازد.

موز: این یکی میوه جالب و سرگرم کننده‌ای است که قد شما را بلند می‌کند پتاسیم موجود در موز استخوان‌های شما را تقویت و محکم می‌کند استخوان‌های قوی مسئول رشد قد هستند موز میوه مهمی برای رشد قد است.

بخش سوم :تغییر سبک زندگی

استرس نداشته باشید ، ایمنی بدن را بالا ببرید ، خواب خوب داشته باشید ، در هوای آفتابی بیرون روید ، از سیگار کشیدن اجتناب کنید ، از مکمل ها و یا استروئید ها استفاده نکنید ، وضعیت بدنی خوب را حفظ کنید ، سعی کنید هر ورزشی را انجام دهید.

سام رجبی با نوید افکاری بر سکوی قهرمانی جودو جهان:

گردن نوید نیز برازنده‌ی مدال بود نه طناب دار!

● سام رجبی: این مدال‌ها باید دور گردن نوید انداخته می‌شد، نه طناب داری که باید از قانون بشریت حذف شود. خانواده شریف نوید! این مدال‌های ناقابل پیشکش شما، ایرانمان و آزادی آن. ننگ بر جمهوری اسلامی، ننگ بر تمام ماله‌کشانی که باعث استمرار این رژیم سراسر فاسدند.

● یک روز پیش از آنکه سام رجبی به مقام قهرمانی جهان در رشته جوجیتسو برسد، خبری درباره زیر فشار قرار گرفتن خانواده نوید افکاری برای جلوگیری از نصب سنگ بر مزار او و بازداشت چند ساعته پدر و برادرش منتشر شد.

سام رجبی جودوکار پیشین تیم ملی ایران در مسابقات قهرمانی جودو جهان با تصویر نوید بر سکوی قهرمانی ایستاد. او هنگام دریافت مدال تی‌شرتی را که تصویر نوید افکاری بر روی آن بود بالا گرفت و به جهانیان نشان داد.

سام رجبی همچنین مدال‌های خود را به خانواده نوید افکاری، ایران و آزادی کشور تقدیم کرده و گفته که گردن نوید جای مدال بود و نه طناب‌داری که باید از قوانین بشریت حذف شود.

تازه‌ترین مسابقات جهانی رشته جوجیتسو روز جمعه ۲۸ آذرماه ۱۳۹۹ برابر با ۱۸ دسامبر ۲۰۲۰ در اورلاندو آمریکا برگزار شد و سام رجبی عضو پیشین تیم ملی جودو ایران در این رقابت‌ها به پیروزی رسید و قهرمان جهان شد.سام رجبی با در دست داشتن تی‌شرتی که تصویر نوید افکاری روی آن بود، برای گرفتن مدال طلا بر سکوی قهرمانی جهان رفت. سام رجبی ساعاتی بعد در صفحه توئیتر خود نوشت: «من امروز به عنوان یکی از اعضای کمپین «اتحاد برای نوید» برای نوید جنگیدم و قهرمان جهان شدم. راه نوید ادامه دارد. نویدها جوانه می‌زنند و رشد می‌کنند تا روز آزادی. ما ورزشکاران راه او را ادامه خواهیم داد.»

سام رجبی همچنین در توئیت دیگری با انتشار تصویری از خود در حالی که تی‌شرتی با تصویر نوید افکاری را بر تن داشت و مدال‌های خود را به گردن آویخته بود، نوشت: «این مدال‌ها باید دور گردن نوید انداخته می‌شد، نه طناب داری که باید از قانون بشریت حذف شود. خانواده شریف نوید! این مدال‌های ناقابل پیشکش شما، ایرانمان و آزادی آن. ننگ بر جمهوری اسلامی، ننگ بر تمام ماله‌کشانی که باعث استمرار این رژیم سراسر فاسدند.». سام (احسان) رجبی عضو پیشین تیم ملی جودو ایران است. او در سال ۱۳۸۸ در مسابقات آسیایی جودو به مدال برنز دست یافت که تنها موفقیت تیم ملی جودو ایران در این دوره از رقابت‌ها بود.

ادامه در صفحه ۱۷

غیبت راجر فدرر در مسابقات گراند اسلم استرالیا پس از بیست سال

● مدیر برنامه‌های فدرر: راجر پس از دو بار جراحی زانو برای شرکت در بازی‌های گراند اسلم به استراحت بیشتری نیاز دارد.

راجر فدرر

راجر فدرر تنیس‌باز ۳۹ ساله سوئیسی و برنده ۲۰ گراند اسلم به دلیل ناراحتی زانو برای نخستین بار در بیست سال گذشته در رقابت‌های امسال تنیس گراند اسلم استرالیا حضور نخواهد داشت.

زانوی فدرر سال گذشته در همین مسابقه‌ها آسیب دید. او بعد از این حادثه دو بار تحت عمل جراحی قرار گرفت و در این مدت نتوانست در بیشتر تورنمنت‌های بزرگ بازی کند. این اولین بار است که او در نخستین رقابت‌های گراند اسلم تنیس سال به میدان نمی‌رود.

تونی گودسیک مدیر برنامه‌های فدرر گفته است: بهبود زانوی راجر به دنبال دومین جراحی پیشرفت داشته اما به نظر پزشک او، حضور در دیدارهای گراند اسلم که لازمه آن دوندگی، جهش و پرش مداوم حداقل در سه ست است، برای وی خالی از ریسک نخواهد بود.

نابغه تنیس از سال ۲۰۰۰ بدون وقفه هر سال در این بازی‌ها حاضر بوده و شش بار نیز جام قهرمانی آن را بالای سر برده است. ضمن آنکه عنوان بیست قهرمانی او در بازی‌های گراند اسلم دست نخورده باقی مانده است.

مبارزه‌های تنیس گراند اسلم سالی چهار بار در دنیا در استرالیا، فرانسه، آمریکا و انگلستان برگزار می‌شود.

کریگ تیلی رئیس مسابقات تنیس آزاد استرالیا این هفته گفت: متاسفانه راجر فدرر را امسال نخواهیم داشت و جای او بسیار خالی خواهد بود. اما امیدواریم در سال ۲۰۲۲ باز شاهد بازی‌های دیدنی راجر باشیم.

فدرر پارسال هنگام بازی مقابل نواک جاکوویچ تنیس‌باز ۳۴ساله اهل صربستان و نفر اول رده‌بندی تنیس مردان جهان، در مرحله نیمه نهایی مسابقه‌های گراند اسلم استرالیا دچار لغزش استخوان زانو شد. وی امیدوار است بعد از بهبود زانو در المپیک ۲۰۲۰ ژاپن که قرار است با همین عنوان در سال ۲۰۲۱ برگزار شود حضور پیدا کند.رقابت‌های تنیس گراند اسلم ۲۰۲۱ استرالیا از بیستم ژانویه تا دوم فوریه در مجموعه تنیس ملبورن پارک در شهر ملبورن برگزار می شود.

در مسابقه فینال مسابقات تنیس گراند اسلم استرالیا در سال ۲۰۲۰ در قسمت دختران، سوفیا کنن تنیس‌باز آمریکایی، گاربینه موگاروزا تنیس‌باز اهل اسپانیا را ۴-۶، ۶-۲ و ۶-۲ شکست داد و جام قهرمانی این گراند اسلم را بالای سر برد.

عنوان قهرمانی مردان گراند اسلم ۲۰۲۰ ملبورن نیز نصیب نواک جاکوویچ تنیس‌باز صرب شد. او در دیدار نهایی دومینیک تیم از اتریش را ۶-۴، ۶-۴، ۲-۶، ۶-۳ و ۶ بر ۴ مغلوب کرد.

انتخاب پریا شهریاری از سوی فیفا برای نظارت بر مسابقات فوتبال المپیک ژاپن

گلاره ناظمی

فدراسیون جهانی فوتبال از پریا شهریاری کارشناس بین‌المللی فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی دعوت کرده است به عنوان ناظر برگزاری رقابت‌های فوتبال المپیک ۲۰۲۱ توکیو به ژاپن برود.

بازی‌های المپیک توکیو به دلیل گسترش ویروس کرونا یک سال به تعویق افتاده و در سال ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد.

پری شهریاری در سال‌های اخیر در انجام مسابقات فوتسال جوانان جهان در آرژانتین، جام جهانی فوتبال ساحلی در پاراگوئه، فینال جام ملت‌های فوتبال بانوان آسیا در اردن، مرحله نهایی بازی‌های داخل سالن ترکمنستان، رقابت‌های آسیایی جاکارتا و چندین مسابقه دیگر را نظارت کرده است. اما این نخستین بار است که از فوتبال‌شناس ایرانی برای مشارکت در برگزاری مسابقه‌های المپیک دعوت به عمل می‌آید.

شهریاری ضمن اظهار خوشحالی از انتخاب خود برای نظارت بر بازی‌های فوتبال المپیک ژاپن گفته: در این سال‌ها در برخی تورنمنت‌های آسیایی و جهانی به عنوان ناظر همراه داوران زن کارآزموده ایرانی مانند گلاره ناظمی، انسیه مافی نژاد، مهسا قربانی و مهناز ذکایی حضور داشته‌ام.

او در مورد چگونگی شروع کار خود و ادامه آن توضیح داده: در سال ۲۰۱۴ در امتحانات دوره‌های نظارت کنفدراسیون فوتبال آسیا شرکت کردم و با کسب امتیازات قابل توجه، دیپلم حضور در مسابقات بین‌المللی فوتبال را از سوی AFC دریافت نمودم و به عنوان اولین زن ایرانی ناظر بر رقابت‌های بین‌المللی فوتبال سرگرم کار شدم و به دنبال آن کنفدراسیون فوتبال آسیا از من به عنوان ناظر برگزاری رقابت‌ها دعوت نمود.

وی افزوده: ضمنا علاقه زیاد و تجربه‌ام در فوتبال ساحلی باعث شد از بین ناظران حاضر در مسابقات، نظارت بر بازی فینال جام جهانی را به عهده من بگذارند.نزدیکان پریا شهریاری می‌گویند: اگر او در دورانی که محمد دادکان رئیس فدراسیون فوتبال بود، داوطلب برای پرداختن به چنین حرفه‌ای نمی‌گشت، شاید به او برای پیشرفت و رسیدن به استانداردهای مورد نظر «فیفا» و فدراسیون فوتبال آسیا میدان و فرصت داده نمی‌شد.

پریا می‌گوید: در سال ۱۳۸۲ در خیابان سئول به عنوان تکنیسین «گروه چهار» کار می‌کردم که متوجه یک آگهی روی تابلو اعلانات مقابل ساختمان فدراسیون فوتبال شدم که روی آن نوشته شده بود: فدراسیون فوتبال ایران نیاز به یک ماشین‌نویس مسلط به زبان انگلیسی دارد. داوطلبان در امتحان زبان نیز باید شرکت کنند.

پریا چند ماه بعد از قبول شدن در این آزمون و شروع به کار در فدراسیون فوتبال، طرحی در ۱۸۰ صفحه برای راه‌اندازی فوتبال ساحلی دخترها در ایران به علی کفاشیان رئیس وقت آن فدراسیون ارائه داد.

اگرچه کفاشیان شخصا از او حمایت کرد، اما به شدت نگران مخالفت شدید مکتبی‌ها و حزب‌اللهی‌ها با این برنامه بود که شامل لباس بازی زنان علاقمند به فوتبال ساحلی نیز می‌شد.

کفاشیان به پریا وعده داد که مقامات بالاتر را برای قبول و اجرای این طرح و آغاز فوتبال ساحلی دخترها در ایران آماده کند که این اتفاق نیز افتاد.

کنایه علی کریمی در واکنش به انتقاد احمدی‌نژاد:

شما در هشت سال ریاست جمهوری‌تان برای ایران چه کردید؟

● محمدباقر قالیباف: تحریم‌ها کاغذپاره نبود.

این هفته دو تن از چهره‌های شناخته‌شده در ایران به اظهارات محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری پیشین رژیم جمهوری اسلامی واکنش تند نشان دادند، علی کریمی بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و سردار قالیباف شهردار پیشین تهران و رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی.

احمدی‌نژاد در تمام مدت هشت سالی که رئیس جمهوری اسلامی بود، قبل از مسابقات آسیایی و جهانی به اردوی تیم ملی فوتبال سر می‌زد و با بازیکنان صحبت و برای خودش به اصطلاح تبلیغ می‌کرد.او این هفته در مصاحبه‌ای ضمن اظهار نظر درباره تیم فوتبال ایران و بازیکنان آن گفت: علی کریمی که زمانی به جادوگر فوتبال شهرت داشت، بازیکن موفقی بود اما سرمربی خوبی نبود.

به دنبال اظهارات احمدی‌نژاد، کریمی هم که این روزها به عنوان صاحب نظر در میزگردهای ورزشی و گزارش‌های فوتبال و تجزیه و تحلیل مسابقات در رادیوها و تلویزیون‌ها حضور پیدا می‌کند، در واکنش به سخنان رئیس جمهوری سابق رژیم در صفحه توئیتر خود نوشت: من تنها یکسال سرمربی بودم و این همه مورد نقد قرار می‌گیرم. اما از این انتقادها باکی ندارم. ولی باید از آقای احمدی‌نژاد پرسید شما بفرمایید در هشت سال دوران ریاست جمهوری‌تان برای ایران چه کردید؟

احمدی‌نژاد اصرار داشت در امور فدراسیون فوتبال و بطور کلی فوتبال کشور دخالت کند و به نحوی نقش اجرایی داشته باشد.

به همین دلیل نیز هنگام انتخابات فدراسیون فوتبال کشور، نمایندگان فدراسیون جهانی فوتبال به ایران آمدند و بر نحوه رای‌گیری نظارت کردند زیرا شنیده بودند احمدی‌نژاد می خواسته علی‌آبادی معاون او با حفظ سمت، رئیس فدراسیون فوتبال هم باشد و درواقع اختیارات و مسئولیت فوتبال را به دست گیرد.اما از آنجا که «فیفا» به دخالت دولت‌ها و مقامات دولتی و کشوری در فوتبال کشورها حساسیت زیادی دارد، بر دولتی نبودن این ورزش در همه نقاط دنیا تأکید بسیار جدی می‌کند. تا جایی که اینفانتینو رئیس «فیفا» و همکاران او جمهوری اسلامی را مجبور به تغییر کامل اساسنامه فوتبال ایران و اجازه ورود بانوان برای تماشای مسابقات به استادیوم‌ها کردند.

در همین حال روز چهارشنبه این هفته سردار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی هم در مورد اظهار نظر معروف محمود احمدی‌نژاد که در دوران ریاست جمهوری‌اش گفته بود «تحریم‌های آمریکا بر ایران، کاغذپاره‌ای بیش نیست»، اعتراف کرد: تحریم‌ها کاغذپاره نیست و اثرات سنگینی بر اقتصاد ایران داشته است.

در تمام این سال‌ها، اگرچه دولت‌ها و بطور کلی رژیم جمهوری اسلامی نخواستند به اثرات مهلک تحریم‌ها که عملا اقتصاد کشور را زمینگیر کرده اعتراف کنند و ادعا می‌کردند با «اقتصاد مقاومتی»، تحریم‌ها را شکست می‌دهند ولی عملا نرخ تورم همچنان سیر صعودی طی کرده است.

قالیباف در ادامه صحبت‌هایش اضافه کرد: بسیاری تصور می‌کنند مشکل ایران نداشتن پول یا اعتبارات و عدم فروش نفت است. اما عملا ثابت شده که تحریم کاغذپاره نیست و اثرگذار است.

گلاره ناظمی نامزد دریافت بهترین داور فوتسال ۲۰۲۰ جهان

گلاره ناظمی

● «مادرم همیشه می‌گفت: مگر دختر هم فوتبال بازی می‌کند؟»

گلاره ناظمی داور مسابقات فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی دختران در ایران از سوی فدراسیون فوتبال جهان «فیفا» در فهرست نامزدهای دریافت عنوان برترین داور فوتسال جهان قرار گرفته است.

گلاره در سال ۱۳۶۱ در تهران به دنیا آمده و در رشته بیولوژی تحصیل کرده است. او در هفده سالگی با راهنمایی برادرش «کوپال» از داوران لیگ برتر فوتبال ایران، در کلاس‌های داوری حضور یافته و کار قضاوت را از سال ۱۳۸۰ شروع کرده است.

وی از سال ۲۰۱۴ نیز به عنوان داور بین‌المللی به قضاوت پرداخت و از سال ۲۰۱۵ هم در رده داوران برگزیده جای گرفت.

پدر گلاره والیبال بازی می‌کرد و در مسابقات والیبال باشگاه‌های ایران شرکت داشت.

گلاره می‌گوید: خوشبختانه «فیفا» در مورد حجاب داوران زن حساسیت ندارد و سختگیری نمی‌کند.

بازیکن مورد علاقه گلاره در دوران نوجوانی، یورگن کلینزمن فوتبالیست معروف آلمانی بود. وی می‌گوید: عکس‌های او و دیگر بازیکنان مشهور را به در و دیوار اتاقم چسبانده بودم.

او همچنین گفته: از کودکی فوتبال را دوست داشتم و با بچه‌های محل در کوچه بازی می‌کردیم و یادم هست مادرم همیشه می‌گفت: مگر دختر هم فوتبال بازی می‌کند؟ وقتی با پسرها بازی می‌کردیم، آنها اصرار داشتند من دروازه‌بان باشم. اما در جریان بازی از دروازه بیرون می‌آمدم و به داخل زمین می‌رفتم چون دوست داشتم گل بزنم.

گلاره کار داوری را ابتدا با فوتبال شروع کرد و بعد به قضاوت در مسابقات لیگ برتر فوتسال بانوان پرداخت و به عنوان داور لیگ فوتسال خانم‌ها در ایران مشغول شد. او در این سال‌ها مسابقات فوتسال بازی‌های جنوب شرقی آسیا را سوت زده و در سال ۲۰۱۷ رقابت‌های داخل سالن آسیا را قضاوت کرده است.

وی در زمره داوران فوتسال جام باشگاه‌های مردان جهان در سال ۲۰۱۹ نیز بوده است. گلاره تجربه قضاوت در نخستین دوره جام فوتسال زنان اروپا در سال ۲۰۱۹ در کشور پرتغال را هم دارد.

او در دیدار تیم‌های بارسلون مقابل شنزن چین، نماینده تایلند برابر باشگاه بوکاجونیور آرژانتین و بازی مرحله نهایی میان شنزن چین و منگوس برزیل نیز سوت زده است.

گزارش ویژه؛ «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران»، «میز ایران» و روح‌الله زم؛ حق تعلق صنفی و سیاسی ما به عنوان «روزنامه‌نگار» و انسان ایرانی!

● یکی از مهمترین واکنش‌ها به اعدام روح‌الله زم لغو نشست تجاری اروپا و جمهوری اسلامی در هفته پایانی آذرماه ۹۹ بود. سردبیر دیپلماتیک روزنامه گاردین که قرار بود گرداننده این نشست باشد با انتشار توئیتی اعلام کرد که با «اعدام نفرت‌انگیز روح‌الله زم خبرنگار مخالف حکومت جمهوری اسلامی» حاضر به شرکت در آن نیست.

● در این میان، عدم صدور بیانیه از سوی فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران درباره روح‌الله زم سبب واکنش‌های گسترده‌ای شد. به ویژه پس از پاسخ این نهاد که به اصطلاح «میز ایران» روح‌الله زم را نه «روزنامه‌نگار» بلکه یک «فعال پروپاگاندا» می‌داند!

● مسئولیت «میز ایران» در این فدراسیون با کیست؟ روزنامه‌نگاران و برخی رسانه‌ها چه واکنشی نشان داده‌اند؟ کاربران چه می‌گویند؟ چرا اصلاح‌طلبان روح‌الله زم را زمانی که با سحام‌نیوز کار می‌کرد جزو روزنامه‌نگاران «خودی» می‌دانستند ولی از اعتراضات دی ۹۶ به بعد و حتا پس از اعدام وی نیز عنوان «روزنامه‌نگار» را از وی دریغ می‌کنند حال آنکه خود مصداق کامل «فعال پروپاگاندا» هستند؟!

● یکجایی می‌بایست همانگونه که معترضان در اعتراضات دی ۹۶ با جمهوری اسلامی اتمام حجت کرده و گفتند: «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا»، بر استمرار سیاست‌های رژیم اسلامی و فرقه‌ای جمهوری اسلامی در خارج از کشور، نقطه پایان گذاشت تا به جنبش مردم در داخل نیز یاری رسانده شود.

الاهه بقراط، روشنک آسترکی- اعدام روح‌الله زم روزنامه‌نگار، فعال رسانه‌ای و سیاسی و مؤسس و مدیر کانال تلگرامی «آمدنیوز» که پیش از آن نیز با رسانه‌های داخلی از جمله «سحام‌نیوز» همکاری می‌کرد، با واکنش‌های گسترده‌ی نهادها و سازمان‌های دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر روبرو شد. با اینهمه بر اساس گزارش‌هایی که به تازگی منتشر شده است، آنچه «میز ایران» در فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران نام دارد، روح‌الله زم را روزنامه‌نگار ارزیابی نکرده و با وجود محکوم کردن اعدام وی توسط این نهاد بین‌المللی، اما «میز» مربوطه مانع صدور بیانیه از سوی این نهاد بین‌المللی حامی روزنامه‌نگاران در محکوم کردن اعدام روح‌الله زم به عنوان یک روزنامه‌نگار شدند.

روح‌الله زم که نام «نیما» را بجای «روح‌الله» برای خود انتخاب کرده بود در سال ۱۳۹۰ از کشور خارج شد و به مالزی و ترکیه رفت و سپس در فرانسه پناهنده شد.

افشای بیش از ۶۰ حساب بانکی قوه قضائیه به اسم صادق لاریجانی رئیس پیشین قوه قضائیه نخستین بار توسط زم و کانال خبری «آمدنیوز» منتشر شد.

روح‌الله زم در مهرماه ۹۸ توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به عراق کشانده شد و در آنجا توسط اطلاعات سپاه ربوده و به ایران و زندان منتقل گشت. او طی شش جلسه دادگاه از بهمن ۹۸ تا خرداد ۹۹ با ۱۳ عنوان اتهامی توسط قاضی ابوالقاسم صلواتی محاکمه و در نهایت تیرماه امسال به اعدام محکوم شد.

با وجود اینکه روح‌الله زم برخی اتهامات عنوان شده در پرونده‌اش از جمله «جاسوسی» را رد کرده و با صراحت در دادگاه اعلام کرده بود که صرفاً به کار خبری مشغول بوده است اما درخواست فرجام‌خواهی او نادیده گرفته و حکم اعدام او در دیوان عالی کشور تأیید شد. در بازجویی تلویزیونی که از زم در سیمای جمهوری اسلامی منتشر شد، وی همچنان از اعتراضات مردم دفاع کرد و به بازجوی مربوطه در این اعتراف‌گیری که تظاهرات مردم را «اغتشاش» قلمداد می‌کرد یادآوری کرد که «اعتراض» است و نه «اغتشاش»!

روح‌الله زم پس از آنکه چند بار خبر تأیید حکم اعدام وی در دیوان عالی کشور طرح و تکذیب شد، بامداد روز شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹ بدون اطلاع خود و خانواده‌اش درباره زمان اجرای حکم به دار آویخته شد.

پدر وی حجت‌الاسلام محمدعلی زم که از مقامات فرهنگی جمهوری اسلامی است، تیرماه امسال صدور حکم اعدام برای فرزندش را «غیرقانونی» خواند و اعلام کرد که فرزندش در جریان محاکمه «از ابتدایی‌ترین حقوق خود» محروم مانده بود.

محمدعلی زم افزوده بود که فرزندش در جریان دادگاه «هیچ اختیاری برای دفاع کامل و جامع» از خود نداشته و این حق با «بخشنامه یک مقام قضایی به نفع تحقیقات جانبدارانه ضابطان و بازپرسان سلب گردیده است.»

در این میان سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و صداوسیمای جمهوری اسلامی به خیال خود نهایت استفاده تبلیغاتی را از روح‌الله زم که زندانی و در دست آنها اسیر و گروگان بود کردند و چند «مستند» ویدئویی از زمان بازداشت او در عراق و انتقال به ایران، اعترافات و مصاحبه با علی رضوانی یکی از بازجوخبرنگاران جمهوری اسلامی منتشر کردند بدون آنکه بتوانند در افکار عمومی نسبت به خود مقبولیتی به وجود بیاورند بلکه برعکس! هر چه از این بازجویی‌های تبلیغاتی در سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود، به خشم و انزجار مخاطبان نسبت به رژیم بیشتر دامن می‌زند. حتا دو روز پیش از اجرای حکم اعدام زم نیز به اصطلاح «مستند» دیگری پخش شد که بر اساس گفته روح‌الله زم به پدرش در آخرین دیدارشان (۱۲ ساعت پیش از اعدام) این «مستند» توسط سازمان حفاظت اطلاعات قوه قضائیه تهیه و ضبط شده است.

بسیاری از نهادهای حقوق‌بشری و حامیان روزنامه‌نگاران و آزادی بیان، ربودن زم از عراق، اعتراف‌گیری تلویزیونی و صدور حکم اعدام برای روح‌الله زم را در اعتراضاتی گسترده محکوم کرده بودند و حتی این احتمال مطرح شده بود که به دلیل پناهندگی روح‌الله زم در فرانسه، جمهوری اسلامی شاید بخواهد وی را با مقامات سرکوبگر و تروریست خود که در کشورهای دیگر گرفتار آمده‌اند، مانند حمید نوری در سوئد و اسدالله اسدی در بلژیک معاوضه کند.

واکنش‌ها به اعدام از نهادهای مدافع حقوق بشر تا سردبیر دیپلماتیک روزنامه گاردین

پس از اعدام روح‌الله زم نیز سازمان‌های حقوق‌بشری زیادی واکنش نشان داده و اقدام غیرانسانی جمهوری اسلامی را محکوم کردند. گزارشگران بدون مرز، کانون نویسندگان ایران، انجمن قلم آلمان از جمله نهادها و سازمان‌هایی بودند که علیه اعدام زم واکنش نشان دادند.

همچنین تعدادی از مقامات سیاسی در دنیا از جمله جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، مایک پمپئو وزیر امور خارجه ایالات متحده، جک سالیوان مشاور امنیت ملی کابینه جو بایدن و تئو فرانکن نماینده پارلمان بلژیک اعدام روح‌الله زم را محکوم کردند.

یکی از مهمترین واکنش‌ها به اعدام روح‌الله زم لغو نشست تجاری اروپا و جمهوری اسلامی در هفته پایانی آذرماه ۹۹ بود که بیش از ۳۰۰۰ نفر از ۴۰ کشور برای شرکت در آن که قرار بود به صورت آنلاین برگزار شود، ثبت‌نام کرده و سفرای فرانسه، ایتالیا، اتریش و آلمان در تهران، جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و محمد جواد ظریف از سخنرانان آن بودند.

لغو این نشست پس از آن صورت گرفت که پاتریک وینتور سردبیر دیپلماتیک روزنامه گاردین که قرار بود مجری و گرداننده این نشست باشد، از این کار کنار کشید و با انتشار توئیتی اعلام کرد که علت این کناره‌گیری «اعدام نفرت‌انگیز روح‌الله زم خبرنگار مخالف حکومت جمهوری اسلامی» است.

وی نوشت: «جهت اطلاع علاقمندان: پس از اعدام نفرت‌انگیز روح‌الله زم روزنامه‌نگار توسط [رژیم] ایران، من گفتگوی فردا با نمایندگان اعزامی اتحادیه اروپا به تهران درباره روابط اقتصادی با ایران را مدیریت نمی‌کنم. بر این باورم که گفتگوی نمایندگان در مورد چگونگی روابط اقتصادی [با ایران] باید مشروط به احترام به حقوق بشر باشد.»

در همین ارتباط، وزارت خارجه فرانسه نیز در توئیتی دلیل لغو این نشست را اعدام «روح‌الله زم روزنامه‌نگار» اعلام کرد و نوشت: «در پی اعدام وحشیانه و غیرقابل قبول روح‌الله زم روزنامه‌نگار، کشور فرانسه در کنار آلمان، اتریش و ایتالیا حضور سفیر خود را در جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در نشست تجاری ۱۴ دسامبر لغو می‌کند.»

در این میان، عدم صدور بیانیه از سوی فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران (IFJ) که ظاهرا نهاد صنفی بین‌المللی در دفاع از حقوق طیف وسیع روزنامه‌نگاران و خبرنگاران جهان است درباره روح‌الله زم سبب واکنش‌های گسترده‌ای شد. به ویژه پاسخ این نهاد که به اصطلاح «میز ایران» روح‌الله زم را نه «روزنامه‌نگار» بلکه یک «فعال پروپاگاندا» می‌داند، این موضوع را به یکی از اصلی‌ترین بحث‌های توئیتر فارسی در روزهای اخیر تبدیل کرده است.

ماجرا از پرسشی آغاز شد که کامبیز غفوری روزنامه‌نگار در صفحه توئیترش منتشر کرد: «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران از صدور بیانیه محکومیت اعدام روح‌الله زم خودداری کرد. فدراسیون در پاسخ به همکارانم در اسکاندیناوی، گفت بخش فارسی، روزنامه‌نگار بودن زم را تایید نکرده و او را فعال پروپاگاندا نامیده. لاجرم عمومی می‌پرسم: داستان چیست همکاران؟»

این پرسش بلافاصله مورد توجه وسیع کاربران قرار گرفت و موجی از واکنش‌های حمایت از حقوق صنفی فردی را برانگیخت که در دوران حیات خود در عرصه‌ی خبرنگاری و روزنامه‌نگاری به فعالیت مشغول بوده و به همین دلیل نیز ربوده و زندانی و اعدام شده است!

کاربران شبکه‌های اجتماعی به اصطلاح «میز ایران» در فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران را مسئول «روزنامه‌نگار» ندانستن روح‌الله زم می‌دانند چرا که زم به باور آنها علیه جمهوری اسلامی افشاگری می‌کرده و «میز ایران» به دلیل وابستگی به رژیم ایران حاضر نیست وی را روزنامه‌نگار معرفی کند تا چنین قلمداد نشود که جمهوری اسلامی یک «روزنامه‌نگار» را اعدام کرده است! حال آنکه این موضوع، نقشی در سرنوشت زم و همچنین پرونده‌های سنگین جنایات و تباهکاری‌های جمهوری اسلامی بازی نمی‌کند!

پس آیا موضوع بر سر نداشتن یک «روزنامه‌نگار اعدامی» مخالف و افشاگر جمهوری اسلامی در میان «خودی»های نهادیست که بند ناف آن به اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی وابسته است؟!

مسئول «میز ایران» فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران کیست؟

«میز ایران» فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در کشور بلژیک مستقر است و مدیریت و سردبیر آن حنیف مزروعی فرزند رجبعلی مزروعی از مقامات سابق جمهوری اسلامی است.

رجبعلی مزروعی از ابتدای انقلاب عناوین و مسئولیت‌های حکومتی زیادی در جمهوری اسلامی داشته و در کنار «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» از مؤسسان حزب «جبهه مشارکت ایران اسلامی» به عنوان نخستین حزب اصلاح‌طلبان ایران نیز هست. رجبعلی مزروعی جدا از مسئولیت‌های اجرایی و نمایندگی دوره ششم مجلس شورای اسلامی در حوزه مطبوعاتی در نظام هم فعال بوده. او از جمله معاون مدیرکل اداره مطبوعات و رسانه‌های خارجی (۱۳۶۸–۱۳۷۰)، مدیرکل مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (۱۳۷۰–۱۳۷۱) و مشاور مدیرکل مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (۱۳۷۱–۱۳۷۴) و همچنین عضو هیئت مدیره «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» بود.

رجبعلی مزروعی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به همراه خانواده‌اش از ایران به بلژیک رفت و مقیم این کشور شد. حنیف مزروعی که پیشتر در ایران سردبیر وبسایت «جبهه مشارکت» بود و در برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب مطلب می‌نوشت، با خروج از ایران وبسایت «ندای سبز آزادی» را راه‌اندازی کرد. این وبسایت مدت زیادی دوام نیاورد و تعطیل شد اما بلافاصله نام حنیف مزروعی به عنوان مسئول «میز ایران» فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران مطرح شد که از پدرش دریافت کرد. او در حال حاضر روزنامه‌نگار و تحلیلگر شبکه بی‌بی‌سی فارسی نیز هست.

حمایت از «فعال پروپاگاندا»ی جمهوری اسلامی

یکی از انتقادهایی که به «میز ایران» فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران می‌شود اینست که با «فعال پروپاگاندا» خواندن روح‌الله زم از صدور بیانیه برای او دریغ کرده اما برای مرضیه هاشمی خبرنگار پرس‌تی‌وی که یکی از سیماهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی در خارج کشور بوده، بیانیه صادر کرده است.

ملانی ایوت فرانکلین با نام مستعار «مرضیه هاشمی» روزنامه‌نگار پرس‌تی‌وی (رسانه انگلیسی‌زبان و برون‌مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی) هنگام ورود به ایالات متحده برای ۱۱ روز بازداشت و سپس آزاد شد.

مقام‌های قضایی آمریکا اعلام کرده بودند که هیچ اتهامی بطور مستقیم متوجه مرضیه هاشمی نیست بلکه او به عنوان «شاهد»، بایستی در یک پرونده قضایی مربوط به فعالیت‌های رسانه‌ای حکومت ایران در ایالات متحده شهادت بدهد.

این خبرنگار پس از آزادی به ایران بازگشت و در مراسمی مورد استقبال مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت. حتا غلامعلی حداد عادل عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رؤسای صداوسیمای جمهوری اسلامی در مراسم استقبال او در فرودگاه حاضر شدند.

پس از بازداشت مرضیه هاشمی در آمریکا، بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با محکوم کردن بازداشت این کارمند صداوسیما در ادعای مضحکی گفته بود آمریکا به کشور خطرناکی برای خبرنگاران تبدیل شده است!

همزمان «میز ایران» فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران به بازداشت مرضیه هاشمی به عنوان «روزنامه‌نگار» واکنش نشان داد و خواستار «توضیح» ایالات متحده شد. در توئیت منتشر شده از سوی بخش فارسی فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران آمده بود: «روزنامه‌نگار شاغل در شبکه پرس‌تی‌وی ایران بدون هیچ توضیحی در خصوص اتهام‌اش در ایالات متحده آمریکا دستگیر شده است. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران با اعلام نگرانی نسبت به این بازداشت، از مقامات آمریکا می‌خواهد در این خصوص توضیح دهند.»

کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیتر با یادآوری اینکه فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگار که خود را «مروج معیارهای اخلاق روزنامه‌نگاری» و «حامی آزادی و حقوق روزنامه‌نگاران در سراسر جهان» می‌داند، بر اساس چه معیاری ملانی ایوت فرانکلین با نام مستعار «مرضیه هاشمی» را که کارمند رسمی پرس‌تی‌وی، یکی از رسانه‌های پروپاگاندای جمهوری اسلامی است، «فعال پروپاگاندا» ارزیابی نکرده اما روح‌الله زم را که به خبررسانی می‌پرداخته و از جمله افشاگر بیش از شصت حساب بانکی صادق لاریجانی رئیس پیشین قوه قضائیه بوده، «فعال پروپاگاندا» می‌خواند تا مانع صدور بیانیه در محکوم کردن حکم اعدام او شود؟!

قابل توجه است که محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز روح‌الله زم را خبرنگار نمی‌داند! او به تازگی در گفتگو با تلویزیون «طلوع» افغانستان به لطف‌الله نجفی‌زاده که با وی مصاحبه کرده است گفته که فعالیت زم روزنامه‌نگاری نبود!

آیا واقعا روح‌الله زم روزنامه‌نگار نبود؟!

«میز ایران» با مسئولیت حنیف مزروعی در فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در حالی روح‌الله زم را پس از اعدام وی روزنامه‌نگار ارزیابی نکرده است که زم با پیشینه‌ی فعالیت خبری در «سحام‌نیوز»، پس از خروج از کشور با تأسیس رسانه «آمدنیوز» («آمد» ساخته شده از حروف اول آگاهی و مبارزه و دمکراسی) وبسایت و کانال تلگرامی این رسانه را نیز همزمان به راه انداخت. اما بعدها وبسایت «آمدنیوز» تعطیل شد و فعالیت این رسانه و روح‌الله زم از طریق کانال تلگرامی و حضور زم به عنوان خبرنگار در گفتگوهای تلویزیونی ادامه پیدا کرد.

کانال خبری «آمدنیوز» در کنار اطلاع‌رسانی و انتشار اطلاعات و ضداطلاعات، از یکسو به حدس و گمان درباره ارتباطات زم با محافل اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی دامن می‌زد (نکته‌ای که خود وی نیز در لفافه آن را پنهان نمی‌کرد) و از سوی دیگر به دلیل انتشار برخی خبرهای «پشت پرده» از جمله فساد صادق آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضائیه و پرونده فساد اخلاقی و آزارهای جنسی کودکان توسط سعید طوسی قاری قرآن نزدیک به «بیت رهبری» و علی خامنه‌ای مورد توجه قرار گرفت و بیش از یک میلیون مخاطب جذب کرد.

روح‌الله زم اما، همانگونه که در بالا اشاره شد، صرف نظر از اینکه روش خبررسانی و خبرنگاری وی مورد پسند باشد یا نباشد، پیشتر نیز به عنوان روزنامه‌نگار فعالیت می‌کرد. او در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ با ستاد مهدی کروبی و وبسایت «سحام نیوز» همکاری می‌کرد. این موضوع روز گذشته از سوی مسئولان «سحام نیوز» در اکانت توئیتر این رسانه که وبسایت آن دیگر فعال نیست، مورد تأیید قرار گرفته است: «بنا به درخواست و پرسش برخی از فعالین و روزنامه‌نگاران پیرامون فعالیت آقای روح‌الله زم در این رسانه، تأیید می‌شود که ایشان به عنوان عضوی از این مجموعه طی دوره حضور، در نگارش خبر، تهیه گزارش و محتوا و انجام مصاحبه با سایت سحام همکاری داشته‌اند.»

مهدی پرپنچی روزنامه‌نگار نیز با انتشار توئیتی از همکاری چهار ساله روح‌الله زم با وبسایت «سحام نیوز» خبر داده و تأکید کرده مدیر «میز ایران» فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران از فعالیت‌های رسانه‌ای زم کاملاً آگاهی داشته است.

عقب‌نشینی ناکافی فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران

با وجود واکنش‌های زیادی که در توئیتر نسبت به «روزنامه‌نگار» ندانستن روح‌الله زم و عدم صدور بیانیه در محکومیت اعدام وی به عنوان روزنامه‌نگار صورت گرفته است، این نهاد با برداشتن یک گام به عقب بیانیه‌ای در محکومیت اعدام زم صادر کرده اما همزمان تأکید کرده است که او روزنامه‌نگار نبوده است!

در این بیانیه آمده که «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران با اشاره به سابقه این نهاد در محکوم کردن دستگیری، اعدام و شکنجه روزنامه‌نگاران و فعالان شبکه‌های اجتماعی، اعدام روح‌الله زم را یک «جنایت وحشتناک» خوانده و حکومت ایران را به عنوان «مسئول» آن محکوم می‌کند. با این حال، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران باید یادآوری کند که بر اساس قوانین این نهاد، مدیران رسانه‌های اجتماعی به عنوان روزنامه‌نگار شناخته نمی‌شوند و روح‌الله زم نیز مدیر «محترم» یک کانال رسانه اجتماعی بوده است.»

این بیانیه در ادامه می‌افزاید: «فدراسیون به نایب رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران که روزنامه‌نگار نبودن روح‌الله زم را تأیید کرده ارجاع داده و اعلام می‌کند با توصیه این نهاد وابسته به فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، مدیر کانال تلگرامی «آمدنیوز» را روزنامه‌نگار اطلاق نمی‌کند. فدراسیون از لحظه دستگیری روح‌الله زم، پرونده وی را دنبال کرده و چندین بار در مذاکرات داخلی فدراسیون آن را مورد بحث قرار داده است و با ادای احترام به فعالیت‌های خبری روح‌الله زم در رسانه‌های اجتماعی، وی را مدیر کانال رسانه اجتماعی اطلاق می‌کند.»

در پایان هم بار دیگر بر روزنامه‌نگار نبودن زم تأکید شده و معلوم نیست بر اساس کدام معیار به برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور «اقتدا» می‌کند آنهم بدون آنکه نظر آنها را بپرسد چرا که این ادعا نیز مورد اعتراض برخی از این رسانه‌ها قرار گرفته است: «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران اشاره می‌کند رسانه‌های فارسی‌زبان مانند یورونیوز فارسی، ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی، رادیو فردا و دیگر رسانه‌ها مثل لوموند و دویچه‌وله در بیشتر گزارش‌هایشان روح‌الله زم را روزنامه‌نگار خطاب قرار نمی‌دهند و مدیر کانال تلگرام می‌دانند.»

این بیانیه موج دیگری از اعتراض مخاطبان را برانگیخت و برخی رسانه‌های فارسی‌زبان نیز به آن واکنش نشان دادند. اکانت توئیتری رادیو فردا و ایران اینترنشنال که از آنها در بیانیه «میز ایران» این فدراسیون نام برده شده، اعلام کردند که روح‌الله زم را روزنامه‌نگار می‌دانند.

ادامه در صفحه ۱۷

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۰۱)

بازنشر

(کیهان لندن شماره ۱۳۸۲)

احمد احـرار

از سوی دیگر، با افزایش قدرت سردار سپه، میدان عمل مخالفان وی ـ به‌ویژه اقلیت مجلس ـ هرروز محدودتر می‌شد. «بهار» در این باره می‌نویسد «بطور خلاصه می‌گویم که ما چند تن ایرانی در شدیدترین وضعی گیر افتاده بودیم. رئیس نظمیه که مردی معلوم‌الحال و جفاکار و گزافه‌گوی بود، دشمنی مستقیم با مرحوم مدرس و من ابراز می‌داشت و از هیچ عداوت و دشمنی فروگذار نمی‌کرد... جراید اقلیت همه بسته بود. رفقای ما را از دم درب مجلس گرفته به محبس می‌بردند. هرکس به خانهٔ ما می‌آمد او را به نظمیه برده از او استنطاق می‌کردند که چرا آنجا رفته‌ای و آنها را حبس می‌کردند. نطقهای ما را جراید اکثریت طبع نمی‌کردند... حکومت نظامی که به‌بهانهٔ واقعهٔ ماژور ایمبری بر سر پا شد، دیگر زمام قدرت را رها نکرد و به کار خود ادامه داد. سانسور مطبوعات روز به‌روز محکمتر می‌شد. جراید اقلیت به‌تدریج بعضی به‌راه افتادند و برخی در محاق تعطیل فرو ماندند. در جراید اکثریت هم مداخلات سانسور و شهربانی عمل می‌کرد و بالاخره فشار به اقلیت از هرسو روزافزون بود...»

تنها نقطهٔ امید اقلیت در این شرایط، بازگشت شاه از سفر اروپا بود. اما قضیهٔ خوزستان و بازگشت فاتحانهٔ سردار سپه از این سفر، بار دیگر احمدشاه را برای مراجعت به کشور دو دل ساخته بود. رحیم‌زادهٔ صفوی که پیام اقلیت را برای شاه برده بود، در «راپورت» محرمانهٔ خود از پاریس نوشت «بالاخره شاه راضی به مراجعت شده است و تلگراف هم کرده است. اما درست سه ماه از این وعده می‌گذرد، وعده‌اش بیست‌روزه بود. دربارهٔ آقایان «واو» و «ق» دستور داده بودید. چند جلسه با این آقایان راجع به اوضاع و لزوم اقداماتی صحبت کردم. این آقایان مثل شاه چنان مستسبع شده‌اند و از سردار سپه می‌ترسند که نمی‌توانند حرکتی کنند. آب و هوا و زندگانی منظم و راحت و پر تفریح و بی‌خطر اروپا ممکن نیست در قوی‌ترین مزاجها اثر نکند و از طرفی تفاوت عظیم آبادی و تمدن امکان ندارد جوانترین مردم را از ایران مأیوس نکند... باری، «و» بکلی از میان رفته و ابداً میل ندارد زندگی راحت اینجا را ترک گوید. اما «ق» این طور نیست و هنوز آنقدرها متأثر نشده و نهایت میل را به معاودت دارد. حتی اگر بداند که خطری برایش نیست حاضر است بیاید و در خانه‌اش بیکار بنشیند (مقصود از «و» و «ق» ظاهراً وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه است) در اینجا این آقایان بکلی دور از سیاست بوده و مصدر هیچ چیز نیستند. آن طوری که گمان می‌کردم نزدیکی خطر، شاه و رجال را در اروپا به هم نزدیک کرده باشد، بکلی اشتباه بود. اینها ماهی دو بار هم به‌ندرت همدیگر را می‌دیدند. شاه ابداً عادت به مشورت ندارد. اطمینانی هم به هم ندارند. شکایت «ق» و «و» هم همین بود. حتی ممتازالسلطنه (عبدالصمدخان، سفیر ایران در فرانسه) که صمیمی‌ترین خدّام شاه است و شبانه‌روز میل دارد برای شاه بدود، دستش روی دست مانده زیرا فریاد می‌کند که شاه چیزی به من نمی‌گوید و شور نمی‌کند، وقتی هم که خیلی کارش سخت می‌شود سر مطلب را به یکی و تهش را به دیگری و وسطش را به سومی می‌گوید. البته هیچکس نمی‌تواند در چنین موردی اظهار عقیده کند.

شاه با «ق» خیلی بهتر از «و» است یعنی بیشتر یکدیگر را ملاقات می‌کنند، مع‌هذا او هم شکایتش همین بود.

شاه بعد از وفات پدرش مدتی به «سن‌رمو» رفته بود، حالا برگشته و باز هم وعدهٔ آمدن به ایران می‌دهد، ولی بی‌نتیجه است زیرا اگر می‌خواست بیاید، مادرش را با کسانش می‌فرستاد. به سلطنت علاقه دارد، اما به‌قدری راحت‌طلب و جبان شده است که حد ندارد. زندگی در اروپا این حالت را شدت داده، خیلی مردد است، ابداً عزم و اراده در او نمانده است. نسبت به همه کس سوءظن دارد، وقتی حرفی صریح و راست می‌شنود تعجب می‌کند. اخیراً به او راپورت داده‌اند که شاهزادگان درجهٔ اول و رفقای ما همه برای پادشاهی برادرش (محمدحسن میرزا ولیعهد) سعی می‌کنند. این است که یکباره به هراس افتاده و کار حضرت فیل است که او را اطمینان بدهد. معلوم نیست کدام مفسد این خیال را در مغز این بیچاره فرو کرده است و یا از مرکز به او نوشته‌اند. بدتر از همه اطرافیانش هستند که واقعاً معنای درباری را حائزند... دو خونسرد و دو مردهٔ متحرک حسابی هستند. بله، بله! خیر، خیر! صحیح می‌فرمایید! اینها دایرهٔ منشیگری خاصهٔ وزارت دربار شهریاری را تشکیل می‌دهند. یک ذره فکر سیاسی، یک سر سوزن اراده و عقیده و تجدد فکری و حتی انشاء و املاء و ادب و تاریخ از آن سو نمی‌گذرد. جز سکون و آرامش و خلوت بودن دور و بر و پس‌انداز کردن چیز دیگری سرشان نمی‌شود.

اما از سایر رجال، کسی که در این حدود مابین رجال وجودش مثمر ثمری می‌تواند باشد فقط ممتازالسلطنه است که علاوه بر قدرت و نفوذی که در دوایر فرانسه و طبقات عالیهٔ اینجا دارد، شخصاً هم سرش برای بازیهای سیاسی و کار درد می‌کند و فکرش هم لایق است، اما جای افسوس است که از طرفی عداوت

عبدالصمدخان ممتازالسلطنه

نصرت‌الدوله (فیروز) با این مرد، خرابش کرده و از طرف دیگر خاطر ولیعهد را نسبت به او مکدر کرده‌اند و سعی دارد توجه ولیعهد را به سوی خود جلب کند.

شاه مایل است بیاید به ایران، زیرا وقتی پیشنهاد شد که اگر اجازه بدهند مقالاتی در جراید فرانسه و سویس نوشته شود، مخالفت کرد و گفت هرچه بنویسید چون ما باید برویم به ایران طبعاً اسباب تاریکی مناسبات (با رئیس‌الوزرا) خواهد شد و بهانهٔ ضدیت به‌دست سردار سپه می‌دهد، تأمل کنید تا کار دشمنی یا دوستی ما معلوم شود... به‌واسطهٔ سوءظن زیادی که شاه دارد به ممتاز سپرده بود که مواظب من باشد. من هم چون تذکرهٔ سیاسی ندارم طبعاً داخل هر اقدامی که می‌شدم قبلا معرفی مرا از سفارت می‌پرسیدند و یک جواب منفی «نمی‌شناسیم» کافی بود که بر زمین خشکم بزنند. من از وضع حرف زدن شاه و اشکالتراشی‌های اطرافیان تا آخر سوره را خواندم و دست تنها مشغول شده‌ام. از طریق آشنایی با بعضی از اعضای کتابخانهٔ ملی و سوربن آرام آرام پیش می‌روم...»

سیروس غنی در «ایران، برآمدن رضاشاه» می‌نویسد «در ابتدای تابستان حال و هوا چنان می‌نمود که مردم خواستار آمدن شاه و ادامهٔ سلطنت او می‌باشند. به هر تقدیر، گردش امور با پادشاهی غایب و بی‌اعتنا به سرنوشت کشور هرروز دشوارتر می‌شد. اگر احمدشاه پس از ناکامی جنبش جمهوری به وطن برگشته بود پادشاهی‌اش مصون می‌ماند. اکنون هرچه بیشتر پا به‌پا می‌کرد پایه‌های تختش لرزانتر می‌شد. شاه با تماس و آلوده کردن خود در دسیسه‌های شیخ خزعل در دی‌ماه ۱۳۰۳ مقدار زیادی از حیثیت خود را ازدست داده بود. برعکس، رضاخان که یکه و تنها، نوکر منفور اجنبی را سر جای خود نشانده بود، حالا غرق نصرت و پیروزی بود. هرروز بیشتر آشکار می‌شد که تا قدرت در دست رضاخان است احمدشاه برنمی‌گردد. شاه گذشت زمان را به‌نفع خود می‌پنداشت. با رضاخان جنگ فرسایشی می‌کرد و امیدوار بود به‌نحوی او را کنار بزند. حتی لورین با همهٔ همدردی و دلسوزی‌اش، داشت مأیوس می‌شد. در گزارش خود به چمبرلین (وزیر امور خارجه دولت جدید انگلستان) نوشت امتناع شاه از بازگشت، یکی از حقارت‌آمیزترین کارهایی است که می‌توان تصور کرد.»

حاتم‌بخشی «حاج قاسم» از جیب «ایران» برای «هم غزه هم لبنان»!

● محمود الزهار عضو بلندپایه حماس: احمدی‌نژاد مرا به قاسم سلیمانی ارجاع داد. در فرودگاه مبلغ ۲۲ میلیون دلار پول نقد در چند کیف دیدم. توافق ما پول بیشتری بود، اما چون ۹ نفر بودیم و هر ساک ۴۰ کیلو گنجایش داشت و نمی‌توانستیم بیشتر حمل کنیم فقط ۲۲ میلیون دلار گرفتیم!

● توئیتر منسوب به وزارت خارجه اسرائیل با انتشار کارتونی از ظریف و اسد نوشت «چمدان‌های ۴۰ کیلویی دلار فقط توسط تروریست سلیمانی اعطا نمی‌شد. دستگاه دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی نیز در آن نقش دارد».

● تیرماه سال ۱۳۷۸ خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس دریافت کمک از ایران را تکذیب کرده بود.

● بهمن سال ۱۳۹۷ ظریف در یک سخنرانی گفت «ما به مقاومت مردم عراق، سوریه و لبنان افتخار می‌کنیم. ما به مقاومت فلسطین افتخار می‌کنیم. ما افتخار می‌کنیم که به خاطر فلسطین تحت فشاریم!»

● محمدعطریانفر فعال سیاسی اصلاح طلب می‌گفت «شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران چرندیات است... ما باید حتماً هزینه حزب‌الله را بدهیم.

● حسن نصرالله به «المیادین» گفت «برای حضور در جنگ سوریه روسیه مُردد بود... حاج قاسم به مسکو رفت و دو ساعت در حضور برخی از ژنرال‌های امنیتی روسیه، با پوتین مذاکره کرد».

● بیهوده نیست که مردم در نخستین اعتراضات خود پس از جنبش ۸۸ شعار می‌دهند: نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران! جمهوری اسلامی اما نه تنها هم غزه و هم لبنان را بر ایران ترجیح می‌دهد، بلکه سوریه را نیز بر آنها افزود! مردم نیز در مقابل فریاد می‌زنند: «سوریه را رها کن! فکری به حال ما کن!»

به مناسبت اولین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و ابومهدی المهندس از فرماندهان حشدالشعبی در حوالی فرودگاه بغداد که هشتم دی‌ماه سال ۱۳۹۸ در حمله پهپادی آمریکا از بین رفتند، تعدادی از افراد جریان «مقاومت» که با سلیمانی همکاری داشتند درباره خصوصیات فردی و عملکرد او با رسانه‌های وابسته به رژیم ایران گفتگو کرده‌اند که حواشی آنها مهمتر از متن است.

محمود الزهار وزیر خارجه پیشین فلسطین و عضو ارشد حماس در مصاحبه با شبکه عربی زبان «العالم» وابسته به جمهوری اسلامی گفت که پس از اولین دیدارش با قاسم سلیمانی ۲۲ میلیون دلار دریافت کرده آنهم در چمدان‌هایی که دیگر جا نداشتند!

او گفت پس از گرفتن پست وزارت خارجه در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵ خورشیدی) در رأس یک هیئت «به چند کشور از جمله ایران آمدم و با وزیر امورخارجه و چندین مسئول ایرانی دیدار داشتم که آخرین دیدار نیز با قاسم سلیمانی بود.»

الزهار روایت می‌کند «در سفر به ایران با محمود احمدی‌نژاد دیدار داشتم و درخواست‌هایی داشتم که او مرا به قاسم سلیمانی ارجاع داد.»

محمود الزهار افزود، «به سلیمانی گفتم مشکل اساسی ما حقوق کارمندان و خدمات اجتماعی و کمک‌هایی است که باید به مردم بدهیم. چون آن زمان فلسطین در محاصره بود. سریعاً تصمیم‌گیری شد چون باید روز بعد سفر می‌کردم. در فرودگاه مبلغ ۲۲ میلیون دلار پول نقد در چند کیف دیدم. توافق ما پول بیشتری بود، اما چون ۹ نفر بودیم و هر ساک ۴۰ کیلو گنجایش داشت و نمی‌توانستیم بیشتر حمل کنیم فقط ۲۲ میلیون دلار گرفتیم!»

توئیتر منسوب به وزارت خارجه اسرائیل در واکنش به این مصاحبه با انتشار کارتونی از محمدجواد ظریف و بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه نوشت «چمدان‌های ۴۰ کیلویی دلار فقط توسط تروریست سلیمانی اعطا نمی‌شد. دستگاه دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی نیز در آن نقش دارد.»

اینکه در یک رسانه وابسته به جمهوری اسلامی چنین واضح از کمک‌های مالی رژیم ایران به شبه‌نظامیان منطقه پرداخته شود کم‌سابقه است.

تیرماه سال ۱۳۷۸ خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس دریافت کمک از جمهوری اسلامی ایران را تکذیب کرده بود.

این در حالیست که حاتم‌بخشی‌های جمهوری اسلامی به فلسطین و حماس محدود نمی‌شود. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه عضو پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اردیبهشت ۱۳۹۹ اما در یک مصاحبه گفت، ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار به سوریه پول دادیم و باید پس بگیریم!

علی شکوری‌راد دبیرکل حزب اصلاح‌طلب «اتحاد ملّت» که اخیراً به خاطر بیماری سرطان مسئولیت‌هایش را به معاونش آذر منصوری واگذار کرده در اسفند ۱۳۹۵ در یک مصاحبه هشدار داده بود «چنانچه بشار اسد از قدرت برکنار شود، ما جایگاه و پایگاهی در سوریه نداریم و هزینه‌های ما سوخت می‌شود، اگر چه تا کنون حاصل هزینه‌ها حفظ بشار اسد بوده، اما بقای آن نامشخص است.»

یادآوری می‌شود که بنا بر شواهد انکارناپذیر، اصلاح‌طلبان نیز در خالی کردن جیب ملت و مملکت توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پرداخت پول‌های بی‌حساب و کتاب به لبنان و یمن و فلسطین شریک پاسداران هستند. محمدعطریانفر فعال سیاسی اصلاح‌طلب مانند بسیاری از مشابهانش که اساسا منکر شعار مردم در اعتراضات پس از «جنبش سبز ۸۸» شده بودند، مجبور به شنیدنش شد ولی گفت که «شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران چرندیات است... ما باید حتماً هزینه حزب‌الله را بدهیم.»

حالا افشای کمک ۲۲میلیون دلاری قاسم سلیمانی به حماس از جیب مردم آنهم در سالگرد کشته شدن او احتمالا تصادفی نیست چرا که پخش چنین برنامه‌هایی از رسانه‌های وابسته به رژیم با نظارت همراه است و از چند فیلتر عبور می‌کند. پخش چنین موضوعی آنهم در شرایطی که مردم در تنگنای اقتصادی بسر می‌برند و به شدت درباره مسائل مالی و فسادهای اقتصادی زمامداران رژیم از همه جناحین حساسیت دارند، به سود چه کسانی می‌تواند باشد؟!

هم جریان انقلابی و هم اصلاح‌طلبان، که البته اینان نیز به انقلابشان وفادار و دوقلوی انقلابیون هستند، تلاش زیادی می‌کنند تا قاسم سلیمانی را به عنوان «سردار ملی» قلمداد کنند.

اما حالا با چنین اعتراف آشکاری در مورد پرداخت میلیون‌ها دلار پول به «هم غزه و هم لبنان» چیزی از حیثیت ساختگی «سردار ملی» باقی نمی‌گذارد و چهره‌ی واقعی وی را به عنوان «سردار اسلام» که نه برای حفظ مرزهای ملی» بلکه برای صدور انقلاب اسلامی و کشورگشایی عقیدتی تلاش می‌کرده، به نمایش می‌گذارد.

یک فقره دیگر از حاتم‌بخشی‌های سلیمانی در جریان درگیری او با تیم احمدی‌نژاد افشا شد. سازمان حفاظت اطلاعات سپاه حمید بقایی معاون احمدی‌نژاد را متهم به اختلاس در سه میلیون و ۷۶۶ هزار یورو و همچنین ۵۹۰ هزار دلار پولی کرده بود که سپاه پاسداران برای امور مربوط به کشورهای آفریقایی اختصاص داده بود.

محمود احمدی‌نژاد با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به قاسم سلیمانی خواسته بود او درباره حمید بقایی سکوت نکند. احمدی‌نژاد همچنین تهدید کرد «مراودات کاری» میان خود و سلیمانی را منتشر می‌کند.

حمایت محمدباقر قالیباف از قاسم سلیمانی

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه نهم دی (یک روز پس از پخش صحبت‌های الزهار در العالم) در نطق پیش از دستور مجلس درباره سلیمانی صحبت کرد و گفت، «باید مسیر حاج قاسم را ادامه دهیم!» در حالی که شمار زیادی از کاربران در توییتر اعتراض کرده‌اند که چرا پول‌هایی را که مردم ایران به آن نیاز دارند سلیمانی به حماس داده، قالیباف گفته است «زندگی حاج قاسم سلیمانی، بارزترین نماد فداکاری در راه آرمان‌های انسانی است!»

در بهمن سال ۱۳۹۷ نیز محمدجواد ظریف در یک سخنرانی گفت «ما به مقاومت مردم عراق، سوریه و لبنان افتخار می‌کنیم. ما به مقاومت فلسطین افتخار می‌کنیم. ما افتخار می‌کنیم که به خاطر فلسطین تحت فشاریم!»

مصاحبه حسن نصرالله با «شبکه المیادین» درباره سلیمانی

حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز به مناسبت سالگرد کشته شدن سلیمانی با شبکه «المیادین» وابسته به جمهوری اسلامی مصاحبه کرد و او را فردی با «ویژگی‌های منحصر» و «متواضع و ساده» خواند که قلبی بسیار رئوف و مهربان داشت، اما در عین حال «مَرد میدان و عمل و تاکتیک و مبارزات جنگی بود و خسته هم نمی‌شد.»

نصرالله در این مصاحبه اسرائیل را تهدید کرد، «موشک‌های نقطه‌زن حزب‌الله در یکسال گذشته دو برابر شده است». وی همچنین در بخش دیگری گفت «مقاومت در حال حاضر تجهیزاتی در اختیار دارد که اسرائیل هنوز نمی‌داند! این تجهیزات محرمانه است و اسرائیلی‌ها از آن اطلاعی ندارند، تا در زمان لازم فرصت غافلگیری آنها فراهم شود.»

مذاکره قاسم سلیمانی و ولادیمیر پوتین برای حفظ بشار اسد در قدرت

پیش از اینها در مورد سفرهای سلیمانی به روسیه و دیدار با پوتین گزارش‌های متعددی منتشر شده بود اما منابع آن غیررسمی و کمتر قابل استناد بودند. یکی از مسائلی که نصرالله در این مصاحبه به آن اشاره کرده ملاقات سلیمانی و پوتین است. او گفت: «اگر روسیه وارد جنگ سوریه نمی‌شد، روند حل این بحران شاید طولانی‌تر از شرایط کنونی بود... روسیه مُردد بود چراکه هیچ پایگاهی در منطقه نداشت. آنها نگرانی‌های ویژه‌ای در این زمینه داشتند و تصور می‌کردند که شاید در این ماجرا، خسارت ببینند. در چنین شرایطی، صحبت‌های سیاسی نمی‌توانست آقای پوتین را قانع کند و باید فعالیت‌های نظامی انجام می‌شد. به همین علت بود که حاج قاسم به مسکو رفت و دو ساعت در حضور برخی از ژنرال‌های امنیتی روسیه، با پوتین مذاکره کرد.»

او افزود، «این مطالب را خود حاج قاسم به من گفت که من نقشه‌ها را روی میز جلوی خودم باز گذاشتم و برای آنها توضیح دادم که ما کجا هستیم و عناصر مخالف کجا هستند و چه نقاط قوت و ضعفی در این زمینه وجود دارد. حاج قاسم به صورت علمی و فنی و کارشناسی و نظامی، بر اساس نقشه جلوی آقای پوتین، شرایط را شرح داده بود. در آن جلسه، آقای پوتین گفته بود که آقای سلیمانی شما توانستید مرا قانع کنید. حضور روسیه در سوریه البته بنا به درخواست سوریه نیز بود. فکر می‌کنم آنها نیز به صورت مستقیم خواستار این حضور بودند.»

بخشی که در این مصاحبه از متن اغلب رسانه‌های داخلی ایران حذف شده مربوط به کمک مالی سلیمانی به حزب‌الله لبنان است. نصرالله گفت «در سال ۱۳۸۵ حاج قاسم در پشت پرده و دور از انظار علاوه بر تامین موشک و تجهیزات نظامی، کمک‌های مالی بزرگی از درآمد نفتی ایران انجام می‌داد و در یک نمونه بعد از تخریب ۲۰۰ هزار خانه در جنگ ۳۳ روزه تا یکسال هزینه‌ها و اجاره‌ها را پرداخت کرد.»

البته نصرالله پیش از این هم به کمک‌های مالی رژیم ایران به حزب‌الله اعتراف کرده بود هرچند پس از سخنان وی مقامات تهران آن را رد کردند. او در سال ۱۳۹۷ در یک ویدئوکنفرانس اعتراف کرده بود «برادران بی‌پرده می‌گویم بودجه و هزینه و خرج خورد و خوراک و سلاح و موشک‌های حزب‌الله از جمهوری اسلامی می‌رسد... هیچ ربطی هم به بانک‌ها ندارد.»

او همچنین در اسفند سال ۱۳۹۰ نیز به کمک‌های تسلیحاتی و مالی جمهوری اسلامی به حزب‌الله اعتراف کرده بود.

اظهارات الزهار و نصرالله موجی از انتقاد علیه قاسم سلیمانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و علی خامنه‌ای به ویژه در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخته است آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی ادعا می‌کند تحریم‌های آمریکا عامل فشار اقتصادی به مردم است! این اعترافات نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی هرگاه به پول دست یافته، آن را نه خرج مردم و زیرساخت‌های اقتصادی کشور بلکه هزینه‌ی «عمق استراتژیک» خود و «محور مقاومت» علیه اسرائیل و غرب کرده است.

بیهوده نیست که مردم در نخستین اعتراضات خود پس از جنبش ۸۸ شعار می‌دهند: نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران! جمهوری اسلامی اما نه تنها هم غزه و هم لبنان را بر ایران ترجیح می‌دهد، زیرا ایران را پایگاهی می‌داند که می‌تواند با سرکوب خونبار آن را برای خود حفظ کند، بلکه سوریه را نیز بر آنها افزود! مردم نیز در مقابل، بر شعار «نه غزه نه لبنان» به صراحت افزودند: «سوریه را رها کن! فکری به حال ما کن!»

سفر الیزابت تیلور به ایران و داستان مجعول زیارت رفتنش در مشهد

نورمحمدعسگری
(استکهلم)

در آن روزگاران که به عقیده بسیاری ازکارشناسان ایران به سوی (عصر طلائی و شگفتگی می‌رفت) در هر فرصتی گروه‌هائی از بزرگان جهان؛ (اعم از هنرمندان ـ نویسندگان ـ محققین ـ سیاستمداران)برای بازدید از میهن آریائی ما دعوت می‌شدند. از شهرهای مختلف ایران دیدن می‌کردند. از آن جمله تهران ـ اصفهان ـ شیراز ـ خوزستان که بنا بر اقتضا مورد توجه بازدیدکنندگان بود.

در آن روزها اردشیر زاهدی که در سفارت ایران در آمریکا بود و بنا بر نوشته بسیاری از سیاستمداران آمریکائی و اسناد بازمانده از دوران رژیم گذشته شخصیتی بود سخت فعال که برای ایجاد روابط حسنه به خصوص با دولت آمریکا کوشش فراوانی داشت. او نهایت جدیت را به خرج می‌داد تا به منظور معرفی ایران جدید؛ و فعالیتهای اقتصادی و دگرگونی‌های اجتماعی گروه‌های مختلفی را با ایران و سیستم فکری ایرانی‌ها آشنا نماید. و برای این کار از هر فرصتی استفاده می‌نمود. از آن جمله وقتی دولت ایران توانست اولین کاروان (جت‌های بوئینگ) را خریداری نماید از گروهی از سناتورها ـ نمایندگان کنگره ـ و صاحبان صنایع آمریکا ـ و چند تن از هنرمندان به نام دعوت کرد تا با اولین جت بوئینگ به ایران سفر نمایند.

که طبیعتاً دولت ایران هم ترتیب پذیرائی شایانی را از آنها داه بود. این گروه شاخص و برجسته آمریکائی از اصفهان و شیراز هم دیدن کردند؛ و چند روزی را در اصفهان به خصوص ماندند و به بازدید از آثار بزرگ و به نام اصفهان پرداختند. که برایشان بسیار جالب و به یادگار ماندنی بود.

در بین این گروه بازدید کننده ؛ هنرپیشه و ستاره سرشناس آن روزگار (خانم الیزابت تیلور) هم بود؛ که از اصفهان و شیراز دیدن کرد و چون این ستاره مشهور در آن روزها مورد توجه و علاقه جوانان ایرانی بود عکسهای فراوانی هم در اصفهان به خصوص وسیله عکاسان و فیلمبرداران خارجی و ایرانی از وی گرفته شده بود که شایع بود میلیونها قطعه از عکسها و تصاویر در ژست‌های مختلف و لباسهای رنگ وارنگ به فروش رفت.

الیزابت تیلور زمانی که چشم از جهان فروبست؛، طبیعتا رادیو وتلویزیون‌ها و مطبوعات هرکدام به فراخور برای بزرگداشت این ستاره سرشناس برنامه‌هائی را تهیه دیدند و درباره‌اش بسیار سخن گفتند و پاره‌ای هم اغراق کردند. قصه‌های هزار و یکشب برایش ساختند. از آن جمله بعضی‌ها گفتند و نوشتند که الیزابت تیلور وقتی به ایران آمده بود به مشهد مقدس رفت و با چادر و روبنده به زیارت مرقد امام رضا مشرف شد و پاره‌ای مجعولات دیگر از این قبیل.

یکی دو تن از رسانه‌ها هم تصاویری از گوشه‌هائی از کاشی کاری‌های یک مسجد را به نمایش گذاردند و گفتند این گوشه‌ای از مشهد مقدس است که تایلور به زیارت آن رفته بوده!

خواننده گرامی؛ اگر کمی دقت بفرمائید و با سبک کاشی‌کاری‌ها آشنا باشید و تفاوت بین سیستم کاشی‌کاری اصفهان و مشهد را مطالعه کنید می‌فهمید که آنچه در تصاویر نشان داده شده گوشه‌ای از کاشی‌کاری مسجد بزرگ اصفهان است نه مشهد. زیرا خانم تایلور در تمام مدت بازدید همراه سایر مدعوین بود و هرگز جدای از آنها به هیچ شهری سفر نکرد. و گروهی که در آن تاریخ به ایران آمده بودند در برنامه بازدیدهایشان هرگز مسافرت مشهد و زیارت از اماکن متبرکه گنجانده نشده بود و این مطلب مثل بسیاری از مطالب دیگر که این روزها خیلی از (به اصطلاح کارشناسان و محققین تازه کار) بدون مطالعه و داشتن اصالت می‌نویسند؛ یک جعل مسلم تاریخی است که از خودشان ساخته‌اند .

گفته‌های شنیدنی الیزابت تیلور

● من ۸ بار ازدواج کردم و در مدت همسرداری فقط با همسرانم به رختخواب رفتم. زنان زیادی نیستند در هالیوود که چنین کاری کرده باشند!

● من آرزو دارم یک ستاره سرشناس سینما شوم. آرزوی بزرگترم داشتن یک شوهر است! **از یک مصاحبه در پانزده سالگی»**

● من ترجیح می‌دهم که الیزابت برتون باشم تا الیزابت تیلور!

«درباره ریچارد برتون، به هنگام بازی در فیلم کلئوپاترا ـ سال ۱۹۶۴»

● این حرفه دیگر مورد علاقه من نیست زیرا زندگی خود را وقف مبارزه با ایدز کرده‌ام. **«در مراسم دریافت جایزه اسکار ـ سال ۲۰۰۳»**

● قلب من شکست، روحم جریحه‌دار شد، من مایکل جکسون را از صمیم قلب دوست داشتم و نمی‌توانم تصور کنم که در دنیایی بدون او زنده‌ام.

«در سوگ مایکل جکسون ـ ژوئیه ۲۰۰۹»

دز و کرخه، مأمن گوزن زرد ایرانی

گوزن زرد ایرانی که یکی از نادرترین گونه‌های گوزن در جهان محسوب می‌شود به شواهد آثار موجود، زمانی بخش عظیم و پهناوری از جنوب غرب ایران را از آن خود ساخته بود.

به دلایل مختلف از جمله تخریب زیستگاه، شکار بی‌رویه و دشمن طبیعی (گرگ و گربه جنگلی) جمعیت آنها رو به کاهش نهاده به طوری که آن را حیوانی منقرض شده می‌پنداشتند. تا این که در سال ۳۴ مشخص شد تعداد اندکی از این‌گونه در حاشیه رودخانه دز و کرخه باقی مانده است.زادگاه اصلی گوزن زرد ایرانی در منطقه بین‌النهرین یا خوزستان کنونی در اطراف سد دز و کرخه از توابع شهرستان شوش است که در حدود ۴۶ سال پیش از این منطقه به مکان‌های دیگری برده شده است. در سال ۳۷ تعداد ۲ رأس آن به باغ وحش اپل آلمان و تعداد ۶ رأس نیز به دشت ناز ساری منتقل شده است.

در این میان گوزن‌های دشت ناز به خوبی تکثیر و تعدادی از آنها در سال ۶۸ در منطقه کرخه رهاسازی شد که به علت عدم مراقبت و عدم محصورسازی محیط در زیستگاه اصلی خود مورد تهدید قرار گرفته اما در چند سال اخیر با آوردن چند نمونه از گوزن زرد ایرانی از جزیره اشک ارومیه به استان خوزستان در حال حاضر این‌گونه به خوبی خود را با شرایط زیست محیطی زادگاه اصلی خود تطبیق داده است.

هرمز محمودی‌راد،مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان در این خصوص توضیح داد: گوزن زرد در سنین کوچک از جزیره اشک ارومیه به شهرستان شوش آورده شده است و با توجه به این که این منطقه زادگاه اصلی گوزن زرد است، از نظر رشد و رنگ، گوزن زرد خوزستان در وضعیت بهتری نسبت به گوزن ارومیه قرار دارد.

تجارب و اقدامات انجام شده نشان داده که بهترین راه خروج از بحران جمعیتی گوزن زرد، احیای زیستگاه اصلی آن در استان خوزستان و انتقال جهت زندگی در شرایط طبیعی است.

بازدید بیش از ۵ میلیون نفر مهمان نوروزی از شهرستان شوش و علاقه به بازدید و مشاهده هزاران نفر از آنان به دیدن گوزن زرد ایرانی در جنگل‌های دز و کرخه، توجیهی بسیار قوی برای احیای این گونه با ارزش در خوزستان است.

در هر صورت، با وجود اقدامات صورت گرفته در جهت احیای این‌گونه کمیاب، چند وقتی است که بحث بر این است که بروز پدیده گرد و غبار مشکلاتی را برای زیست گوزن زرد ایرانی در خوزستان به وجود آورده و این‌گونه نایاب در دشت‌های شهرستان شوش را با خطر انقراض رو به رو ساخته است.

جدول

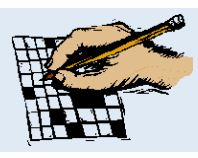

عمودی:

۱ـ موسیقی شناس عالیقدر و پژوهشگر معروف و فقید ایران و بنیانگذار هنرستان ملی موسیقی ـ دعای بی‌آغاز
۲ ـ از ماکیان ـ از پادشاهان سامانی
۳ـ گلی است ـ قومی از اقوام آریایی ـ شایسته و در خور
۴ـ نوعی تاتر ـ علامت مفعول بی‌واسطه ـ بت‌پرست ـ نیروها
۵ـ از اعضاء داخلی بدن انسان ـ از نوابغ عالم سینما
۶ـ میوه ـ رنگی است ـ من و تو
۷ـ از شهرهای کشورما ـ محل نیستی و تباهی
۸ـ پیرو یکی از ادیان ـ بر چیده شده ـ عالی و آبر
۹ـ تکرار یک حرف ـ سرسلسله یکی از خاندان حکومتی در ایران
۱۰ـ نقص ـ قهرمان یکی از داستانهای هزار و یک شب ـ رنج و زحمت
۱۱ـ آمپول زدن ـ نهر
۱۲ـ دارایی ـ خشک و یخ بسته
۱۳ـ معرفت و هنر ـ پرنده‌ایست ـ دیوانه
۱۴ـ از فیلمسازان قدیمی و معروف ایران
۱۵ـ غلاف ـ کشوری است

افقی:

۱ـ از فیلمسازان معروف کشورما
۲ـ اثری خواندنی از بزرگ علوی
۳ـ یار مخلص ـ وی ـ مساوات
۴ـ قاره‌ایست ـ دوستی ـ پهلوان ـ حرف خطاب
۵ـ زبانی است ـ در دهان است ـ نامبارک
۶ـ نه به عربی ـ راه راست یافته ـ لحظه ـ از حبوبات
۷ـ مساعدت و یاری ـ پیش افتاده ـ از مرغان
۸ـ خوبی ـ ریسمانی است ـ زادگاه
۹ـ از پادشاهان ایران قبل از یورش عرب‌ها ـ محل نظافت ـ نوعی بازی
۱۰ـ هم درز و شکاف است و هم میان و میانه ـ قسمتی از دست و پا ـ کافر ـ از غلات
۱۱ـ متن سوگند ـ رودخانه‌ای در ایران
۱۲ـ کشوریست ـ از دسرهای سنتی ـ از خشکبار
۱۳ـ بخرد ـ قصر ـ تفرقه
۱۴ـ پیرو یکی از ادیان ـ از فاتحان مشهور
۱۵ـ کشوری است ـ تفکر

حل جدول شماره قبل

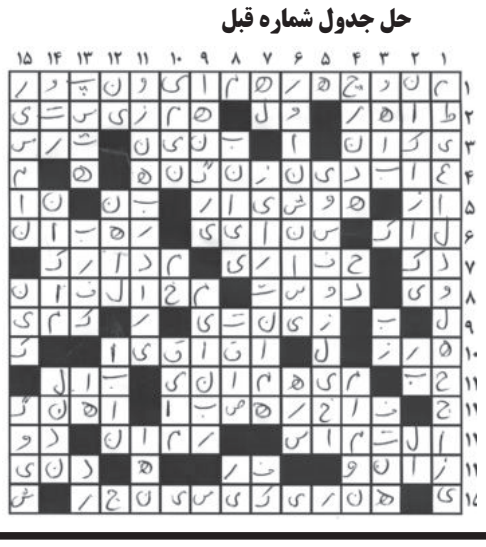

جدول اعداد

(سودوکو)

۶								
	۵					۳	۹	
	۲		۵	۶	۳		۴	
۴		۶	۸			۵		۷
۷	۸		۲	۵				
					۹	۷		۲
		۸						۱
۱		۲		۴	۶			

۳								
		۱						
	۲			۴	۶			
	۴		۵					
		۶	۲					

عمودی:

۱ ـ دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد
۲ ـ از دروس مدرسه ـ راه و روش
۳ ـ دورویی ـ از تقسیمات ارتشی
۴ ـ از رشته‌های آموزشی
۵ ـ در ورق بازیست ـ مار بی‌سر ـ حرف همراهی
۶ـ کشوریست توریستی در قلب اقیانوس هند
ـ از فلزات
۷ـ از بیماریهای جلدی ـ جوانی
۸ ـ بخشی از قرآن مجید ـ بکارگیری
۹ ـ فلزی است ـ بیهوده
۱۰ـ مبارکی ـ نوعی موتور ـ از شهرهای قدیمی ایران
۱۱ـ آخرین ـ میوه‌ایست

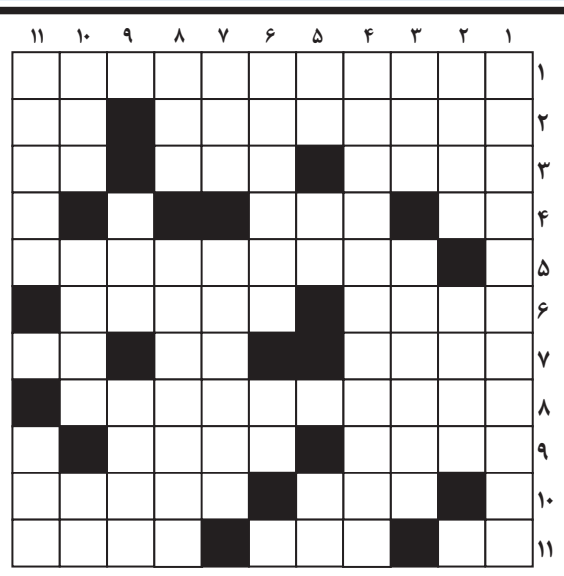

افقی:

۱ـ از آثار محمدعلی جمالزاده
۲ـ رجاء ـ بخار متراکم
۳ـ بوی گل را از آن جوئیم ـ حاشیه و تیغه ـ توان
۴ـ علامت جمع ـ خاطر
۵ـ سیاستمدار ایتالیایی و مبارزی معروف در راه وحدت این کشور
۶ـ خوشحالی ـ قصری تاریخی در اروپا
۷ ـ مهربان ـ زبان موسیقی ـ بخشی از تیر و کمان
۸ ـ از پادشاهان صفوی
۹ـ سنگینی و متانت ـ چهره
۱۰ـ قرابت ـ کمک
۱۱ـ خرس ـ گلی است ـ زبانه آتش

حل جدول شماره قبل

بازنشر

یادگاری افتخار آفرین از گذشته‌های خیلی دور...

ناپلئون سوم، روز اول فروردین به سفارت ایران آمد

اعلیحضرت وقتی بشقاب پشمک را دید گمان کرد در آن بشقاب موی مقدس است ولی وقتی مقداری خورد گفت برای علیاحضرت ملکه هم بفرستید، خوشش خواهد آمد!

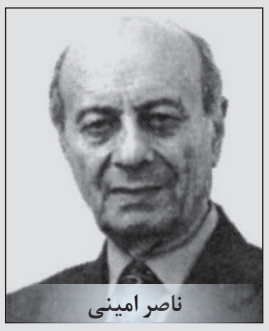
ناصر امینی

قدیم‌ترها سفیران دولت علیه ایران در کشورهای خارجی، مخصوصاً سفیر کبیر ایران در دربار عثمانی (استانبول) و سفیر کبیر ایران در پاریس از بین افرادی با صفاتِ متعالی، صاحب فضل و دانش، ادیب و باشخصیت انتخاب می‌شدند و آنان در کمال تشخّص و ابُهّت در راه افتخار و شرافت و بزرگداشت ایران رفتار می‌کردند.

از آنجا که افتخار خدمت به عنوان کنسول ایران در استانبول سال ۱۹۶۵ و سرکنسول ایران در پاریس در سال ۱۹۷۳ را داشته‌ام در این دو فرصت امکان مطالعه پاره‌ای از اسناد قدیمی را پیدا کرده‌ام که سرشار از اطلاعات جالب تاریخی بوده است.

اینک به شرح دو واقعه در استانبول و پاریس خواهم پرداخت که سالها پیش، هم زمان با سال نو ما اتفاق افتاده است.

سفیر باتدبیر

یکی از این وقایع مربوط به حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله معروف به سپهسالار است که یکی از نخستین مأموریت‌هایش سفارت دولت علیه ایران در دربار عثمانی بود که بعد از این سفارت به وزارت عدلیه و وزارت جنگ منصوب شد و سپس به صدارت رسید و تصمیم گرفت که همان سیاستی را در پیش بگیرد که بنیانگذارش امیرکبیر بود. وقتی حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله با سمت سفیر وارد استانبول شد، دریافت که سفارت ایران در استانبول تنها سفارتخانهٔ خارجی است که بر بالای عمارت و ساختمان سفارتش پرچم ندارد و دلیل آن هم این نکتهٔ باریکتر از مو است که چون سفارت ایران در محلهٔ «جاراوغلو» نزدیک «باب عالی» مقر اقامت سلطان عبدالمجید قرار دارد که از نظر ارتفاع بالاتر از کاخ امپراطوری عثمانی واقع شده است، دولت عثمانی که خود را یکی از چند دولت مقتدر عصر می‌داند، به هیچ وجه مایل نیست که در قلمروی او، پرچم کشوری بالاتر از پرچم امپراطوری عثمانی در اهتزاز باشد.

بدیهی است که این تمایل منطبق بر یک استدلال منطقی نبود تا سفیر بتواند از راه گفتگو این به اصطلاح گره کور را بگشاید و بایستی به انتظار موقعیت مناسبی می‌نشست تا شاید بتواند سلطان را به ترتیبی رام کند و با جلب موافقت او، این وضع نامساعد را برگرداند و بیش از این سفارت ایران را که در حکم پاره‌ای از خاک ایران است، محروم از پرچم مملکت نگه ندارد. این موقعیت مناسب از قضا درست مقارن اولین نوروز دوران مأموریت او پیش آمد و همین که مشیرالدوله خبردار شد که «سلطان عبدالمجید» برای ادای نماز جمعه عازم مسجد ایاصوفیه است و شیپورچیان و سواران اسکورت سلطان از جلوی در سفارت ایران گذشتند تا به مسجد بروند، بلافاصله شال و کلاه کرد و عازم مسجد شد و پشت سر سلطان و همراهان به اقامهٔ نماز پرداخت و پس از پایان نماز و دعا و ثنائی که مداحان نثار سلطان جنت مکان و خلد آشیان کردند، سفیر باتدبیر، سال نو ایرانیان را بهانه قرار داد و از سلطان عبدالمجید استدعا کرد که چون سفارت ایران بین «مسجد ایاصوفیه» و «باب عالیم قرار گرفته است، موجب نهایت افتخار خواهد بود که سلطان به مناسبت عید ملی این همسایهٔ شرقی کشور خود، به سفارت ایران نزول اجلال فرمایند و دهانی شیرین کنند...» و چون سلطان موافقت کرد، مشیرالدوله تأمل را جایز ندید و خود را با عجله به سفارت رسانید و دستور داد که به محض ورود سلطان به محوطهٔ سفارت، به احترام مقدم او پرچم ایران را بر فراز ساختمان سفارت به اهتزاز درآورند و پرچمی که به افتخار مقدم سلطان برافراشته شد، دیگر پائین نیامد و چون بالا رفتن این پرچم به خاطر تجلیل از سلطان عثمانی بود، دولت عثمانی نیز دیگر اعتراضی به عمل نیاورد و این قضیه‌ای که مدتها به نظر لاینحل می‌رسید، با این تدبیر حل شد.

دوران طلائی

واقعهٔ جالب دیگر مربوط به «حسنعلی خان گروسی» معروف به «امیرنظام» است که مردی سیاستمدار، ادیب، نویسنده و خوشنویس بود. او درجهٔ سرتیپی فوج گروس را داشت که در آن زمان به ارث از پدر به فرزند می‌رسید. به همین جهت در جنگ معروف به جنگ هرات شرکت کرد و اولین کسی محسوب می‌شد که وارد قلعهٔ هرات شد. در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا، او در مقام وزیر فوائد عامه، در شمار ملتزمین رکاب بود. مدتی نیز به عنوان پیشکار ولیعهد ناصرالدین شاه در تبریز به سر می‌برد... و بالاخره به سمت وزیر مختار ایران مقارن سال ۱۸۶۶ میلادی به فرانسه رفت. در آن موقع سفارت ایران در انتهای گردشگاه شانزه لیزه قرار داشت و هر وقت هوا خوب بود، سفیر با لباس ایرانی، با کلیهٔ صاحب منصبان سفارت سوار اسب می‌شد و در خیابانهای پاریس به گردش می‌پرداخت. ساختمان سفارت یک عمارت چهار طبقه بود که طبقهٔ همکف اختصاص به دفتر سفارت داشت. طبقهٔ اول منزل سفیر محسوب می‌شد. در طبقهٔ دوم چند تن از صاحب منصبان سفارت بسر می‌بردند. طبقه سوم برای میهمانان در نظر گرفته شده بود و طبقهٔ چهارم در اختیار مستخدمین قرار داشت و در حیاط خلوت سفارت، علاوه بر طویله‌ای بزرگ، اطاقهای متعددی بود که کسانی نظیر کالسکه چی و مهتر و جلودار در آنها زندگی می‌کردند.

حسنعلی‌خان گروسی معروف به امیرنظام وزیر مختار ایران در پاریس در سال ۱۸۶۶

مارشال دوفرانس در سفارت

در اولین مراسم نوروزی که امیرنظام وزیر مختار ایران در پاریس آن را برگذار می‌کرد، مارشال دوفرانس «روبر» افسر عالیرتبهٔ ارتش فرانسه از طرف ناپلئون سوم امپراطور فرانسه برای تبریک سال نو ایران به سفارت آمد و بر طبق برنامه‌ای که ترتیب داده شده بود پس از خوشامدگوئی‌ها و پذیرائی‌های مقدماتی، مترجم سفارت در حالی که یک سینی طلا که در وسط آن یک نعبلکی بلور محتوی سه اشرفی قرار داشت به همراه مستشار سفارت وارد تالار شد و سینی را جلوی وزیر مختار گرفت و امیرنظام از جای خود برخاست و به نام شاه ایران به مارشال «روبر» سه اشرفی به عنوان عیدی داد: یکی برای خودش، دیگری برای همسرش و سومی برای دخترش و بیانات فارسی وزیر مختار را نیز بلافاصله مترجم به فرانسه برای مارشال «روبر» بازگو کرد... و «روبر» نیز اشرفی‌ها را با سپاسگزاری گرفت و رفت.

اما هنوز دو ساعتی از رفتن او نگذشته بود که مارشال «روبر» سه اشرفی اهدائی را همراه با نامه‌ای به این مضمون که یک مارشال فرانسه یک چنین عیدی را قبول نمی‌کند، به سفارت برگرداند و این امر آنقدر سفیر را عصبانی کرد که دستور داد بلافاصله یادداشتی به وزارت خارجهٔ فرانسه بفرستند و یادآور شوند که وزیر مختار ایران خواستار دیدار فوری امپراطور است. امر وزیر مختار اجرا شد و چند ساعت بعد، جواب رسید که امپراطور منتظر شرفیابی وزیر مختار است و وزیر مختار هم به محض دریافت این نامه با کلیهٔ صاحب منصبان سفارت، راهی «تویلری» شد. وقتی ناپلئون سوم امیرنظام را پذیرفت، قبل از اینکه او سر صحبت را باز کند، امپراطور با لحن موقرانه‌ای اظهار داشت: امروز که روز عید ایرانیان است ما مارشال «روبر» را به سفارت شما فرستادیم تا از طرف ما و دولت فرانسه، این عید را به شما و ملت و دولت ایران تبریک بگوید. آیا اتفاقی در ایران افتاده و یا پیامی از طرف پادشاه ایران رسیده که شما خواستار ملاقات فوری ما شده‌اید؟ امیرنظام جواب داد: اعلیحضرتا، از دربار ایران خبری نرسیده ولیکن در اینجا نسبت به من و سلطان مملکت من، یک چنان بی‌احترامی به عمل آمده که من دیگر نمی‌توانم در پایتخت فرانسه باقی بمانم و بدین جهت برای تقاضای مرخصی به خدمت رسیده‌ام!

ناپلئون سوم با تعجب پرسید: چه اتفاقی افتاده که شما را وادار به اخذ چنین تصمیمی کرده است؟

امیرنظام بلافاصله کاغذ مارشال «روبر» را ارائه داد و گفت: آنچه موجب اخذ چنین تصمیمی شده، این نامه است و نامه را دو دستی به ناپلئون داد و امپراطور پس از اینکه نامهٔ مارشال «روبر» را مروری کرد، بی‌اختیار به خنده افتاد و گفت: مارشال «روبر» یک کهنه سرباز است و از نزاکت دیپلماسی بی‌اطلاع است... شما مطمئن باشید که در جهت ترضیه خاطر شما، بلافاصله اقدام خواهد کرد و عیدی‌های اهدائی شما را با منّت خواهد پذیرفت و برای اینکه شمَا مطمئن شوید که ما از صمیم قلب به ایران و پادشاه آن ارج می‌نهیم، امپراطور فرانسه نیز با پرنس امپریال به سفارت ایران خواهد آمد تا در این عید شما شرکت داشته باشد. شما فوراً به سفارتخانه مراجعت کنید و به پذیرائی از مدعوین ادامه بدهید، ما نیز خود به سفارت خواهیم آمد.

امپراطور در سفارت ایران

هنوز ساعتی از مراجعت امیرنظام به سفارت نگذشته بود که خبر دادند مارشال «روبر» به سفارت آمده است و اگرچه امیرنظام این بار از او به گرمی بار اول استقبال نکرد ولی مارشال «روبر» با لحنی متواضعانه از رفتار و نامهٔ ارسالی خود عذرخواهی کرد و خواستار استرداد عیدی‌های خود شد که بدون تشریفات قبلی، هر سه سکه در اختیار او قرار گرفت و او خداحافظی کرد و رفت... نزدیک غروب بود که دربان سفارت خبر داد که کوکبهٔ موکب امپراطور پیدا شده است. امیرنظام با تمام صاحب منصبان سفارت به جلوی در رفتند و همینکه کالسکهٔ سلطنتی رسید، وزیر مختار خود را به جلوی در کالسکه رساند و از ناپلئون سوم استقبال کرد و پس از مراسم خیرمقدم، ناپلئون وارد سفارت شد و در سالن پذیرایی بر روی صندلی که برای او درنظر گرفته بودند نشست و نسبت به تک تک اعضای سفارت، ابراز لطف کرد. در این موقع سفیر نعلبکی کریستال را که در آن سکه‌های طلا بود تقدیم امپراطور نمود و به عرض رساند که عیدی پادشاه ایران برای شماست و چون امیرنظام امپراطور را دعوت به تغییر ذائقه کرد، ناپلئون سوم با تعجب نگاهی به بشقاب پشمک انداخت و پرسید: این خوردنی است؟... و چون امیرنظام گفت بلی، این یک شیرینی را یج ایرانی است، ناپلئون اظهار داشت: من گمان می‌کردم که درون بشقاب موی مقدس است که ایرانیان در موقع عید مقابل خود می‌گذارند... و سپس با دست بخشی از پشمک را از بشقاب برداشت و آن را در دهان خود گذاشت و چون آن را خیلی پسندید بلافاصله گفت اگر این را برای علیاحضرت ملکه «اوژنی» بفرستید، خیلی از آن خوشش خواهد آمد و ممنون خواهد شد... و در فردای آن روز، وزیر مختار یک قاب پشمک و یک بشقاب باقلوا، توسط حاجی محسن خان، مستشار سفارت برای ملکهٔ فرانسه فرستاد... ملکه‌ای که زیبائی او، در آن زمان شهرتی عالمگیر پیدا کرده بود...

حاج میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سفیر کبیر ایران در دربار عثمانی

ناپلئون سوم در حین مراسم جشن عیدانه ۱۰ ژوئن ۱۸۶۷ در کاخ تویلری

پهلویسم، بناپارتیسم و پاسداریسم

● در شرایط خاص جهانی و منطقه‌ای از یکسو و شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی و سن و سال «حضرت آقا» از سوی دیگر، همه اینها دست به دست هم داده تا برخی برای یافتن کوره‌راهی اندیشه کنند. برنامه اینست: چگونه می‌توان همه چیز را دگرگون کرد بی آنکه همه چیز از هم بپاشد؟!

● در طول تاریخ شیعه‌گری در ایران، آخوندَها حریفی به دلیری و تیزهوشی و اقتدار رضاشاه ندیده بودند. مشکل‌شان اینجاست که هرچه او را می‌کوبند، بزرگتر می‌شود. آرامگاهش را با خاک یکسان می‌کنند، ناگهان از جایی دیگر سر از آرامگاه بر می‌آورد. «قلدر»ش می‌نامند، فریاد «رضا شاه، روحت شاد» انبوهَ جوانان رضاشاه ندیده‌َ را می‌شنوند.

● مشروطه ایرانی، یک انقلاب صرفاً سیاسی بود، در حالی که انقلاب فرانسه «کبیر» بود چون هم سیاسی بود، هم اجتماعی و هم فکری.

● رضاشاه اولین پادشاه ملّی ایرانیان است. این سرباز سوادکوه، با ایجاد دانشگاه، ایجاد فرهنگستان، ایجاد بانک ملی، با بزرگداشت فردوسی، با سرود ای ایران، و صدها کار بزرگ دیگر، کوشید جان تازه‌ای به حس ملّی ایرانیان بدمد و حس سربلندیِ را درآنان دوباره زنده کند. اینست رمز فریاد برآمده از حنجره جوانانَ ایرانی: رضاشاه، روحت شاد!

● و اما رویه خامنه‌ای بسیار شبیه رویه استالین است. برخلاف هیتلر که به امور کلی می‌پرداخت (مثل خمینی)، خامنه‌ای مثل استالین توجه خاصی به امور جزیی هم دارد.

مهدی مظفری – از دیدگاه علوم سیاسی، رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام حکومتی، نظامی است بی‌همتا. با هیچیک از نظام های پیشین جهان و نظام‌های کنونی قابل مقایسه نیست. معجونی است از همه چیز که این همه چیز با سریشم شیعه دوازده امامی و چهارده معصومی بهم چسبانده شده که ولی فقیه سریشم‌دار اعظم آنست. چون رژیم «همه چیز» است و همه چیز در عالم نظر مترادف است با «هیچ چیز»، از این رو، مقایسه این رژیم با رژیم‌های سیاسیِ دیگر ناممکن است.

در اینجا نظام حکومتی مورد نظر است و نه ایدئولوژی رژیم که به این مهم پیشتر پرداخته‌ام.* ویژگی ذاتی این رژیم نه تنها دنیای خارج را سرگردان می‌کند بلکه نیرو های درون رژیم را نیز به اصطکاک‌های روزمرّه و گاهی بسیار خشن می‌کشاند. چون خصلت ذاتی همه چیز و هیچ چیز بودن، رژیم رَا غیرقابل ترمیم می‌سازد و همکاری‌های درونی رژیم نیز طبعاً به نازل‌ترین درجه و زد و خوردهای درونی (مثلا بین سران سه قوّه) به بالاترین حدّ می‌رسد.

حال، در شرایط خاص جهانی و منطقه‌ای از یکسو و شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی و سن و سال «حضرت آقا» از سوی دیگر، همه اینها دست به دست هم داده تا برخی برای یافتن کوره‌راهی اندیشه کنند.

برنامه‌اینست:

چگونه می‌توان همه چیز را دگرگون کرد بی آنکه همه چیز از هم بپاشد؟!

اینجاست که بازِ شَبح رضاشاه سر بر می‌آورد. و این رنج‌آورترین عذاب روحی برای ارباب سریشم است. در طول تاریخ شیعه‌گری در ایران، آخوندها حریفیَ به دلیری و تیزهوشی و اقتدار رضاشاه ندیده بودند. مشکل‌شان اینجاست که هرچه او را می‌کوبند، بزرگتر می‌شود. آرامگاهش را با خاک یکسان می‌کنند، ناگهان از جایی دیگر سر از آرامگاه بر می‌آورد. «قلدر»ش می‌نامند، فریاد «رضا شاه، روحت شاد» انبوه جوانانَ رضاشاه ندیده را می‌شنوَند. در این اواخر، برخی از همین خودی‌ها، حتا راه حل «رضاشاه اسلامی» را پیش کشیده‌اند. اما گویی حتی با افزوده «اسلامیِ» هم غیظ آخوندها فرو نمی‌نشیند. اصلاً خود این اسم رنج‌آور است.

حال برای رهانیدن روح معذب آخوندها، قرارشده جای رضاشاه را با بناپارت عوض کنند. بناپارتیسم بجای پهلویسم!

بناپارت اسلامی! نقاشی برگرفته از کتابخانه ملی پاریس

بناپارت و رضاشاه

بین بناپارت و رضاشاه شباهت‌های فراوانی وجود دارد. هر دو نظامی‌اند. هردو فرزندان انقلاب‌اند. از اشراف و فئودالیته و اربابِ دین و مذهب نیستند. هردو با کودتا بهَ قدرت رسیدند. هر یک در کمتر از بیست سال حکومت کردند. و در همان برهه زمان، هردو توانسته‌اند شالوده و زیرساخت‌های دولت- ملت را پایه‌ریزی کنند. و شگفت آنکه هر دو به حکم دولت انگلیس به تبعید فرستاده شدند و هردو در همان تبعید درگذشتند.

مادام دو استائل بانوی فرهیخته عصر انقلاب کبیر فرانسه و نویسنده کتاب ملاحظاتی درباره انقلاب فرانسه و نیز یکی از مخالفان بناپارت، دقیق‌ترین وصف بناپارت را با ایجاز بیان کرده است. او می‌گوید: «بناپارت همانا روبسپیر است سوار بر اسب!» در اینجا، روبسپیر مظهر انقلاب فرانسه تصور شده و اسب‌سوار، سردار مقتدر! انقلاب فرانسه ، انقلابی بود لائیک که کلیسا را از حوزه قدرت سیاسی بیرون راند. برخلاف تصور عمومی، انقلاب فرانسه در سرشت خود ضدسلطنت نبود. چند سال نظام سلطنتی را حفظ کرد. سپس، سلطنت استبدادی را ملغی و بجای آن مشروطه سلطنتی اعلام کرد. منتها چون پادشاه گریخت، چاره‌ای نبود، جز اعلام جمهوری. در ایران نیز، پادشاه صدای انقلاب را شنید، با مشروطه تجدید عهد کرد، آنگاه گذاشت و رفت.

بناپارت بلافاصله پس از به قدرت رسیدن، برای قطع دست کلیسا از امر قضا، قانون مدنی را تنظیم کرد که بهَ «کُد ناپلئون» معروف است که امروز هم اساس ساختار حقوقی فرانسه را تشکیل می‌دهد. به موازات تنظیم قوانین دیگر، تشکیلات کشوری را یکدست و منظم کرد؛ ارتش واحد و بانک ملّی ایجاد کرد؛ سازمان‌هایِ آموزشی و علمی مدرن به وجود آورد و بسیار اقدامات مشابه دیگر. در میان همه اقدامات بزرگ و بی‌سابقه، ایجاد حس ملّی و احساسِ سربلندی از فرانسوی بودن قطعاً مهم‌ترین دستاورد بناپارت است. انقلاب فرانسه واژه ناسیون/ ملت را ابداع کرد؛ بناپارت ساختارهای ضروری تحقق دولت-ملت را ایجاد کرد. حدود شصت سال پس ازحکومتِ او و نود سال پس از انقلاب فرانسه بَود که با تأسیس جمهوری سوم، سرانجام این خواستِ انقلابی تحقق عینی یافت.

اکنون با توجه به همین فهرست مختصر و فشرده از اقدامات بناپارتَ، می‌بینیم که در جمع، اینها همان اقداماتی هستند که رضاشاه نیز انجام داد. با این تفاوت که کار رضاشاه بسی دشوارتر از کار بناپارت بود. همانطور که گفته شد، انقلاب فرانسه با خلع ید کشیشان، با الغای مذهب رسمی، با سه‌گانه‌ی آزادی- برابری- برادری، راه را هموار کرده و نهال شهروندی را کاشته بود. اصل حاکمیت ملّی را بجای حاکمیتِ اسطوره‌ای الهی جا انداخته بود. در عَوض، رضا شاه وارثِ انقلابی بود که حرفِ آخر را هنوز نزدهَ بود!

با کوششِ مجدانه جمعی از نخبگان ایرانی و تحت تأثیر همان انقلاب فرانسه، واژه ملت به معنای ناسیون و تساوی اهالی مملکت در برابر قانون و ایجاد مجلس شورای ملّی و جز اینها وارد قانون اساسی شده بود. با اینهمه، ساختارهای جان‌سخت مذهبی و ایلیاتی همچنان دست‌نخورده باقی مانده بود. مشروطه ایرانی، یک انقلاب صرفاً سیاسی بود، در حالی که انقلاب فرانسه «کبیر» بود چون هم سیاسی بود، هم اجتماعی و هم فکری.

حال چگونه می‌توان در ایران، با وجود اختاپوس چند قرنی آخوندها و در یک جامعه ایلیاتی، دولت- ملت ایجاد کرد؟! با وجود این ساختارهای ریشه‌دار و سخت‌جان، رضاشاه بر آن شد که ساختارهای اولیه و ضروری دولت- ملت ایرانی را پایه‌گذاری کند. با آخوندها در بیفتد و ساختارهای ایلیاتی را دگرگون کند. در ایران، پادشاهان مثل هخامنشیان و ساسانیان، یا برگرده مذهب سوار بودند و مذهب نیز سوار بر آنان، یا مثل بسیاری از سلسله‌های دیگر ایلیاتی بوده‌اند. با ظهور رضاشاه برای نخستین بار در تاریخ ایران، شاهی بر آمد رها از ساختارهای مذهبی و گسسته از بافت‌های ایلیاتی. با این حساب، تردید نیست که رضاشاه اولین پادشاه ملی ایرانیان است. این سرباز سوادکوه، با ایجاد دانشگاه، ایجاد فرهنگستان، ایجاد بانک ملی، با بزرگداشت فردوسی، با سرود ای ایران، و صدها کار بزرگ دیگر، کوشید جان تازه‌ای به حس ملّی ایرانیان بدمد و حس سربلندیِ را درآنان دوباره زنده کند. اینست رمَز فریاد برآمده از حنجره جوانان ایرانی: رضاشاهَ، روحت شاد!

بناپارت اسلامی یا دایی‌جان ناپلئون؟

سال‌هاست که در سایه ولایت مطلقه فقیه، سپاه پاسداران به یک قدرت فراگیر تبدیل شده که کنترل بخش‌های مهمی از منابع مالی و اقتصادی کشور را در دست دارد همراه با سرویس‌های اطلاعاتی و سیاسی و فرهنگی‌اش که همگان می‌دانند و نیاز به تکرار ندارد. در حال حاضر دو چیز است که مسئله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به مسئله روز تبدیل ساخته است: یکی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال آینده و دیگری احتمال مرگ یا به هر حال تحلیل جسمانی خامنه‌ای. در این میان آنچه تازگی دارد، گره خوردن این دو موضوع به یکدیگر است. حال اگر فرض کنیم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واقعاً توانمندترین قدرت کشور است، باید این را نیز بپذیریم که چنین قدرتی ناگزیر توسعه‌گرا است. زیرا قدرت، انجمادناپذیر است وتوسعه‌گرایی سرشت آن. این فقط در نظام‌های دموکراتیک لیبرال است که سَیلان قدرت بطور متوازن و کنترل شده انجام می‌گیرد. در نظام توتالیتر مذهبی ایران، قدرت انباشته شده می‌کوشَد خرده‌قدرت‌هَا را از راه معامله یا با تهدید و ارعاب، در خود جذب کند. وگرنه، کار به اصطکاک و زد و خورد می‌کشد.

تا کنون خامنه‌ای توانسته توازنی، هرچند لرزان، بین آنچه را که بطور صوری می‌توان دولتیان نامید از یکسو و پاسداران از سوی دیگر ایجاد کند. او می‌گذارد این دو نیرو به یکدیگر حمله کنند، اتهام بزنند، پرونده‌های یکدیگر را رو کنند، یکدیگر را تضعیف کنند. منتها، این اوست که حد و حدود این رویارویی رامشخص می‌کند (فصل‌الخطاب). حال اگر او نباشد یا او نتواند، در این صورت، چه خواهد شد؟ اینست پرسش اساسی و نیز یکی از علل التهابات سیاسی کنونی در جمهوری اسلامی.

حال فرض کنیم رژیم همچنان به حیات خود ادامه دهد؛ نه با قیام مردمی فرو بپاشد و نه با درگیری و جنگ. در این صورت، تنها مسئله مهم، وضعیت شخص خامنه‌ای است. همه می‌دانند که سران نظام به مسئله جانشینی خامنه‌ای اندیشیده‌اند و از تشکیل گروهی اندک از میان مجلس خبرگان خبر داده‌اند که وظیفه‌اش «کشف» بهترین جانشین یا شورای رهبری است. اسامی‌اعضای این گروه مخفی است. بر این قرار، می‌توان تصور کرد که رژیم آمادگی لازم را برای دوران پس از خامنه‌ای دارد. منتها این سناریو با مشکلات و چالش‌های خطیری روبروست.

مهمترین مشکل، وزنه و جایگاه خود خامنه‌ای است. او در این سی و چند سال که زمام تمامی امور کشور را در دست دارد توانسته در سرتاسر کشور و در کلیه امور و بخش‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و طبعا دینی ریشه بدواند. با شبکه‌های گسترده، متشکل از ائمه جمعه و نمایندگان رهبری در تمام حوزه‌های زندگی روزمره مردم، از طریق «بیت رهبری» در جریان امور باشد. به اینها، شبکه‌های گوناگون جاسوسی و خبرچینی را هم بیفزایید تا به عمق سلطه این اختاپوس مهیب پی ببرید. در این مورد، رویه خامنه‌ای بسیار شبیه رویه استالین است. برخلاف هیتلر که به امور کلی می‌پرداخت (مثل خمینی)، خامنه‌ای مثل استالین توجه خاصی به امور جزیی هم دارد.

حال با توجه به وزنه سنگین خامنه‌ای و ارتباطات شخصی و حتی عاطفی او با بسیاری از مراجع دینی و به ویژه با سران سپاه، هر کسی بر جای او بنشیند، طبعا اقتدار و هیمنه او را نخواهد داشت. و مهم‌تر از این، کسانی که در طول سال‌های متمادی- در غم و شادی- با او همراه و هم‌پیمان بوده‌اند و در سایه مرحمت‌اش به مقام و منصب رسیده و حتی در او ذوب شده‌اند، بسیار بعید است که همان احساس اخلاص و وفاداری را به جانشینَ وی داشته باشند. حتی به پسرش!

اینجاست که ناگزیر و به حکم تجربه‌ی بی‌رحم تاریخ، جنگ قدرت آغاز خواهد شد. به منوال درگیری‌هایی که بر سر جانشینی محمد ابن عبدالله و لنین و مائو و خمینی در گرفت، شکل و وسعت و میزان این ستیز را شرایط و مقتضیات زمان تعیین می‌کند. اکنون اگر به مواضع برخی از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مورد انتخابات آینده ریاست جمهوری اسلامی توجه کنیم و آنها را با سخنان غیرمنتظره حسن روحانی در مورد رفراندوم مقایسه نماییم، در می‌یابیم که مصاف جانشینی خامنه‌ای از هم‌اکنون آغاز شَده است زیرا اگر فقط منصب ریاست جمهوری هدف می‌بود، در ساختار کنونی نظام ولایی، چه فرقی می‌کند که رئیس جمهوری اسلامی عمامه داشته باشد یا کلاه خود! باریش باشد یا بی‌ریش و یقه باز! بنابراین باید هدفی فراتر از این مقام در کار باشد که حسن روحانی با پیش کشیدن رفراندوم (برای چه؟) و ایجاد نظام حزبی، در راه بناپارت‌های اسلامی سنگ می‌اندازد. پس می‌توان نتیجه گرفت که گویا دعوا بر سر تسخیر قدرت در دوران پس از خامنه‌ای است.

اکنون بنا را بر این بگذاریم که یکی از همین سرداران سپاه پاسداران، مثلاً همان قلدر طرقبه، رئیس جمهوری اسلامی شود و خامنه‌ای هم زنده بماند. به نظر نمی‌رسد چنین سناریویی به سود خامنه‌ای باشد. چون با واگذاری تشکیلات دولتی به پاسداران، قدرت اینان، افزایش می‌یابد و به همان میزان، میدان عمل و حوزه موضع‌گیری‌های چند پهلویی او محدود می‌شود. او تنها در صورتی به این کار تن می‌دهد که پاسداران به کرسی نشاندن جانشین مورد نظر او را ضمانت کنند. هرچند بر حَسَب تجربه تاریخ، ضمانتی بر دوام اینگونه ضمانت‌ها نیست.

سناریوی دیگر اینکه یک سردار سپاه به ریاست جمهوری اسلامی برسد و خامنه‌ای هم به «امام راحل» بپیوندد. در چنین وضعیتی، این پرزیدنت- سردار چه خواهد کرد؟! آیا می‌تواند و می‌خواهد به شیوه بناپارت، نظام موجود را ملغی و بناپارتیسم اعلام کند؟ بنا را بر فرض امکان محال بگذاریم. در اینصورت، چنین شَخصی ناگزیر است مشروعیت/ حقانیت خود را بر پایه مشروعیتی کاملاً متفاوت و حتی متضاد با مشروعیت/ حقانیت نظام درهم‌شکسته اسلامی بنا کند. آن َمشروعیت چه می‌تواند باشد؟ تنها مشروعیت متصور، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم ایرانی است (بحث دموکراسی دراینجا مطرح نیست، چون بناپارتیسم‌دموکراتیک‌نیست).

این سناریو هم با توجه به کارنامه سراسر سیاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در طی چهل سال گذشته، غیرممکن است. این سرداران که سال‌های سال ایران را غارت کرده، زن و مرد و پیر و جوان ایرانی را به گلوله بسته‌اند و شخصیت‌ها و مبارزان ملی‌گرای ایرانی اعم از کُرد و لُر و بلوچ و آذری و ترکمن و ... را در داخل و خارج ایران کشته‌اند، سر بریده‌اند، ترور کرده‌اند، چگونه این دزدان قداره‌بند می‌توانند ناگهان به نام «ایران» و «ملی‌گرایی» بر اریکه‌ی قدرت بنشینند؟! آنهم گروهی که از بی‌غیرت‌ترین افراد جهان‌اند بطوری که یک آخوند، عمامه بر سر و عبا بر تن، در بالای بالا، بر کرسی می‌نشیند و در زیر پای او، در فاصله زیاد، همین به اصطلاح امیران، در نهایت تحقیر، مثل احشام، روی زمین زانو می‌زنند و دست به سینه در برابر او می‌نشینند!

هیچ افسر و هیچ نظامی که برای خود و اونیفورم‌اش اندکی احترام قائل با شد، به چنین دریوزگی تن نمی‌دهد. بگذریم.

افزون بر آنچه گفته شد، راه دیگری هم متصور است: راه طغرل سلجوقی. و به گمان بهترین راه در جهت تأمین منافع پاسداران انقلاب اسلامی.

در قرن پنجم میلادی، آنگاه که طغرل بر غزنویان پیروز شد، برای کسب مشروعیت، خلیفه عباسی را در منصب‌اش ابقا کرد. وی اندیشه کرد و برای پیشگیری از آنکه خلیفه روزی او را نامسلمان بخواند، خودش یک لقب صد درصد اسلامی برای خودش تراشید: ابوطالب رکن‌الدین محمد و آن را به تأیید خلیفه رساند! سپس او و جانشینانش، بدون کوچکترین توجهی به خوشایند و بدآیند خلیفه، هرچه خواستند به نام او و به نام خود کردند.

هرچند برای پاسداران انقلاب اسلامی چنین سناریویی غریب می‌نماید اما امکان آن قابل تصور است. یک ولی امر مئمنین به عنوان حفظ ظاهر اسلامیت نظام، اما عاری از اختیاراتی که امروز دارد. یک دولت تکنوکرات تحت فرماندهی پاسداران که در حال حاضر هم عملا بیش از نیمی از تشکیلات و منابع کشور را در اختیار دارند. آنگاه و به تدریج با رفع ممنوعیت حجاب و نوشیدن الکل، آزادی فیلم‌های با فعل حرام، آزادی آواز خواندن و رقص و دوچرخه‌سواری زنان، رفع منع آبتنی زنان با لباس شنا، ممنوعیت سنگسار و قطع دست و زدن شلاق و اقداماتی از این دست، رژیم پاسداران می‌تواند بخش بزرگی از انرژی متراکم شده در جامعه را آزاد و به مردم و به دنیای خارج بنمایاند که نظام دیگری به نام پاسداریسم روی کار آمَده است. اینان می‌توانند صد تا آیت‌الله و حجت‌الاسلام هم پیدا کنند که با چند تا فتوا، همه این حرام‌ها را یک ضرب، حلال و عین شرع انور و مبین اسلام اعلام کنند!

دیدیم که همین روزها که هنوز خبری هیچ نشده، یکی از همین آیت‌الله‌های قم که معلم اخلاق هم هست، ناگهان حکم بر قاتل بودن خامنه‌ای و شهادت بر شهادت شادروان امیرعباس هویدا و دیگران دَاده است. چه بسا، این عمل غیرمترقبه، با نشانه گرفتن مستقیم شَخص خامنه‌ای، یکی از علائم ظهور پاسداریسم بوده باشد. بنابر این، با چنین فتواهایی، فتوای رفع ممنوعیت حجاب که آب خوردن است. مردم هم پس از سال‌های سال اختناق که نفس‌شان به تنگ آمده و جان‌شان به لب رسیده، می‌توانند نفسکی بکشند. علاوه بر این، رژیم پاسداران، با چنین اقداماتی، می‌تواند به یک هدف مهمتر و بالاتری هم برسد که آن سد کردن یا به عقب انداختن واژگونی تمامیت نظام است زیرا تردید نیست که با واژگونی نظام، خود آنها از اولین قربانیان آن خواهند بود.

بنابر این اگر پاسداران با منطق سرد قدرت صرفا به منافع گروهی خودشان بیندیشند، چنین راهی آنها را زودتر به قدرت می‌رساند. به ویژه آنکه همه نشانه‌ها دلالت بر این دارد که اینان به مقام و موقعیتی که در حال حاضر دارند راضی نیستند و بیشتر از اینها می‌خواهند. به این دلیل، مقام ریاست جمهوری اسلامی را نشانه گرفته‌اند. ریاست جمهوری اسلامی، هدف نهایی یا پلکانی برای تسخیر تمامی َقدرت؟ چون اگر فقط ریاست دولت هدف نهایی باشد، این منصب که قدرت چندانی ندارد! قدرت اصلی جای دیگر است.

در رژیم‌های استبدادی به ویژه از نوع توتالیتر، قدرت اصلی در یک منصب و در یکَ شخص جمع می‌شود که ذات آن غیرقابل تقسیم و لایه‌هایی از آن قابل تفویض است. در حال حاضر، این قدرت در منصبِ ولایت فقیه و در دست خامنه‌ای متمرَکز است. پس اگر عقلانیت و جسارتی در کارِ پاسداران انقلاب اسلامی باشد، ناگزیر و در نهایت، هدف می‌بایست تسخیر همین قدرت بوده باشد. حال که نمی‌توانند رضاشاه و بناپارت بشوند، چنانچه عصبیت گروهی و نیز اندکی جرأت و جسارت داشته باشند، لااقل می‌توانند با حفظ ظاهر و تخلیه‌ی باطن، طغرل و ملکشاه بشوند.

ادامه در صفحه ۱۷

پیام پروژه ققنوس ایران به مناسبت آغاز سال میلادی ۲۰۲۱:

بدون شما هم‌میهنان کار ما به راحتی امکان‌پذیر نیست

● در تمام تلاش‌های علمی سال گذشته، باید به یک نکته مهم و ارزشمند تکیه و تاکید کرد و آن اینکه: آنچه ما را در انجام وظایف علمی به پیش می‌راند، استقبال گرم هم‌میهنان در داخل و خارج و همچنین استقبال و همکاری‌های نویدبخش جامعه علمی و دانشگاهی است. ما ققنوسیان، از پشتیبانی وفادارانه شما سپاسگزاریم. شما آهنگ حرکت ما را همچون روز نخست، حفظ کرده‌اید و ما به این رأی اعتماد از سوی شما به راستی مفتخریم.

هم‌میهنان گرامی و دوستداران اندیشکده ققنوس،

سال ۲۰۲۰، سالی بود بی‌نظیر در دوران معاصر که با ظهور و شیوع ویروس کرونا و بیماری مرگبار کووید-۱۹ زندگی عادی انسان‌ها را در سراسر گیتی درهم ریخت. فعالیت‌های ققنوس و برنامه گسترده‌ی ارائه آنها به مردم ایران و افراد علاقمند به دانش و پژوهش نیز از این درهم ریختگی، برکنار نماند.

دومین کنفرانس سالانه ققنوس که برگزاری آن با همکاری دانشگاه سن‌دیه‌گو برای ماه ژوئیه ۲۰۲۰ برنامه‌ریزی شده بود، به ناگهان متوقف شد و سفر چندین تن از پژوهشگران نامدار ایرانی و غیرایرانی لغو گردید. ولی دشواری‌های ایجاد شده در اثر تعطیلی‌ها، حرکت ما را متوقف نکرد و ققنوسیان نیزهمانند سایر قشرهای جامعه بشری، وادار شدند تا در حل مشکلات خود هوشمندانه‌تر، خلاق و مبتکر باشند.

به همت همکاران متخصص و کارشناس ما، ققنوس در شناسایی و شناساندن ویروس کرونا و خطرهای ابتلا به آن، به هم‌میهنان در درون و برون ایران، پیشگام شد و با انجام چندین گفتگوی علمی با پزشکان، میکرب‌شناسان، محققان آزمایشگاهی و کارشناسان دیگر که از شبکه‌های اجتماعی پخش شدند، کوشید تا به زبان ساده ولی مستند به یافته‌های علمی، چگونگی پیشگیری و همچنین راه‌های مبارزه با ویروس و مقابله اولیه با بیماری ناشی از آن را در اختیار مردم قرار دهد. تلاش‌ها در این راه ادامه یافت و جامع‌ترین کنفرانس مجازی مربوط به کرونا و بیماری کووید-۱۹ توسط کارشناسان ققنوس در ماه نوامبر ۲۰۲۰ برگزار شد که با استقبال فراوان ایرانیان در درون و برون ایران روبرو گردید. نوار ضبط شده این کنفرانس در شبکه‌های مجازی و کانال یوتیوب پروژه ققنوس ایران در دسترس علاقمندان می‌باشد (لطفا به لینک‌های زیر مراجعه کنید).

پیش از آن نیز کنفرانس مجازی دیگری با شرکت چند کارشناس معتبر جهانی از جمله یک کارشناس و استاد دانشگاه آمریکایی در زمینه مشکلات آب و آبرسانی در ایران و آلودگی آب‌های زیرزمینی و راه‌های مقابله با آنها، برگزار گردید که مطالب ارائه شده در آن، داده‌های علمی ارزشمندی را در پژوهش‌های ققنوس ثبت و ضبط کرد.

در سال میلادی که سپری شد، ققنوس همچنین چند نظرسنجی علمی در داخل و خارج ایران انجام داد که یافته‌های آماری آنها همچنان در دست بررسی و مطالعه علمی است. گفتگوهای کارشناسان ققنوس با رسانه‌های فارسی‌زبان در زمینه‌های گوناگون آموزشی، اقتصادی و پزشکی نیز بخش دیگری از فعالیت‌های ققنوس بود.

ولی در تمام این تلاش‌های علمی که در اینجا بسیار کوتاه به آنها اشاره شد، باید به یک نکته مهم و ارزشمند تکیه و تاکید کرد و آن اینکه: آنچه ما را در انجام وظایف علمی به پیش می‌راند، استقبال گرم هم‌میهنان در داخل و خارج و همچنین استقبال و همکاری‌های نویدبخش جامعه علمی و دانشگاهی است. ما ققنوسیان، از پشتیبانی وفادارانه شما سپاسگزاریم. شما آهنگ حرکت ما را همچون روز نخست، حفظ کرده‌اید و ما به این رأی اعتماد از سوی شما به راستی مفتخریم. بدون شما کار ما به راحتی امکانپذیر نیست.

با گروه صمیمی ققنوس و خانواده علاقمند شما دوستداران و همراهان ققنوس، امیدواریم که سالی پربارتر را آغاز کنیم؛ سالی که با آزادی ایران عزیز وسربلندی علمی ایرانیان فرهیخته توام باشد.

از جانب اعضای اندیشکده ققنوس
دکتر کاوه راد
۹ دی ماه ۱۳۹۹
۳۰ دسامبر ۲۰۲۰

آموزش بازیگری تئاتر و سینما در دنیای مجازی؟! بازیگری به تجربه‌ی عینی و حضور فیزیکی نیاز دارد

● ایرج امامی: فکر می‌کنم این نوع کلاس‌ها در آینده‌ی بعد از کرونا عملی نخواهند بود برای اینکه در کار ما نیز من مانند پزشکی هستم که بیمار را باید از نزدیک معاینه کنم و از جمله نبض‌اش را بگیرم و فشار خون وی را اندازه‌گیری کنم و دیگر آزمایش‌های لازم را انجام بدهم تا بگویم این بیمار مشکل‌اش چیست. وقتی من بازیگر را نمی‌بینم و نمی‌دانم فیزیک و صدا و نوع حرف زدنش چگونه است و یا اینکه چقدر در مورد تئاتر می‌داند، نمی‌توانم در کار آموزش بسیار مؤثر باشم.

در شرایطی که نزدیک به یکسال است شیوع ویروس کُرونا بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی به ویژه در عرصه‌ی فرهنگ و هنر را متوقف کرده، چگونه می‌توان از امکانات فضای مجازی برای رشته‌هایی بهره برد که حضور فیزیکی انسان در آنها نقش تعیین‌کننده بازی می‌کند؟

چندی پیش «بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی» یکسری کلاس‌های آموزش بازیگری در تئاتر و سینما به صورت مجازی با سرپرستی دکتر ایرج امامی کارگردان و بازیگر تئاتر و سینما برگزار کرد که مورد استقبال علاقمندان قرار گرفت. در مورد این کلاس‌ها و اینکه چطور می‌توان هنر بازیگری را که به حضور بازیگر نیاز دارد بطور مجازی آموزش داد، با ایرج امامی گفتگو کردیم.

-ایده برگزاری کلاس‌های بازیگری به صورت مجازی از کجا آمد؟

-این ایده پیشنهاد بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی و مدیر آن فروتن پرند است که می‌خواست جوانان بطور کلی با بازیگری در تئاتر و سینما آشنا بشوند. بنیاد پیشنهاد برگزاری آن را با من مطرح کرد و من هم از آن استقبال کردم. تمام زحمات تدارکاتی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات را هم خود بنیاد انجام داده. شاید خوانندگان فکر کنند که برگزاری جلسه آموزشی به صورت مجازی کاری ساده است و وقت زیادی نمی‌گیرد ولی واقعا پر زحمت و وقت‌گیر است.

«بنیاد ژاله اصفهانی» تا چندی پیش تمام برنامه‌هایش در زمینه‌ی شعر و ادبیات است بود، ولی با تغییر نام به «بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی» در زمینه‌های دیگر فرهنگ و هنر نیز فعال شده. برگزاری کلاس‌های تئاتر در همین چارچوب جدید انجام گرفت. وقتی از من برای برگزاری این کلاس‌ها دعوت کردند طبیعی بود که باید خودم را آماده می‌کردم و در کنار مباحث نظری کارهای عملی نیز آماده می‌کردم. در همین زمینه از اعضای گروه تئاتر خودم، هادی خشکباری و مهدی بندرچی، خواهش کردم اتودهایی برای شرکت‌کنندگان در کلاس اجرا کنند.

-آیا مجازی بودن این کلاس‌ها جنبه نظری آن را نسبت به اجرای عملی سنگین‌تر نمی‌کند؟

-ببینید، این کار چون تجربه‌ی جدیدیست و نخستین تجربه‌ی خود من در این زمینه بود، جمع و جور کردن آن بسیار مشکل بود. من نمی‌دانستم که شرکت‌کنندگان در کلاس من چقدر در مورد تئاتر می‌دانند، بنابراین باید بین کسی که هیچ چیزی نمی‌داند و کسی که بسیار می‌داند یک میانگین می‌گرفتم و مجموعه‌ای درست می‌کردم که به درد هر دو گروه بخورد. اگر بسیار مقدماتی و با طرح مسائل اولیه صحبت کنم کسانی که بیشتر می‌دانند ممکن است احساس کنند که وقت آنها تلف شده. به همین دلیل فکر می‌کنم این نوع کلاس‌ها در آینده‌ی بعد از کرونا عملی نخواهند بود برای اینکه در کار ما نیز من مانند پزشکی هستم که بیمار را باید از نزدیک معاینه کنم و از جمله نبض‌اش را بگیرم و فشار خون وی را اندازه‌گیری کنم و دیگر آزمایش‌های لازم را انجام بدهم تا بگویم این بیمار مشکل‌اش چیست. وقتی من بازیگر را نمی‌بینم و نمی‌دانم فیزیک و صدا و نوع حرف زدنش چگونه است و یا اینکه چقدر در مورد تئاتر می‌داند، نمی‌توانم در کار آموزش بسیار مؤثر باشم.

تئاتر با تمام هنرهای دیگر تفاوت‌هایی دارد. درست است که مجموعه‌ی هنرهای دیگر در آن حضور دارند ولی شما اگر بخواهید موسیقی تدریس بکنید کار راحت‌تر پیش می‌رود و هنرآموز می‌تواند آموخته‌های خود را بلافاصله برای معلم در دنیای مجازی اجرا کند و معلم آن را بشنود و راهنمایی‌های لازم را بکند. در مورد تئاتر این صادق نیست. در کلاس‌های گروهی شما با کسانی سر و کار دارید که آنها را ندیده و نمی‌شناسید. من معمولاً در کارگاه‌های آموزشی که برگزار کرده‌ام در روز اول هنرجوها را ارزیابی می‌کنم و شناختی از میزان دانسته‌ها و تجربه‌های آنها می‌یابم؛ یعنی اینکه مبتدی هستند یا پیشرفته؛ اگر کار کرده باشند، آیا راه درست رفته‌اند یا اشتباه و...

البته فکر می‌کنم یک نتیجه مثبتی که تدریس مجازی تئاتر داشت این بود که عده‌ای را با «متد آکتینگ» آشنا کردیم. اینهمه که می‌گویند «متد آکتینگ»، اصلاً چیست؟ اساساً این تئاتر علمی که توسط استانیسلاوسکی ابداع شده چیست که تمام دنیا را فراگرفته است و در دانشگاه‌ها برایش دوره می‌گذارند. در استودیوی معروف «متد آکتینگ» که لی استراسبورگ در نیویورک بنیان گذاشته بهترین بازیگران تئاتر و سینما پرورش یافته‌اند. سرمنشاء این متد همان سیستم استانیسلاوسکی است. «متد آکتینگ» امروزه دیگر محدود به لی استراسبورگ نیست و معلم آمریکایی من که درلندن تدریس می‌کرد، جک وارستر بود که از بهترین شاگردهایش می‌توان از داستین هوفمن، جک نیکلسون و آل پاچینو نام برد. جک وارستر در فیلم «توتسی» سیدنی پولاک نقش خودش را بازی می‌کند و به داستین هوفمن یاد می‌دهد که چگونه نقش زن را بازی کند.

-آیا جلسات تدریس بازیگری از طریق زوم نمی‌تواند دو طرفه باشد؟ به این معنا که هنرجویان آموزش‌های شما را همان‌موقع اجرا کنند؟

-برای عملی ساختن اینها فضای خاص و معمولاً به یک همبازی نیاز هست که در جلسات تدریس زوم این امکانپذیر نیست زیرا هر کس تنها در این جلسات شرکت می‌کند. در نتیجه من پایه و اساس متد آکتینگ را توضیح می‌دادم تا شرکت‌کنندگان آشنایی کلی و تاریخی با آن پیدا کنند و بدانند با چه جریانی روبرو هستند. در جلسه ما نمونه‌هایی از این شیوه را با اجراهایی توسط اعضای گروه تئاتری خودمان ارائه دادیم که البته از این نوع تمرین‌ها تعداد بسیار زیادی وجود دارد. ما تمرین‌هایی برای صدا، بدن و ذهن داریم. انجام همه‌ی این تمرین‌ها چندین سال طول می‌کشد یعنی یکی دو جلسه‌ی مجازی به هیچ وجه کفایت نمی‌کند.

وقتی به امثال رابرت دونیرو، آل پاچینو و دانیل دی لوئیز (بازیگر پُر توان انگلیسی) نقشی می‌دهند، آنها در مورد نقش‌هایشان مدت‌ها فکر می‌کنند، برای آنها بیوگرافی درست می‌کنند و تمرینات مداوم انجام می‌دهند. یعنی همینجوری نیست که بیایند و زودی بروند درون نقش و بعد بیایند جلوی دوربین! دانیل دی لوئیز برای ایفای یکی از نقش‌هایش دو سال در مزرعه‌ای کار کرده. و یا برای ایفای نقش هنرمند معلول، کریستی براون، در فیلم «پای چپ من» در تمام طول فیلمبرداری در صندلی چرخدار باقی ماند تا از فرم آن هنرمند معلول در نیاید.

البته هنرمندانی هستند که بطور تجربی و بدون گذراندن دوره‌های «متد آکتینگ» بازیگران قدرتمندی هستند. زمانی که من با یک کمپانی مهم انگلیسی کار می‌کردم که مهماندار بزرگترین بازیگران و کارگردان‌های سینما بودند از جمله جان میلز بازیگر سرشناس بریتانیایی، بیشتر کار ما همزمان با فستیوال بین‌المللی فیلم لندن بود. همراه او و عده‌ای از بازیگران معروف جوان نشسته بودیم و میلز از تجربیات خودش می‌گفت. کنت برانا بازیگر و کارگردان سرشناس انگلیسی از او پرسید راجع به «متد آکتینگ» چه فکر می‌کند. میلز در جواب با عصبانیت گفت که این چیزها مزخرف است و بازیگر فقط باید بازی بکند. من از او پرسیدم چگونه در فیلم معروف «دختر رایان» نقش دیوانه‌ی روستا را بازی کرده؛ آیا مدلی در ذهن خودش داشته؟ او گفت از دوران بچگی، دیوانه‌ای را در محله خودشان به یاد آورده بود که بچه‌ها اذیتش کرده و سنگ به طرف او پرتاب می‌کردند. من گفتم که دقیقاً همین بخشی از متد آکتینگ است. یعنی شما در عمل آن شیوه را به کار بسته‌اید. اگر برگردیم به استانیسلاوسکی، خلاصه مطلب آن است که او چیزهایی را که بطور تجربی یاد گرفته بود بعدها به صورت علمی تدوین کرد. بازیگران تئاتر و سینما دو نوع هستند: گروهی که غریزی کار می‌کند و گروهی که با اتکاء به «متد آکتینگ» کار می‌کنند. گروه اخیر در کارشان پیشرفت می‌کنند ولی گروه اول درجا می‌زند. مثالی که من برای «متد آکتینگ» می‌زنم آن است که تو برای ورود به خانه‌ات یا کلید داری یا نداری. اگر کلیدت را گم کرده باشی مجبوری شیشه را بشکنی، یا نردبان بگذاری، یا از دیوار همسایه بالا بروی و یا از پشت بام وارد خانه‌ات شوی. خلاصه راهی باید پیدا بکنی که وارد خانه‌ات شوی. اگر بر «متد» مسلط باشی، مانند داشتن کلید است که به راحتی با آن می‌توانی در را باز کنی و وارد خانه بشوی و در را قفل کنی. یعنی بازیگر با «متد آکتینگ» می‌داند چگونه روی بدن، صدا و ذهن کاراکترش کار کند. اینها همان کلیدهایی هستند که او دارد. وقتی به بازیگری فرضاً نقش یک ایتالیایی داده می‌شود، او باید از آن منطقه‌ی ایتالیا که کاراکتر مربوطه می‌آید شناختی کسب کند.

من از دوره جوانی با «متد آکتینگ» در تئاتر «آناهیتا»ی مهین و مصطفی اسکویی که وارثان این متد بودند شروع کردم و بعدها در بریتانیا درباره این شیوه بیشتر مطالعه کردم و تکاملش دادم.

– البته اینها به این معنی نیست که با این متد و این «کلید» می‌توان پروسه‌ی ورود به نقش را میانبر زد بلکه کلید ورود به این پروسه به بازیگر داده می‌شود.

-تا ما «متد اکتینگ» را در عمل اجرا نکنیم و تمرین طولانی نداشته باشیم نمی‌توانیم وارد نقش بشویم. خود استانیسلاوسکی زمانی که این سیستم را ابداع کرد بزرگترین بازیگر تئاتر در روسیه بود. تماشاگران بعد از هر اجرا به شدت او را تشویق می‌کردند. ولی او در خاطراتش می‌نویسد زمانی که پشت پرده هنوز صدای دست زدن‌ها و ابراز احساسات به گوشم می‌رسید پیش می‌آمد که از بازی خودم به هیچ وجه راضی نبودم زیرا می‌دانستم آن نقش را مکانیکی بازی کرده‌ام یعنی از درون به آن کاراکتر نزدیک نشده‌ام.

می‌توانم «متد آکتینگ» را به این تشبیه کنم که تصویر یک شخصیت داریم. تصویر بازیگر را روی ورقه‌ی شفاف هم داریم و آندو را به همدیگر نزدیک می‌کنیم تا کاملاً روی هم بیفتند و یکی شوند به صورتی که جدا کردن آنها از هم دیگر مشکل باشد. به عبارت دیگر، بازیگر باید سن، صدا و ذهنیات کاراکتر را کاملاً از آن خود کند. برای نمونه، نسخه‌های زیادی از هاملت شکسپیر ساخته شده ولی هاملت تولید شوروی در سال ۱۹۶۴ به کارگردانی گریگوری کوزینتسف و بازیگری اینوکنتی اسموکتونوسکی در نقش هاملت چیز دیگریست چون بازیگر به کاراکتر هاملت بسیار نزدیک شده. حتی لورنس اولیویه بازیگر بزرگ انگلیسی هم گفته است که اگر می‌دانستم بازیگری چنین قوی نقش هاملت را بازی خواهد کرد، من آن را بازی نمی‌کردم.

نسخه‌های زیادی از هاملت وجود دارد. خود من ۱۵ سال پیش می‌خواستم نسخه‌ای از آن را در ایران بسازم که هاملت انگلیسی صحبت کند و بقیه‌ی بازیگران به فارسی. قرار بود نقش هاملت را جوزف فاین که در فیلم «شکسپیر عاشق» بازی کرده، بازی کند. تهیه‌کننده هم داشتم، دیوید گدارد. ولی جمهوری اسلامی ایران به هیچکدام از عوامل انگلیسی ویزا نداد و پروژه خوابید. البته هنوز ناامید نشده‌ام و می‌خواهم این پروژه را در ایران به فارسی درست کنم. می‌خواهم که کارهای سنتی ایرانی، متد آکتینگ و شیوه بازیگری برشتی را کنار هم بیاورم و در یک اثر قوی شکسپیری به بوته آزمایش و تجربه بگذارم.

-با این توصیفات و توضیحات، حرف شما این است که در دنیای مجازی نمی‌توان برای رشته‌هایی مثل بازیگری سینما و تئاتر جای حضور فیزیکی را پر کرد.

-تجربه آنلاین نشان داد که آموزش بازیگری در تئاتر و سینما برای تعداد زیاد خوب جواب نمی‌دهد ولی بدیهی است که برای مباحث نظری مناسب است. پس از گذراندن این تجربه می‌توانم بگویم که تدریس خصوصی به یک و یا دو نفر و کمی بیشتر، یعنی افرادی که بتوانند در یکجا در کنار هم حضور داشته باشند بهتر عمل می‌کند. گفتم دو نفر و یا کمی بیشتر زیرا تئاتر یک هنر گروهی است و بیشتر تمرین های تئاتری کنش و واکنش بین دو و یا چند نفر است. تدریس هم می‌تواند به این صورت باشد که مربی در یک جلسه تدریس کند و در جلسه بعدی هنرجویان آموخته‌های خود را ارائه دهند و مربی راهنمایی‌های لازم را بکند. ولی به هر حال ما در دوران کرونا حداکثر تلاشمان را می‌کنیم و به استقبال تجربه‌های نوین با بهره‌مندی از تکنولوژی می‌رویم.

سازمان ملل:

۸۰ کودک در ایران در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند

● در گزارش سالانه وبسایت حقوق بشری «هرانا» که در آخرین روزهای سال ۲۰۲۰ منتشر شد، آمده که در این سال میلادی ۹۵ نفر به اعدام محکوم شدند و ۲۳۶ نفر نیز اعدام شدند.

● سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل نسبت به خطر قریب‌الوقوع اعدام ۸ نفر هشدار داد.

● سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌گوید ادعاهایی وجود دارد که محمدحسن رضایی با شکنجه مجبور به اعتراف علیه خود شده است.

میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد ضمن محکومیت اعدام محمدحسن رضایی از رژیم ایران خواست تا به اعدام کودکان بزهکار خاتمه دهد و پرونده آنان را مطابق قوانین بین‌المللی حقوق بشر بررسی کند. سازمان ملل می‌گوید ۸۰ کودک بزهکار در ایران در خطر اجرای حکم اعدام هستند.میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روز پنجشنبه ۱۱ دی‌ماه با صدور بیانیه‌ای اعدام محمدحسن رضایی که گفته می‌شود در ۱۶ سالگی مرتکب قتل شده را «به شدت» محکوم کرد.محمدحسن رضایی در سال ۱۳۸۶ وقتی‌که ۱۶ ساله بود، در جریان درگیری گروهی با اتهام قتل عمد روبرو و محاکمه شد.

این چهارمین اعدام تأیید شده یک کودک بزهکار در ایران در سال ۲۰۲۰ است که صبح روز پنجشنبه ۱۱ دی‌ماه در زندان لاکان شهر رشت اجرا شد.

میشل باشله کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل همچنین تأکید کرد که این اعدام با وجود مداخلات و گفتگوهای دفتر حقوق بشر سازمان ملل با دولت ایران صورت گرفته است.راوینا شمداسانی سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است که «ادعاهای بسیار نگران کننده‌ای وجود دارد که اعترافات اجباری که از طریق شکنجه انجام شده در محکومیت محمدحسن رضایی به کار گرفته شده و نگرانی‌های جدی دیگری نیز در مورد نقض حقوق دادرسی عادلانه وی وجود دارد.»وی اعدام کودکان بزهکار را طبق قوانین بین‌المللی ممنوع خواند و افزود که رژیم «ایران نیز ملزم به رعایت این ممنوعیت است.»

سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل همچنین اعلام کرد که اعدام محمدحسن رضایی جزو اعدام‌هایی است که فقط در فاصله‌ی یک هفته از ۱۹ تا ۲۶ دسامبر اجرا شد و در این مدت دست‌کم ۸ نفر در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند.شمداسانی همچنین هشدار داد که گزارش‌های تأیید نشده نشان می‌دهد که حداقل ۸ نفر دیگر در معرض خطر «اعدام قریب‌الوقوع» قرار دارند.سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که سازمان ملل بارها از جمهوری اسلامی ایران خواسته است تا عمل وحشتناک اعدام مجرمان کودک را متوقف کند و ما مطلع هستیم که حداقل ۸۰ کودک بزهکار همچنان در معرض مجازات اعدام قرار دارند.

کمیساریای عالی از مقامات رژیم ایران می‌خواهد که همه اعدام‌های کودکان بزهکار را متوقف کرده و بلافاصله پرونده‌های آنها مطابق با قوانین بین‌المللی حقوق بشر بررسی شود.در گزارش سالانه وبسایت حقوق بشری «هرانا» که در آخرین روزهای سال ۲۰۲۰ منتشر شد، آمده که در این سال میلادی ۹۵ نفر به اعدام محکوم شدند و ۲۳۶ نفر نیز اعدام شدند.پیشتر در اواخر آذرماه، مجمع عمومی سازمان ملل بار دیگر با صدور قطعنامه‌ای با ۸۲ رأی مثبت، نقض شدید و سیستماتیک حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را در ایران محکوم کرد.

این قطعنامه که طرح و پیشنهاد آن توسط کانادا ارائه شده بود، از سوی اغلب کشورهای دموکراتیک دنیا مانند آمریکا، انگلستان، استرالیا، فرانسه، آلمان، سوئد، ژاپن، پرتغال، لوکزامبورگ، فنلاند، لهستان، اسلوونی، اسرائیل، ایتالیا و دانمارک مورد تأیید قرار گرفت.

گزارش ویژه؛ «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران»، «میز ایران» و ....

از صفحه ۱۱

همزمان نامه‌ای خطاب به هیئت امنای فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران تنظیم و برای امضا در اختیار روزنامه‌نگاران قرار گرفته تا بر اساس آن روزنامه‌نگار بودن روح‌الله زم را تأیید و از حق تعلق صنفی وی که جان خود را نیز بر سر آن از دست داده است، دفاع کنند. در این نامه به این فدراسیون توصیه و پیشنهاد شده که «شایسته است در این‌باره از یک فرد بی‌طرف مسلط به زبان فارسی بهره بگیرید.»

در بخش دیگری از این نامه آمده «آیا می‌توانیم بپرسیم کسی که در وبسایت شما به عنوان مسئول میز ایران و سردبیر بخش فارسی معرفی شده است بر اساس چه مکانیسمی به این سمت منصوب شده است؟ سمتی که به آنان صلاحیت می‌دهد بدون مشورت با همکاران‌شان در مورد روزنامه‌نگار بودن یا نبودن دیگران نظر بدهند، از کجا آمده است؟ ماشالله شمس‌الواعظین- جانشین دبیر بخش ایران فدراسیون- که شما به توئیت او استناد کرده‌اید، از سال ۲۰۰۳ روزنامه‌نگاری را کنار گذاشته است. شما چگونه به توئیت او برای تشخیص روزنامه‌نگار بودن یا نبودن زم استناد کرده‌اید اما نظر بسیاری از روزنامه‌نگاران فعال و باسابقه و نیز همکاران او در تلویزیون بیان را نادیده گرفته‌اید؟»

ماشاالله شمس‌الواعظین در اکتبر ۲۰۱۹ که روح‌الله زم از عراق ربوده و به زندان در ایران منتقل شده بود معلوم نیست بر اساس چه جایگاهی، در توئیتی نوشت: «در مورد هویت شغلی روح‌الله زم از هر عنوانی» استفاده شود «بجز روزنامه‌نگار»! وی «فتوا» داد: «روح‌الله زم روزنامه‌نگار نیست!»

مشکل اصلاح‌طلبان با روح‌الله زم چیست؟

حاشیه‌های به وجود آمده درباره اقدام عجیب و تنگ‌نظرانه و انحصارطلب «میز ایران» در فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران بار دیگر شبکه اصلاح‌طلبان در خارج از ایران و روند «خودی و ناخودی» کردن توسط وابستگان و دلبستگان جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار داد و زیر ذرّه‌بین برد.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در بیانیه خود در حالی نظر یکی از اعضای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران را مورد توجه قرار داده که نگاهی به فهرست اعضای هیئت مدیره این انجمن ظاهرا صنفی، از جمله رئیس آن، عباس عبدی، نشان از آن دارد که این نهاد «صنفی» که به دست رجبعلی مزروعی و دیگر فعالان اصلاح‌طلب بنا نهاده شده، همچنان در تسخیر اصلاح‌طلبان و در خدمت اهداف سیاسی است.

در شرایطی که برخی استقلال این نهاد صنفی را با توجه به رصد کردن و سانسور و فشارهای امنیتی در ابهام می‌بینند، در روزهای گذشته نیز برخی روزنامه‌نگاران درباره رفتار جناحی این نهاد ظاهرا صنفی، حتا در زمینه‌ی صدور کارت خبرنگاری نیز، ادعاهایی را مطرح کرده‌اند.

برخی اعضای این نهاد پیشتر نیز در مقابل مخالفان جمهوری اسلامی موضعگیری کرده و همواره حامی جریان اصلاحات به عنوان بخشی از نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند.

اما همچنان این پرسش برجاست که چرا برخی اصلاح‌طلبان چنان زاویه تندی با روح‌الله زم داشته، و حتا پس از اعدام وی، عنوان «روزنامه‌نگار» را نیز از وی دریغ می‌کنند؟! واقعا کسی را که پیشینه‌ی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری داشته و یک کانال خبررسانی را مدیریت می‌کرده، اگر نه در صنف خبرنگار و روزنامه‌نگار، پس در چه فعالیت صنفی می‌بایست قرار داد؟! «مدیر یک کانال تلگرامی» که جز اطلاعات سیاسی و اجتماعی منتشر نمی‌کرده، جزو کدام صنف به شمار می‌رود؟!

شاید ماجرا به اعتراضات دی‌ماه ۹۶ بازگردد؛ نقطه‌ای که کانال «آمدنیوز» از اعتراضات مردم تمام‌قد حمایت کرد و به پوشش کامل خبری آن پرداخت. اصلاح‌طلبانی که تا چند ماه پیشتر کانال «آمدنیوز» را یک رسانه مخالف علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و مدافع انتخابات حسن روحانی می‌دیدند، حالا با خبررسانی اعتراضاتی در این کانال روبرو می‌شدند که شعارهای ساختارشکن مردم در آن به روشنی خواهان براندازی نظام بود.

شعار معروف و بنیادی «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» در این اعتراضات که مردم با آن تکلیف خود را با جناحین و کلیت نظام تعیین کردند، از سوی کانال «آمدنیوز» با مخاطب میلیونی بازتاب داده شد! این شعار روشن و صریح تیر خلاصی به جریان اصلاحات در ایران از سوی مردم خسته و خشمگین و منزجر از بازی‌های سیاسی بود که «آمدنیوز» یکی از مؤثرترین منتشرکنندگانش بود.

روح‌الله زم در دی‌ماه ۹۶ اعتراضاتی را در «آمدنیوز»، کانال تلگرامی خود، پوشش می‌داد که بسیاری از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب خواهان سرکوب شدید آن شده بودند.

عباس عبدی فعال اصلاح‌طلب و رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران خواهان «برخورد تند با اغتشاشگران» شد. وی با ادعای وابسته بودن معترضان در ایران به کشورهای عربی منطقه و توضیح در لزوم «جمع کردن بساط» اعتراضات، گفته بود «هیچ خطری را کوچک فرض نکنیم!»

همزمان حمیدرضا جلایی‌پور نیز معترضان را «کرکس» خواند و مانند عبدی خواهان برخورد با آنها شد. جمیله کدیور روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب و همسرش عطاءالله مهاجرانی که از جمله اصلاح‌طلبان ساکن خارج از ایران هستند نیز به معترضان تاختند. روح‌الله زم در اعتراف‌گیری تلویزیونی خود نیز در حالی که در چنگال خونین رژیم اسیر و گروگان بود، در برابر بازجوخبرنگار سیمای جمهوری اسلامی از اعتراضات مردم در برابر «اغتشاش» خواندن آن دفاع کرد.

در شرایطی که رسانه‌های اصولگرا، اصلاح‌طلبان را حامیان و همکاران زم عنوان می‌کردند اما زم در مواردی از جمله درباره سازماندهی تیمی در شبکه‌های اجتماعی برای حمایت از دولت روحانی پرده برداشته بود. تیمی که شامل فعالان عمدتاً اصلاح‌طلب بودند.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان در حالی که از یکسو از افشاگری‌های «آمدنیوز» درباره «تنها» مشکل خود، یعنی علی خامنه‌ای، خوشحال بودند اما از سوی دیگر از نزدیکی زم به «براندازان» ناخشنود شده و می‌خواستند او، روح‌الله زم خودشان و بلندگوی آنها باشد؛ همانَ روح‌الله زمی که در ستاد انتخاباتی مهدی کروبی بود و تا پیش از خروج از ایران با «گعده» اصلاح‌طلبان همراه و همسو بود.

به هر روی موضوع غم‌انگیز و قابل تأمل اینست که چگونه اعضای پیدا و پنهان شبکه اصلاح‌طلبان و دیگر شبکه‌های دلبسته به رژیم اسلامی ایران که طی سال‌های گذشته یا به خارج صادر شده و یا پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به خارج از ایران مهاجرت کرده‌اند تا این اندازه در رسانه‌ها، نهادهای حقوق بشری و بخشی از اپوزیسیون و البته هر جا که بودجه و پولی برای پخش کردن باشد رخنه کرده است! و چگونه با استفاده از امتیازات زندگی در جوامع اروپایی و آمریکا، مستقیم و غیرمستقیم به استمرار جمهوری اسلامی علیه مردم یاری می‌رساند! و تا چه میزان سرشت حذفی و انحصارطلب «خودی و ناخودی» نظام را با خود به جوامع باز و بردبار آورده است!

وظیفه‌ی روزنامه‌نگاران مستقل و مدافع حقوق سیاسی و صنفی و همچنین فعالان سیاسی و مدنی و حقوق بشری فراتر از مرزهای ایران و مقابله با جمهوری اسلامی درون ایران است. در اینجا، در تبعید و مهاجرت نیز، وظیفه و مسئولیت عظیمی در برابر ایرانیان مدافع دمکراسی و حقوق بشر قرار گرفته که این نبرد نابرابر را بیش از پیش سهمگین می‌کند. نبردی که احساس وظیفه و مسئولیت را در برابر مردم آن سرزمین رنجدیده با مادران و پدران و فرزندان سوگوار، و در برابر آینده‌ی ایران و نسل‌هایی که در حال رشدند، چندین برابر می‌کند.

یکجایی می‌بایست همانگونه که معترضان در اعتراضات دی ۹۶ با جمهوری اسلامی اتمام حجت کرده و گفتند: «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا»، بر استمرار سیاست‌های رژیم اسلامی و فرقه‌ای جمهوری اسلامی در خارج از کشور، نقطه پایان گذاشت تا به جنبش مردم در داخل نیز یاری رسانده شود.

استقبال از ملانی ایوت فرانکلین با نام مستعار «مرضیه هاشمی» در فرودگاه «امام» تهران پی از چند روز بازداشت در آمریکا

سام رجبی .... از صفحه ۱۰

سام رجبی در سال ۱۳۸۹ پس از آنکه از تیم ملی جودو ایران کنار گذاشته شد به آمریکا مهاجرت کرد و تا کنون ۲ مدال طلا در رقابت‌های بی‌جی‌جی‌پرو کالیفرنیا و مدال طلای جهانی جوجیتسو و نقره گرند اسلم آمریکا را به دست آورده است.

پس از آنکه نوید افکاری از معترضان اعتراضات سال ۹۷ در ایران در دادگاه به اعدام محکوم شد، کمپین‌های مختلفی برای دفاع وی آغاز به کار کرد که سام رجبی از جمله اعضای فعال آنها بود. پس از اعدام نوید افکاری نیز کمپین «اتحاد برای نوید» در شبکه‌های اجتماعی فعال شد تا در کنار دیگر موارد نقض حقوق بشر و کشتن و اعدام جوانان ایران به جرم آزادیخواهی، به دادخواهی برای وی ادامه دهد.

در حالی که وکلا روند دادرسی پرونده نوید افکاری را غیرعادلانه و غیرقانونی اعلام کرده و گفتند که اعترافات او زیر فشار و شکنجه بوده است و با وجود اعتراضات گسترده‌ی داخلی و خارجی از جمله در شبکه‌های اجتماعی در اعتراض به صدور حکم اعدام علیه وی، جمهوری اسلامی اما نوید افکاری را سحرگاه شنبه ۲۲ شهریور ۹۹ اعدام کرد.یک روز پیش از آنکه سام رجبی به مقام قهرمانی جهان در رشته جوجیتسو برسد، خبری درباره زیر فشار قرار گرفتن خانواده نوید افکاری برای جلوگیری از نصب سنگ بر مزار او و بازداشت چند ساعته پدر و برادرش در روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه منتشر شد.

یک منبع آگاه گفته بود که «خانواده افکاری در این مدت تحت فشار بوده‌اند تا روی قبر نوید افکاری سنگ مزار نگذارند و امروز پدر و برادر نوید در حال تمیز کردن و آماده‌سازی مزار نوید برای نصب سنگ قبر بودند که بازداشت شدند.»

وحید و حبیب، دیگر برادران نوید افکاری با گذشت بیش از ۳ ماه از اعدام او، همچنان در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند و نسبت به سلامت جسمی و روحی و روانی آنان نگرانی‌های جدی وجود دارد.دادگاه انقلاب شیراز وحید افکاری را به ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و همچنین حبیب افکاری را به ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است.

تغییر آرم موزه هنرهای ....

از صفحه ۵

بلکه بر سر حذف یک نشانه و علامت فرهنگی است! کاری که با وقوع جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف پیش می‌رود. اما مردم حتا پس از چهل و یک سال نتوانسته‌اند با جمهوری اسلامی «ارتباط» برقرار کرده و به آن «عادت» کنند.

این گرافیست مشهور درباره طرح جدید خود می‌گوید: «هویت بصری موزه چهار رنگ دارد که سیاه، سفید، خاکستری و نارنجی است اما رنگ اصلی در آن نارنجی است؛ این رنگ را بیشتر مبتنی بر رویکرد معاصر بودن انتخاب کرده‌ام.»

به گفته‌ی هادی مظفری مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موزه هنرهای معاصر در دی‌ماه جاری پس از عملیات بازسازی بازگشایی خواهد شد. این وزارتخانه مدعی خرج ۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان برای بازسازی این بنای متعلق به دوران پهلوی شده است.

در دهه هفتاد میلادی با تلاش شهبانو فرح پهلوی، موزه هنرهای معاصر تهران بنا نهاده شد و وی مجموعه‌ای گرانبها و بی‌نظیر از آثار هنرمندان مدرن جهان از جمله پابلو پیکاسو، فرانسیس بیکن و اندی وارهول را در این موزه گرد آورد. این مجموعه اکنون یکی از مهمترین کلکسیون‌های جهان در عرصه‌ی هنر مدرن غرب محسوب می‌شود و قیمت‌گذاری بر برخی آثار آن امکان‌پذیر نیست.

شهبانو فرح پهلوی نقش بسیار موثری در توسعه هنر ایران داشت تا کشور به واسطه ایجاد موزه‌ها و نمایشگاه‌های مختلف به پناهگاه امنی برای هنر و فرهنگ جهان تبدیل شود.وی همچنین مجموعه ارزشمند و منحصر به فردی از آثار ون گوگ، پیکاسو و روتکو را خریداری و برای هنردوستان ایران گرد آورد که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی این روند نه تنها متوقف شد بلکه با تخریب نیز روبرو گشت.مو

پهلویسم، بناپارتیسم و ...

از صفحه ۱۵

سخن پایانی

چنانکه در آغاز این نوشته آمد، نظام حکومتی جمهوری اسلامی نه شباهتی به نظام‌های گذشته جهان دارد و نه به نظام‌های معاصر. همین امر، کارِ پژوهندگان و نیز فعالان سیاسی را بسیَ دشوار کرده و کار تطبیق و مقایسه را نامطمئن. استدلال کردم که پاسداران نه می‌توانند رضاشاه باشند و نه بناپارت. اینان فقط بلدند در برابر مردم بی‌دفاع شاخ و شانه بکشند، وگرنه به پاشنه پای دایی‌جان ناپلئون هم نمی‌رسند چه برسد به خود بناپارت!

اما همینکه برای برون‌رفت از وضع فلاکت‌بار کشور، از جانب خودِ مسئولان رژیم و کارگزارانشان اینگونهَ سناریوها عنوان می‌شود، خود نشانه‌ی بن‌بستی است که این رژیمِ عجیب و غریب گرفتار آن شده است. سپس به بررسی چند فرضیه پرداختم. به خواننده حق می‌دهم اگر با لبخندی یا با قهقه‌ای، سناریوهای مطرح شده را به سُخره بگیرد. اما در روزگار ما، اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر جدی و بی‌شماری در جهان هستند که با بودجه‌های کلان، روز و شب به مطالعه و بررسی سناریوهای گوناگون در رشته‌های مختلف می‌پردازند. از این گذشته، این نویسنده جزو آن جمع اندکی است که نه‌تنها در انقلاب اسلامی شرکت نکرده بلکه ضد آن بوده و هست. اما آنان که انقلاب کردند، چه آنها که پیروز شدند و چه آنها که سرکوب، آیا رویداد انقلاب و سناریوهای بعد از آن را پیش‌بینی کرده بودند؟ پس اکنون که اپوزیسیون در حال گشت و گذار است، چه بسا که یکی از همین سناریوها یا شکلی از آن عملی شود. به امید آنکه هیچیک از اینها عملی نشود و ایَرانیان دموکرات، سکولار و ایراندوست، دست به دست هم دهند و نظام جمهوری اسلامی را در کلیت‌اش واژگون ساخته و یک نظام عادی و امروزی و دموکراتیک را جانشین آن سازند.

•پروفسور دکتر مهدی مظفری
از دانشکده علوم سیاسی دانشگاه Aarhus دانمارک

Authority in Islam : From Muhammad to Khomeini, M.E. Sharpe, USA & UK, 198
Pouvoir Shî'ite: Théorie et Evolution, Paris, L'Harmattan, 1998
Islamism : A New Totalitarianism, Schiller, Germany & Lynne Rienner, USA and UK, 2017

گفتگو با فرخ آهی ....

از صفحه ۵

● عصر طلایی موزیک پاپ ایرانی پس از انقلاب را شاید بتوان در دهه شصت خورشیدی دید. در آن دوره برخی از هنرمندان مانند هایده و معین آلبوم‌های مشترک به بازار ارائه کردند.

-بله، در دهه شصت همکاری بسیاری از خواننده‌ها را داشتیم از معین و هایده تا شهرام و ابی و شاهرخ که به صورت مشترک آلبوم منتشر کردند، چون هم شنونده را بیشتر راضی می‌کند و هم باعث فروش بیشتر می‌شود. فکر می‌کنم برای خانم‌هایده و معین که سبک خودشان را داشتند این همکاری باعث شد که طرفداران دو خواننده در یک آلبوم به آثار آنها دسترسی پیدا کنند. این آلبوم‌های مشترک و دو صدایی یک راه بسیار مناسب و شناخته شده‌ای در موسیقی دنیاست که خواننده‌های معروف آمریکایی هم آن را دنبال می‌کنند.

● در نوروز ۱۳۶۸ پس از پایان یکی از تلخ‌ترین دوران پس از انقلاب یعنی جنگ هشت ساله ایران و عراق، شما آهنگ ترانه «طنین صلح» را ساختید که با صدای گروهی از خوانندگان ایرانی نظیر معین و مرتضی و اندی و کوروس و فتانه اجرا شد. این اثر چگونه شکل گرفت؟

-خانم هدیه یکی از بهترین ترانه‌سراهایی که افتخار همکاری با او را داشتم با آقای علیرضا امیرقاسمی در مورد صلحی که در ایران شده بود، بعد از جنگی که بیهوده چند سال طول کشید صحبت کرد و همگی فکر کردیم برای پایان این جنگ و آغاز صلح یک آهنگی به بازار عرضه کنیم به نام «طنین صلح»...

● ... در آخرین دقایق گویا هایده نتوانست در اجرای این ترانه با شما همراهی کند.

● ...بله، یادم می‌آید که به سانتا مونیکا به منزل خانم‌هایده رفتم و آهنگ را برای وی اجرا کردم. البته خانم هدیه اشعار زیادی برای ترانه‌های هایده سروده بود. به من هم دو تا شعر داده بود که برای خانم هایده درست کرده بودم که متاسفانه هیچوقت فرصت پیش نیامد آن آهنگ‌ها را ضبط کنیم.

● با توجه به اینکه در ترانه‌هایی که شما آهنگ آنها را ساخته‌اید، عشق همواره حضور دارد، نگاه شما به مقوله عشق چگونه است؟

-زندگی بدون عشق، زندگی نیست؛ البته عشق اول من همیشه موسیقی بوده برای همین باعث شد دیر ازدواج کنم ولی الان ۶ سال است که ازدواج کرده‌ام؛ همسرم اهل چین و آهنگساز و موزیسین خوبیست؛ با هم کار می‌کنیم و مدیریت استودیوی من هم بر عهده اوست.

● اگر روزی به ایران برگردید دوست دارید چه کنید؟

-خیلی دوست دارم در ایران برای بچه‌هایی که توانایی مالی ندارند تا در رشته موسیقی درس بخوانند یک مدرسه موسیقی باز کنم.

«انتخاب» سخت برای علی خامنه‌ای ....

از صفحه ۷

دو ماه هم مهلت داده و هفته اول فوریه ۲ ماه تمام می‌شود، بایدن ۲۰ ژانویه روی کار می‌آید و تازه می‌خواهد وزیر خارجه، وزیر خزانه‌داری دولتش را به کنگره معرفی کند؛ این روند، روندی است که حداقل چند هفته طول می‌کشد تا دولت جدید مستقر شود وقتی دولت جدید مستقر شد اگر بخواهند تحریم‌ها را بردارند، به تدوین آیین‌نامه‌های جدید برای هر تحریمی در هر دستگاهی نیاز دارند که نیازمند زمان است.»

عباس مقتدایی نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز با تاکید بر اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید در بالاترین سطح به تکالیف خود در برابر ایران عمل کند، می‌گوید: «تمامی کشورهای طرف برجام و آژانس به ایران بدهکاری‌های متعددی دارند که باید بدهی خود را با ایران تسویه کنند!»

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام روز شنبه ششم دی‌ماه در یک سخنرانی در دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) گفت «باید آمریکایی‌ها را وادار کرد که تحریم‌ها را بردارند.»

محمدحسن آصفری از نمایندگان ولایی مجلس شورای اسلامی نیز به بیانیه مشترک وزرای خارجه کشورهای باقیمانده در برجام اشاره کرده و گفته «اینکه ظریف و امثالهم بخواهند بر بیانیه‌های مشترک اتکا کنند قطعاً هیچ خروجی به دنبال نخواهد داشت و باید به دنبال اقدام عملیاتی و اجرایی شدن برداشتن تحریم‌ها باشند.»

در عین حال قابل کتمان نیست که در جریان ولایی و انقلابی نیز شکاف افتاده است. حسین الله‌کرم دبیرکل سابق انصار حزب‌الله در مصاحبه با وبسایت «انتخاب» گفته «باید برای رفع تحریم مذاکره کرد.» او که از مکتبی‌ها و حزب‌اللهی‌های مخالف سرسخت برجام بود حالا می‌گوید: «اگر بایدن بتواند ایران را مجبور به مذاکره در دو موضوع موشکی و قدرت منطقه‌ای نماید حتماً به برجام باز می‌گردد.»

پیش از این علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفته بود برای لغو تحریم‌ها حتی یک ساعت هم نباید صبر کرد آنهم در حالی که وی همواره موضوعات مربوط به برنامه موشکی و شبه‌نظامیان را «مسائل ناموسی انقلاب» خوانده و گفته بود که بر سر آنها مذاکره نخواهیم کرد!

این کشاکش‌ها در حالیست که جامعه بین‌الملل در مورد یک مسئله اشتراک نظر دارد و آن لزوم تعیین تکلیف تهدیدات موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی است اگرچه قاسم سلیمانی چند ماه پیش از آنکه در بغداد در حمله پهپادی آمریکا کشته شود نسبت به انجام «برجام موشکی» هشدار داده بود.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

دارالترجمه بین المللی فریس
زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قباله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com
Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH
دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

KAYHAN LONDON ONLINE
کیهان
سال سی و هفتم ـ شماره ۱۷۵۹ (شمارهٔ ۲۹۳ از دورهٔ جدید)
جمعه ۱۲ دی ماه ۱۳۹۹ خورشیدی – ۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ قمری ـ ۱ ژانویه ۲۰۲۱ میلادی
No.1759 Friday 01 January 2021
P.O. Box 435,Old Brompton Road 2,London, SW7 3DQ
Tel: +(44)-(0)20 3633 3684 Fax: +(44)-(0)20 3633 3685
e-mail: ads@kayhan.london - www.kayhan.london

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

هر معامله‌ای با رژیم ایران موقت و ناپایدار است بدون آنکه احتمال وقوع جنگ را کاهش دهد

- **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأمین مالی و تسلیحاتی نیروهای نیابتی با واگذاری ماموریت‌های رزمی از طریق خرابکاری و جنگ نامتقارن تولید قدرت می‌کند و دستگاه دیپلماسی با رد دخالت در این اقدامات از جمهوری اسلامی سلب مسئولیت.**
- **«نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت» یا «قناعت نکردن به منطقه خودمان» و یا «امتداد عمق راهبردی» راهبردهای علی خامنه‌ای است.**
- **بدون تردید در تأمین مالی و تسلیحاتی شبه نظامیان منطقه دولت جمهوری اسلامی شریک سپاه پاسداران است.**
- **شاید مشکل بزرگ اوباما و کری و تمام آنهایی که هنوز به دو قطبی «میانه‌رو- تندرو» در ایران باور دارند این است که تئوری ظریف در مورد «شرایط گذار از دوران پساغربی» که به صورت کتاب هم منتشر شد را نمی‌دانند.**
- **ظریف معتقد است داشتن موشک و حمایت از شبه‌نظامی‌ها به عنوان ابزار فشار جهت مذاکره با جامعه جهانی و پذیرفته شدن در آن برای تأمین اقتصاد لازم است.**
- **بعد از «پیمان ابراهیم» از یکسو افزایش اختلاف میان شبه‌نظامی وابسته به رژیم ایران با فرماندهان سپاه که به عدم اطاعت‌پذیری آنها دامن زده جمهوری اسلامی منزوی‌تر شده که احتمال وقوع جنگ در منطقه را تشدید می‌کند.**

حامد محمدی– بزرگترین کمکی که شبه‌نظامیان شیعه منطقه به جمهوری اسلامی می‌کنند جنگ نیابتی است یعنی به دستور تهران عملیات نظامی اجرا می‌کنند بی‌آنکه مسئولیتی بر دوش جمهوری اسلامی باشد. راکت‌پرانی‌ها به سفارت آمریکا در بغداد یا پایگاه‌های آمریکایی در عراق مثال واضحی است.

فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آنجا که لازم باشد با نیروهای «مقاومت» منافع آمریکا را تهدید می‌کنند بی‌آنکه پاسخگو باشند و در این روند وزارت خارجه جمهوری اسلامی در همدستی با سپاه پاسداران مدام هرگونه دخالت ایران در حمله به منافع آمریکا در عراق را رد می‌کند.

دی‌ماه ۱۳۹۸ پس از آنکه سپاه پاسداران پس از کشته شدن قاسم سلیمانی برای تلافی چند موشک به پایگاه آمریکایی «عین الاسد» پرتاب کرد امیرعلی‌حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه در یک کنفرانس مطبوعاتی حاضر شد و در حالی که پرچم‌های حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی، حماس، فاطمیون و زینبیون پشت سرش بود به صراحت تهدید کرد «این سیلی ایران رمز عملیات بود، اقدامات بعدی باید توسط هسته‌های مقاومت در منطقه انجام شود که می‌شود.»

محمدعلی جعفری فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دی‌ماه ۱۳۹۴ در یک سخنرانی گفت «نتیجه مثبت تحولات منطقه آماده شدن نزدیک به ۲۰۰ هزار نیروی مسلح جوان در کشورهای سوریه، عراق، افغانستان و پاکستان و یمن بوده است.» او این نیروها را نعمت و نیاز اسلام و انقلاب و جبهه مقاومت دانست که آماده نقش آفرینی برای انقلاب و نظام اسلامی‌اند.

به بیان ساده سپاه پاسداران با تأمین مالی و تسلیحاتی نیروهای نیابتی با واگذاری ماموریت‌های رزمی از طریق تهدید و خرابکاری و جنگ نامتقارن تولید قدرت می‌کند و دستگاه دیپلماسی با رد دخالت در این اقدامات از جمهوری اسلامی سلب مسئولیت و در نهایت موازی با فعالیت‌های اتمی و موشکی و گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی‌ها از غربی‌ها باج‌خواهی می‌کند.

«نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت» یا «قناعت نکردن به منطقه خودمان» و یا «امتداد عمق راهبردی» راهبردهای علی خامنه‌ای است. در ایران نظامی‌ها می‌گویند «با اتحاد نیروهای محور مقاومت، قوی‌ترین ارتش منطقه شکل گرفته است.»

حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان می‌گوید «جنگ علیه ایران یعنی جنگ علیه محور مقاومت.»

از این روست که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی می‌گوید موشک و شبه‌نظامیان «مسائل ناموسی انقلاب» است و بر سر آن مذاکره نمی‌کنیم. جمهوری اسلامی عملاً فاقد سیاست خارجی عادی است بدون باج‌خواهی به اهدافش نمی‌رسد و تا زمانی که بتواند از غربی‌ها باج‌بگیرد این سیاست را ادامه خواهد.

درواقع اینکه حامیان نظام می‌گفتند «سلیمانی و ظریف دو بال سیاست خارجی ایران‌اند» یک واقعیت عینی است. توافق اتمی سال ۲۰۱۵ به جمهوری اسلامی کمک کرد تا بیشتر روی باج‌گیری از غربی‌ها پافشاری کند تا جایی که خامنه‌ای سوریه را «عمق استراتژیک نظام» خواند و نظامی‌ها ادعا کردند «نفوذ نظام جمهوری اسلامی ایران تا آن سوی مدیترانه پیش رفته است» و حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران تهدید کرد «اسرائیل برای فرار، شنا کردن در دریای مدیترانه را بیاموزد!» و خامنه‌ای متوهم به نیروی دریایی ارتش و سپاه دستور «دریانوردی اقیانوسی» و حرکت در اطلس و ایجاد «پایگاه دائمی» در اقیانوس هند داد!

بدون تردید در تأمین مالی و تسلیحاتی شبه نظامیان منطقه دولت جمهوری اسلامی شریک سپاه پاسداران است.

محمود الزهار عضو بلندپایه حماس در مصاحبه با شبکه «العالم» گفت سال ۱۳۸۵ محمود احمدی‌نژاد مرا به قاسم سلیمانی ارجاع داد. در فرودگاه مبلغ ۲۲ میلیون دلار پول نقد در چند کیف دیدم. توافق ما پول بیشتری بود، اما چون ۹ نفر بودیم و هر ساک ۴۰ کیلو گنجایش داشت و نمی‌توانستیم بیشتر حمل کنیم فقط ۲۲ میلیون دلار گرفتیم!

در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ شبکه‌های متعددی مرتبط به سپاه و شبه نظامیان شناسایی شدند که از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی اقدام به جابجایی پول می‌کردند. سال ۲۰۱۸ ولی‌الله سیف رئیس پیشین بانک مرکزی و علی طرزی‌زاده معاون اداره بین‌الملل بانک مرکزی به اتهام همکاری در نقل و انتقال پول برای تقویت شبکه‌های تروریستی تحریم شدند. وزارت خزانه‌داری آمریکا سپتامبر ۲۰۲۰ (مهرماه ۱۳۹۹) به اتهام تأمین مالی تررویسم تحریم‌های گسترده‌ای را علیه بخش بانکی و مالی جمهوری اسلامی ایران به اجرا گذاشت.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی بدون اشاره به اینکه علت این تحریم‌ها چیست با فرافکنی آن را محکوم می‌کند و تحریم‌ها را گرسنگی‌دادن به یک ملت و جنایت علیه بشریت می‌خواند. هرچند او واقعیت تحریم‌ها را نمی‌گوید اما می‌گوید «ما خودمان انتخاب کردیم که این جور زندگی کنیم». ظریف بهمن سال ۱۳۹۷ در یک سخنرانی گفت «ما به مقاومت مردم عراق، سوریه و لبنان افتخار می‌کنیم. ما به مقاومت فلسطین افتخار می‌کنیم. ما افتخار می‌کنیم که به خاطر فلسطین تحت فشاریم!»

محمدجواد ظریف بهمن ۱۳۹۲ در مصاحبه با شبکه «یورونیوز» ادعا کرد «ایران در سوریه حضور نظامی ندارد». او مهرماه سال ۱۳۹۴ به «نیویورکر» گفت «ایران در سوریه نیروی نظامی ندارد و تنها مشاورین نظامی ایران در این کشور هستند» و فرودین ۱۳۹۷ گفت «حضور نظامی ما در سوریه قانونی است.»

در نهایت قاسم سلیمانی امرداد ۱۳۹۸ در دیدار با شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در دیرالزور اعلام کرد آماده جنگ با آمریکا در سوریه باشید. بعد از توافق اتمی با میلیاردها دلار پولی که به جیب سپاه سرازیر شد از فرماندهان سپاه تا نمایندگان مجلس چنان بی‌پروا شدند که می‌گفتند «صدای نفس‌های محور مقاومت بیخ گوش اسرائیل شنیده می‌شود» و تهدید می‌کردند «سوریه خاکریز اول جبهه مقاومت است.»

شاید مشکل بزرگ اوباما و کری و تمام آنهایی که هنوز به دو قطبی «میانه‌رو- تندرو» در ایران باور دارند این است که تئوری ظریف در مورد «شرایط گذار از دوران پساغربی» که به صورت کتاب هم منتشر شد را نمی‌دانند. او معتقد است داشتن موشک و حمایت از شبه‌نظامی‌ها به عنوان ابزار فشار جهت مذاکره با جامعه جهانی و پذیرفته شدن در آن برای تأمین اقتصاد لازم است.

او همین تئوری را به خامنه‌ای القاء کرد و در نهایت با برنامه‌هایی که داد پرونده اتمی از سعید جلیلی در شورای‌عالی امنیت ملّی گرفته شد و به او در وزارت خارجه سپرده شد.

تئوری دولت آمریکا در دوران باراک اوباما و جان کری این بود که اگر در ایران «میانه‌روها» (اصلاح‌طلبان) قدرت بگیرند از تهدیدات اتمی و نظامی جمهوری اسلامی کاسته می‌شود و به رژیمی نرمال تبدیل خواهند شد. در همین ارتباط گزارش پولیتیکو در مورد «معامله‌ی پنهان اوباما با ایران» که ژوئن ۲۰۱۷ منتشر شد و کیهان لندن ترجمه‌ی کامل آن را منتشر کرد افشاگرانه و خواندنی است. تجربه به دونالد ترامپ ثابت کرد رژیم ایران اصلاح‌پذیر نیست. او از توافق اتمی خارج و تحریم‌های شدید علیه رژیم ایران اعمال کرد.

اینهمه در حالیست که ماهیت جمهوری اسلامی تغییر نخواهد کرد. جی سولومون نویسنده‌ی کتاب «جنگ‌های ایران» دی‌ماه ۱۳۹۵ به «کیهان لندن» گفت «فعالیت تندروها و سپاه بعد از توافق اتمی کمتر نشد» و تأکید کرد «من چیزهایی را به دست آوردم که در کتاب نیامده، از جمله این‌که روحانی با پاورپوینت به خامنه‌ای توضیح داده که شرایط اقتصاد ایران می‌تواند به مسئله‌ی امنیت ملی تبدیل شود.»

عبدالعزیز پادشاه عربستان مهرماه ۱۳۹۹ در یک سخنرانی گفت «جمهوری اسلامی ایران با هدر دادن منافع مردم شبکه‌های تروریستی ایجاد کرده که حاصل آن چیزی نیست جز هرج و مرج، افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی.» او تأکید کرد «تجربه ما با رژیم ایران به ما آموخته راه‌حل‌های جزئی و مماشات جلوی تهدیدهای این رژیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی را نگرفته است.»

شاهزاده رضا پهلوی مهرماه ۱۳۹۸ به «نشنال» چاپ ابوظبی گفت «رژیم به ویژه در شرایط کنونی که بسیار ضعیف و منزوی شده به دنبال جنگ است. آنها از هر بهانه‌ای برای آغاز یک جنگ برای حفظ قدرت خود استفاده خواهند کرد. اگر مردم ایستادگی کنند و از مشارکت با آنها سر باز زنند این رژیم به اهداف خود نخواهد رسید.»

جمهوری اسلامی ایران یک رژیم بدخیم و تروریست و تروریست‌پرور است و فارغ از اینکه چه کسی در کاخ سفید قدرت را در دست داشته باشد، هر معامله‌ای با آنها بی‌فایده و ناپایدار خواهد بود و همواره وقوع یک جنگ در منطقه محتمل خواهد بود. به ویژه بعد از «پیمان ابراهیم» و عادی‌سازی روابط کشورهای عربی منطقه با اسرائیل رژیم ایران از یک سو و اختلاف میان شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی با فرماندهان سپاه و افزایش عدم اطاعت‌پذیری ناشی از اختلاف منافع با تهران جمهوری اسلامی را منزوی‌تر و در نتیجه احتمال وقوع یک جنگ در منطقه را تشدید خواهد کرد.

هرچند اسرائیل و آمریکا در سال‌های اخیر با عملیات‌های پی‌در پی نظامی در سوریه و عراق سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان وابسته به تهران را زمینگیر کرده‌اند و با حذف فیزیکی فرماندهان و عوامل رده بالا مثل قاسم سلیمانی و محسن فخری‌زاده و دیگران از یکسو و عملیات خرابکاری و سایبری در تاسیسات اتمی و نظامی و استراتژیک رژیم از سوی دیگر به رژیم ایران صدمات سنگینی زدند اما اینها فقط راه حل‌های موقت و کوتاه‌مدت است و جمهوری اسلامی در تهران همچنان بر سر کار است و تهدیدات پایان نخواهد داشت.

نیروهای تیپ ۱۶۴ پیرانشهر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در رزمایش «عاشقان ولایت ۹۹» در مناطق مرزی شمال غرب ایران آبان ۱۳۹۹